



۲۹دی (۱۸دی‌حج‌ه)

عید غدیر روز

کمال اسلام انقلابی

با معرفی و ابلاغ جانشینی

علی(ع)گرامی و مبارک باد



مریم رجوی در جشن همبستگی

ایرانیان و فرانسویان: دفاع شما

از آزادی و حقوق بشر نشان داد

که جای فرانسه در کنار

مردم ایران است نه دیکتاتور‌ها



سه‌شنبه

۲۷دی

۱۳۸۴

۱۶دی‌حج‌ه

۱۴۲۶

17January

2006

شمارهٔ ۷۸۲

2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

اتفاق نظر جهانی: رژیم ایران باید به شورای امنیت ملل متحد ارجاع داده شود

جک استراو وزیر خارجه انگلستان طی مصاحبه‌یی با کانال ۴ رادیو بی‌بی‌سی گفت: به نظر ما اجلاس عادی آژانس انرژی اتمی که در ششم مارس آینده برگزار می‌شود دیر است. ما به اجلاسی خاص و فوق‌العاده نیاز داریم که باید زودتر برگزار شود. موضوع هسته‌یی رژیم ایران به مرحله‌یی رسیده که باید به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع گردد.

کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا طی یک کنفرانس مطبوعاتی از موضع سه کشور اروپایی برای تشکیل جلسه اضطراری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت ارجاع پروندهٔ هسته‌یی رژیم ایران به شورای امنیت حمایت کرد. وی گفت: گام اول ارجاع پرونده اتمی رژیم ایران به شورای امنیت ملل متحد است. یک اجلاس اضطراری خواهد بود و من معتقدم این گام برداشته خواهد شد.

ادامهٔ این مطلب را در رویدادهای هفته در صفحهٔ ۲ دنبال کنید.

افشاگری جدید مقاومت ایران

رژیم ایران ۵ هزار سانتی‌رفوژ را برای نصب در سایت نطنز آماده کرده است

کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن

روز سه‌شنبه ۲۰دی (۱۰ژانویه) یک کنفرانس مطبوعاتی تحت عنوان: «برنامهٔ سلاح اتمی ایران، راه‌حلم!» در ساختمان ملی مطبوعات آمریکا، از سوی کمیتهٔ سیاست ایران برگزار شد. در این کنفرانس مطبوعاتی آقای علیرضا جعفرزاده، پروفیسور ریمووند کنتنر، مقام ارشد سابق شورای امنیت ملی آمریکا و استاد دانشگاه جورج واشینگتن و آقای پال لونتال، مدیر انستیتوی کنترل اتمی و از متخصصین برجستهٔ اتمی آمریکا شرکت داشتند.

خبرگزاری فرانسه ۲۰دی در مورد اطلاعات افشاشده در این کنفرانس نوشت اگر این اطلاعات تأیید شود مناقشه بر سر برنامهٔ اتمی رژیم ایران شعلور خواهد شد. در بخشی از این گزارش نظر رابرت اینهورن کارشناس مستقل در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشینگتن در مورد این کنفرانس سؤال شدوی گفت: اگر افشاگری در مورد سایت نطنز در تابستان سال ۲۰۰۲ نبود، ما امروز تا حدود زیادی دربارهٔ برنامه هسته‌یی رژیم ایران در ابهام و تاریکی بودیم.

در انعکاس دیگری از این کنفرانس خبرگزاری رویتر نوشت علیرضا جعفرزاده که برنامهٔ هسته‌یی مخفی رژیم ایران را در سال ۲۰۰۲ افشا کرد، اسمی شرکت‌ها و افراد دستاندار برنامهٔ اتمی این رژیم را ارائه داد.

تلویزیون فاکس نیز (۲۰ دی) گفت: روز سه‌شنبه مخالفان ایرانی تخمین زدند که رژیم ایران در مدت زمان محدودی شاید در عرض چند ماه بتواند به بمب اتمی دست یابد.

واشینگتن تایمز ۲۱دی (۱۱ ژانویه) از قول علیرضا جعفرزاده در این کنفرانس نوشت: «مذاکرات اتحادیه اروپا با رژیم ایران مرده است.»

در صفحهٔ ۵



در جشن سال نو میلادی شماری از شهرداران استان والدواز و ایرانیان و شهروندان فرانسوی شرکت داشتند

رویتر: ایرانیان مقیم برلین علیه سیاست‌های اتمی رژیم ایران تظاهرات کردند

بین‌المللی اتمی تأیید شد.

هم‌چنین خبرگزاری آسوشیتدپرس تصاویر متعددی برای گفتگو برلین مخابره کرد. این خبرگزاری نوشت: روز پنجشنبه در مقابل وزارت خارجهٔ آلمان

در برلین، هواداران شورای ملی مقاومت ایران علیه دولت ایران و برنامه هسته‌یی آن تظاهرات کردند.

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: وزیران خارجه سه کشور اروپایی در حالی ملاقات کردند که هواداران مجاهدین - سازمانی که تلاش می‌کند رژیم تهران

رژیم ایران تظاهرات کردند. این تظاهرات در حالی برگزار شد که وزرای خارجهٔ انگلیس، فرانسه و آلمان برای گفتگو پیرامون برنامه اتمی رژیم ایران ملاقات کردند.

تلویزیون رویتر نیز ضمن نشان دادن صحنه‌هایی از تظاهرات در برلین گفت: در اوت ۲۰۰۲ شورای ملی مقاومت ایران، اعلام کرد رژیم ایران محلی برای غنی‌سازی اتمی در نطنز و سایت‌های دیگر اتمی را مخفی کرده است. این اتهامات بعداً از سوی آژانس

تظاهرات ایرانیان در برلین علیه تلاش‌های حکومت آخوندی برای دستیابی به سلاح اتمی، وسیعاً مورد توجه رسانه‌های آلمانی و بین‌المللی قرار گرفت. دهها کانال تلویزیونی، رادیویی، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها، اخبار و تصاویر این گردهمایی را بلافاصله به سراسر جهان مخابره کردند.

خبرگزاری رویتر گزارش‌ها و تصاویر متعددی از این تظاهرات مخابره کرد و نوشت: ایرانیان مقیم برلین روز پنجشنبه ۱۲ژانویه (۲۱دی) علیه سیاست اتمی

در صفحات دیگر

نروژ اعلام کرد خود را ملزم به تبعیت ازلیست سازمان‌های ترور‌بستی اتحادیهٔ اروپائمی‌داند

خواهرمجاهد صدیقه حسینی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با استقبال از این تصمیم وزارت‌خارجهٔ نروژ، آن را گامی به سوی عدالت و نیز نشانهٔ آمادگی جامعهٔ بین‌المللی برای شنیدن صدای مقاومت برحق مردم ایران در برابر فاشیسم توصیف کرد

مقاومت سازمان‌یافته و بیداری فعالان ومشاافتن راه‌های ایران و مرزندی‌ها و سیاست‌های ترسیم‌شده از سوی شورای ملی مقاومت ایران بسا روشنتر و برتر از آن است که این گردوخاک‌های آخر راه برآن سایه اندازد.

در حالی که کازار میهنی و انسانی برای بردن پروندهٔ اتمی آخوندها به شورای امنیت، به بارمی‌نشیند، باید‌تلاش برای تحقق این نقطه‌عطف سیاسی و ارجاع بلادرتنگ پروندهٔ رژیم به شورای امنیت را تشدید کرد. این، قدم‌اول در طرد رژیم‌ی است که پیش از دودهه برضد مصالح عالی ملت ایران از امدادوسا‌ین‌های استعمار‌ی برخوردار بوده است. باید تمامیت سیاست مماشات و پیامدهای آن علیه مردم ومقاومت ایران و علیه صلح در جهان را افشا نمود و تأکید کرد که نامشروع‌ترین و زیانبارترین نتیجهٔ این سیاست شوم، برج‌بست ترو‌رستی به مجاهدین و انکار حق مسلم مقاومت ملت ایران بوده‌است. سردمداران سیاست مماشات

که اکنون به شکست این سیاست شوم اذعان می‌کنند، به عنوان اولین وظیفهٔ اخلاقی و به حکم اعلامیهٔ جهانی حقوق‌بشر باید حق مسلم ملت ایران برای مقاومت را به‌رسمیت بشناسند و نتنگ برج‌بست‌زدن به مجاهدین به سود فاشیسم مذهبی را ازخود بزدایند.



را سرتگون سازد - در برلین تظاهرات کردند. آنان پرچم‌های ایران را به اهتزاز درآورد و پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: «هیچ تسلیحات هسته‌یی در دست ملاحظه‌ناشد.»

گزارشگر تلویزیون الجزیره در انعکاس این تظاهرات گفت: شعارهای اپوزیسیون ایران در خارج از یک طرف و فشارهای روزافزون بین‌المللی از طرف دیگر، تصویری از موضوع اتمی رژیم ایران را در پایتخت آلمان ارائه می‌دهد

در صفحهٔ ۵

تظاهرات دلیرانهٔ مردم شهرهای اهواز و مهاباد

- مردم دلیر اهواز در روز عید قربان تظاهرات ضدحکومتی برپا کرده ویا نیروهای سروکبر رژیم درگیر شدند.

- ۲۰دی‌ماه جوانان مهاباد با تجمع در میدان استقلال این شهر دست به تظاهرات زدند و با نیروهای سروکبر رژیم درگیر شدند.

در صفحهٔ ۸

گردهمایی‌ها و تجمعات مردم عراق علیه تقلبات رژیم آخوندی در انتخابات

- گردهمایی کمیساریای مجتمع مدنی در بعقوبه

- گردهمایی مقامات، شخصیت‌ها و شیوخ استان صلاح‌الدین

- گردهمایی شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی و شهروندان استان الانبار

- گردهمایی ۵۰۰ نفر از شهروندان استان دیالی

- اجتماع همبستگی شهروندان مسیحی عراقی با مجاهدین در اشرف

در صفحهٔ ۴

ضمیمهٔ ادبی و فرهنگی ندا (شمارهٔ ۱۰)

در این شمارهٔ ندا مطالب زیر را می‌خوانید:

- محمود درویش، میهنی در یک قصیده از فرزاد افشاری

- میان ماه من تا ماه گردون از ناهید همت‌آبادی

- اشعاری از رحمان کریمی، جمشید پیمان، امیر بیدار، م

- ولید طلایی ترجمه ه - مهرنوش

- از درچهٔ دوربین نوشتهٔ علی مقدم

- قسمت دوم «پسوی شهر یاشکوه»(۲) سخنرانی پابلو

نرودا هنگام گرفتن جایزهٔ نوبل، ترجمهٔ زری اصفهانی

سیلی از زوار بلند شوند.

نقطه‌عطف در انزوای جهانی

رژیم آخوندی



اتفاق نظر جهانی برای ارجاع پروندهٔ اتمی آخوندها به شورای امنیت، یک تحول در روابط جامعهٔ بین‌المللی با رژیم آخوندی است، اما از آن‌جا که این تحول پیامدی از سرصفل اقتیاض و اعلام جنگ رژیم «هم به ملت ایران وهم به جامعهٔ جهانی» درمرحلهٔ پایانی است، فراتر از هر ارزیابی حقوقی در روابط آخوندها و دیگرکشورها یک نقطه‌عطف سیاسی در انزوای جهانی رژیم و در نتیجه یک پیشروی سیاسی در مقاومت همه‌جانبهٔ ملی برای به زیر کشیدن استبداد مذهبی محسوب می‌شود. رژیم ولایت فقیه، به گفتهٔ استراتژیست‌های - از جواد لاریجانی تا محمد خاتمی - برای حفظ نظام ناگزیر از«بسط» است والا درخود فرو می‌ریزد. از این روست که آخوندها به موازات اقتیاض در درون، به صدور ارتجاع به عراق و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی روی می‌آورند و درمقابل، مقاومت ایران همین گلرگاه‌های تنفسی استراتژی «بسط» را با سیاست‌های اصولی خود مسدود می‌کند.

بنابراین، مردم و مقاومت ایران طرف اصلی و پیگیر ارجاع پروندهٔ اتمی این رژیم به شورای امنیت هستند و درراستای برکنند ریشهٔ استبداد مذهبی و استقرار آزادی وحاکمیت مردم‌درا‌یران، از آن استقبال می‌کنند. درمقابل، رژیم آخوندها و تمایلات و منافع جانبدار حفظ آن، بر روی صورت مسأله و مضمون و جوهر سیاسی این تحول که همانا طرد و انزوای جهانی این رژیم ضدایرانی و ضدانسانی است خاک می‌پاشند و



جشن همبستگی ایرانیان و فرانسویان در سال نو میلادی

مریم رجوی: دفاع شما از آزادی و حقوق بشر نشان داد که جای فرانسه در کنار مردم ایران است نه دیکتاتورها



مریم رجوی در پایان برنامه به هنرمندان فرانسوی و ایرانی یک شاخه گل برای همبستگی میان دو ملت ایران و فرانسه هدیه داد. خانم رجوی ابراز امیدواری کرد که سال نو میلادی، سال آزادی مردم ایران و سال گسترش صلح در منطقه خاورمیانه و جهان باشد.



در این برنامه چندتن از شهرداران والدواز از جمله آقایان ژمنیک لوفوز، شهردار سرژی-پونتواز، ژان کلود وانر شهردار بوازمن و ژان پیر مولر شهردار مانی آن وکسن، هم‌چنین ژیل پاروتل، رئیس سابق کلان وکلای والدواز در سخنان کوتاهی ضمن تبریک سال نو میلادی، همبستگی خود را با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده آن خانم مریم رجوی اعلام کردند.



هنرمندان ایرانی و فرانسوی در جشن سال نو میلادی



از راست: مرجان، محمد شمس، شاپور باستانسیر، هائیک هاکیوپیان، هلنا، اودره، ساندیرین، ملانی و خوانندگان گروه رنسانس و آرکاد



مقاومت که مورد ستم قرار گرفته بود، کمک رساندید و جانب مردم ایران را گرفتید و این افتخار شماست. شما وقتی از آزادی و حقوق بشر در ایران دفاع می‌کنید، نشان می‌دهید که جای فرانسه در کنار مردم ایران است نه در کنار دیکتاتورها. خانم رجوی ابراز امیدواری کرد که سال نو میلادی، سال آزادی مردم ایران و سال گسترش صلح در منطقه خاورمیانه و جهان باشد. چندتن از شهرداران والدواز از جمله آقایان ژمنیک لوفوز، شهردار سرژی-پونتواز، ژان کلود وانر شهردار بوازمن و ژان پیر مولر شهردار مانی آوکسه در سخنان کوتاهی ضمن تبریک سال نو میلادی، همبستگی خود را با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده آن خانم مریم رجوی اعلام کردند.

آنان با تأکید بر این که «تهدیدهای رژیم ایران بسیار خطرناک و نگران‌کننده است»، از اتحادیه اروپا و سایر

به مناسبت سال نو میلادی، شنبه ۱۷ دی (۷ ژانویه) جشن همبستگی ایرانیان و فرانسویان در والدواز با حضور خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برگزار گردید. در این جشن که شماری از شهرداران استان والدواز شرکت داشتند، خانم رجوی سال جدید میلادی را از سوی مقاومت ایران، رزمندگان آزادی و هموطنان ایرانی به شهرداران، شخصیتها و اهالی استان والدواز و مردم فرانسه تبریک گفت و افزود: برای یکایک شما سالی پر از شادی، سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنم و از باری و همبستگی شما با مردم و مقاومت ایران در طول سال گذشته، صمیمانه سپاسگزارم.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت با اشاره به تحولات سال گذشته میلادی و اعلام جنگ حاکمیت آخوندی به مردم ایران و جامعه بین‌المللی، از رئیس‌جمهور جدید رژیم آخوندی به عنوان «مظهر کینه‌توزی میان مذاهب و ملت‌ها» یاد کرد و گفت شما مردم والدواز ازسال ۲۰۰۳ به این

کشورهای غربی خواستند برای تغییر این رژیم فشار آورده و از جنبش دموکراتیک مردم ایران حمایت کنند. خانم مرجان خواننده سرشناس میهنان ترانه‌های زیبایی را در جشن همبستگی والدواز اجرا کرد. خانم مرجان قبل از هنرنمایی طی سخنان کوتاهی گفت: «سلام به دلاوران شب‌شکن اشرف پایدار و سلام به ملت ظلم‌ستیز و مقاوم ایران عزیز. سال نو میلادی را به آزاداندیشان جهان و تلاشگران دموکراسی و مدافعان حقوق انسانی در سراسر جهان با هر اعتقاد و باوری تبریک می‌گویم و امیدوارم در سال جدید شاهد رهایی ملت‌ها از جور و ستم بنیادگرایان متحجر باشیم. باورمندم که در آینده‌یی نه چندان دور آزادی ملت درند ایران براساس راه حل سوم خانم مریم رجوی حاصل خواهد شد.»

در جشن همبستگی ایرانیان و فرانسویان شمار دیگری از هنرمندان ایرانی و فرانسوی به هنرنمایی پرداختند.



گروه موزیک زینگارا



اجرای چند ترانه توسط جوانان اور سورا



گروه موزیک گوسپل

«آخوندها گورتان از عراق گم کنید»! اجتماع همبستگی شهروندان مسیحی عراقی با مجاهدین در اشرف

خالد جمال القیسی(۱)

نمایندهٔ جنبش وفاق ملی عراق در استان دیالی

بسم الله الرحمن الرحيم
به برادران و خواهران محترم و مجاهد در شهر اشرف
ما به‌خوبی از نقش بزرگ شما که به‌خاطر مردم عراق ایفا می‌کنید آگاهییم. عراقی که کشور دوم شماس. نقش شما در ارتقای آگاهی مردم به ضرورت مشارکت گسترده‌شان در امر انتخابات و تقویت زمینه‌های مبارزه‌شان علیه دشمنان مردم و بشریت تا فرصتهای به‌دست‌آمده را از دست ندهند. تا دشمن نتواند این کشور را به سمت حکومتی مانند حکومت آخوندها بکشانند، بسیار قابل تقدیر است. شما به‌طور مستمر ما را به ضرورت فداکاری و تفاهم به نفع وحدت عراق از شمال تا جنوب آن و زدودن هر گونه اختلاف به‌خاطر حفظ منافع همه اقشار و جریانه‌ها و ادیان مردم عراق فرامی‌خوانید.
همان‌طور که دیدیم، مردم عراق وارد انتخابات شدند. شب انتخابات را با اشتیاق هرچه‌زودتر رسیدن صبح در رؤیای این که فردا به‌پای صندوقهای رأی خواهندرفت و برای یک عراق جدید آن‌طور که به ما وعده داده شده بود رأی بدهند به صبح رساندند. به‌خاطر دموکراسی، آزادی، عدالت و برابری و سروسامانی در زندگیمان و این‌که دیگر از تبعیض و نابرابری خبری نباشد.

اکنون باید بگوییم البته ما به آن‌چه که آرزو داشتیم رسیدیم. اما به دموکراسی از نوع آخوندی! یعنی زندان و بگیر و ببند و ترور و تهدید تا قتل و کشتار و نه چیز دیگر! برای خوش خدمتی به اربابان‌شان یعنی رژیم آخوندهای تهران.
در جاهایی که منطقه نفوذشان بود، صندوقهای رأی بابر گه‌های تقلبی به نفع رژیم ایران پر شد و در جاهایی که مسلط نبودند، صندوقهای قلابی را با پر گه‌های باطله پر کردند. بسیاری مراکز رأی‌گیری از صبح بسته شد و ساعت ۴عصر دوباره باز شد تا رأی دهندگان نتوانند رأی خود را به صندوق بریزند. هم‌چنین وجودنداشتن صندوقها در مراکز مشخص شدهٔ رأی‌گیری. به اینها اضافه کنید حضور چهره‌های شناخته‌شدهٔ مزدورانی که در حول و حوش مراکز رأی‌گیری برای جوسازی منفی علیه رأی دهندگان کار پراکنده شده بودند...

تازه ما شاهد انواع جدیدی از دموکراسی هم بودیم که ازجمله عبارتند از: رأی‌دادن جمعی آنهم جمعی از جانب مردگان که خدا رحمتشان کند. نوع دیگر دموکراسی این بود که اعلام کردند شمارش آرای صندوقها در مراکز صورت خواهد گرفت تا ناظران صندوقها، کار را تمام شده فرض کنند و بعد از رفتن ناظران صندوقها را باز کردند. ناظرانی که متوجه شده بودند و می‌خواستند به مراکز بیایند تا مسئولیشان را انجام دهند، به دلیل منع ترددی که توسط خودروهای پلیس و ارتش تحت امر اربابان‌شان صورت می‌گرفت دیگر امکان حضور و نظارت نداشتند.

شگفت‌انگیزترین صحنه مربوط به آخوند رفسنجانی در خطبهٔ نماز جمعه بعد از انتخابات بود که ضمن افتخار به این که مبالغی که برای انتخابات هزینه کرده و امکاناتی که به خدمت گرفته، به هدر نرفته است نتایج انتخابات را آشکارا به سود ایران اعلام کرد. حالا رابطهٔ رفسنجانی و انتخابات در عراق چیست؟ ما نمی‌دانیم! البته این را می‌دانیم که یکی از علتهای که موضوع انتخابات را به آنها ربط می‌دهد این است که آخوندها می‌خواهند استانهای جنوبی عراق را تابع خود کنند.

به‌رغم این که کمیساریای عالی انتخابات عراق اعلام کرده بود نتایج را تا دوهفتهٔ دیگر یعنی ۲۹ و ۳۰ دسامبر اعلام نخواهند کرد، با کمال شگفتی خبر نتایج انتخابات عراق، قبل از این که در عراق اعلام شود در روزنامهٔ کیهان چاپ تهران منتشر گردید.

امری که فضای سیاسی عراق را در هم ریخت و همه را به‌خشم آورد. تا جایی که در نهایت این اعتراضها به تشکیل جبهه‌یی به‌نام جنبش «مرام» متشکل از معترضان به این نتایج گردید. جبهه‌یی که بیش از ۴۵۰هزار نفر را شامل می‌شود و به مدد حمایتهای گستردهٔ مردمی خود از جامعهٔ بین‌المللی، سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب و پارلمانهای جهان خواستار دخالت و تحقیق در این مسأله شده‌اند. اعتراضهایی که هم‌چنان با تظاهرات خشمگینانه و گسترده و سراسری مردم عراق علیه رژیم آخوندی حاکم بر ایران ادامه دارد. آنها هم‌چنان شعار می‌دهند: ای حاکمان ایران گور خود را از عراق گم کنید تا بغداد آزاد بماند. سران رژیم آخوندی خوب گوشه‌اینان را باز کنید، ما عراقمان را هم چون مردمک چشمشان دوست داریم.

۳۰ دسامبر ۲۰۰۵

۱- آقای خالد جمال القیسی، نماینده ایاد علاوی، نخست‌وزیر سابق عراق در استان دیالی است که در خطاب نامه‌اش نوشته است ابه نشریه مجاهد در شهر اشرف، با احترام جهت درج این مقاله چنانچه مناسب اینکار باشد.»

گردهمایی شخصیتهای سیاسی - اجتماعی و شهروندان استان الانبار

حکام ایران اخراج اخراج، عراق آزاد آزاد.

گروهی از شیوخ عشایر، شخصیتهای سیاسی، اجتماعی به همراه جمعی از شهروندان استان الانبار عراق طی یک گردهمایی، دخالتهای رژیم ایران درانتخابات اخیر این کشور را محکوم و از ورود هیأت بین‌المللی برای بررسی تقلبات استقبال کردند.

شیخ علی حسین حمادی گفت: عوامل رژیم آخوندهای ایران از تمامی امکانات مادی و دولتی استفاده کردند و تقلب خود را پیش بردند. مردم عراق با تظاهرات میلیونی تقلبات را محکوم کردند و باعث شد که جامعهٔ بین‌المللی به‌خواست مردم عراق توجه کند. خواست ما همان شعار تظاهرات میلیونی مردم است، حکام ایران اخراج اخراج، عراق آزاد آزاد.

شیخ صالح علی فیاض گفت: در روز انتخابات شاهد بودم که چطور صندوقهای رأی را درزدیدند و کسانی را به‌عنوان ناظر از بغداد آوردند که همه چیز را در دست گرفتند. روز بعد از انتخابات، رفسنجانی تبریک می‌گوید، انتخابات عراق چه ربطی به تو و سایر آخوندها دارد؟

شیخ حبیب طرید گفت: این روزها عراق زخمی با تظاهرات میلیونی قیام کرده است. همه می‌دانند تقلبات از سوی رژیم آخوندی ایران دنبال می‌شد. ما در این‌جا با صدای بلند از جامعه بین المللی خواستار رسیدگی هستیم.

خانم انتصار جوید به‌نماینده‌گی از فرهنگیان، و آقایان علی فیصل حمود، به نمایندگی از طرف دانشجویان، صفا جاسم حمود به نمایندگی از طرف هیأت ورزشکاران، علاء جاسم حمود به نمایندگی از طرف کارمندان استان الانبار ضمن محکوم کردن تقلبات رژیم ایران خواستار بررسی کامل انتخابات شدند.

بیانیهٔ پایانی این گردهمایی ضمن اشاره به نقش و دخالتهای رژیم آخوندی در انتخابات، از عراقیان خواسته است با اتحاد و پیوستن به جنبش مرام در مقابل این تقلبات ایستادگی کنند.



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۲۷دی ۱۳۸۴

گردهماییها و تجمعات مردم عراق علیه تقلبات رژیم آخوندی در انتخابات

اجتماع همبستگی شهروندان مسیحی عراقی با مجاهدین در اشرف

اتحاد و همبستگی راهی جز افزایش اقدامات تروریستی ندیده است.

پرفسورخالد میرزا استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر بغداد، ضمن خوش آمدگویی به‌حاضران و تبریک سال جدید میلادی گفت: کشور ما در شرایط بسیار حساسی قرار دارد.

برای این‌که وطنمان را به ساحل امنیت و آرامش برسانیم نیازمند همبستگی همهٔ نیروهای ملی و دموکراتیک هستیم.

در قسمت بعدی برنامه شماری از شرکت‌کنندگان مسیحی با ایراد سخنانی فرارسیدن سال میلادی جدید را به مردم عراق و مجاهدین خلق ایران تبریک گفته و آرزوی سالی سرشار از موفقیت و امنیت و صلح نمودند.

درقسمت پایانی مراسم، برنامهٔ هنری شامل ترانه‌ها و رقصهای فولکلوریک آسوری و ارمنی اجرا گردید.

گردهمایی مقامات، شخصیتها و شیوخ استان صلاح‌الدین

روز شنبه ۱۰ دیماه ۸۴ در گردهمایی بیش از دویست‌تن از مقامات، شخصیتها، شیوخ و نمایندگان اقشار مختلف استان

صلاح‌الدین، شرح کاملی از تقلباتی که در حوزه‌های رأی‌گیری استان صلاح‌الدین صورت گرفته بود، افشا گردید.

آقای عقیل حسن عبدالله از مسئولین کمیساریای انتخاباتی

تکریت گفت: این جنگ سرنوشت ماست و در آن با تمام توان در برابر آت‌هایی که می‌خواهند حاکمیت عراق را به ایران بفروشند، می‌ایستیم.

آقای علی الحرباوی رئیس سازمان کودکان صلاح‌الدین گفت:

آخوندهای حاکم بر ایران می‌خواهند با این دخالت‌هایشان برای مردم عراق یک تراژدی وحشتناک بیافرینند که در نتیجهٔ آن عراق ما را

گردد.

گردهمایی ۵۰۰تن از شیوخ و شخصیتهای استان دیالی

در گردهمایی بیش از ۵۰۰تن از شیوخ و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و شهروندان استان دیالی، تقلبات گستردهٔ رژیم آخوندی در انتخابات عراق را محکوم نموده و ضمن استقبال از ورود هیأت بررسی تقلبات از سوی سازمان ملل متحد به عراق، حمایت و پشتیبانی خود را از جبههٔ مرام اعلام نمودند.

در این گردهمایی آقای عطا حسن احمد العبدی گفت: شما مردم آزادهٔ عراق توانستید زهد را هنگام زدیش دستگیر کنید و کوس رسوایی آنها را در کشور و منطقه و کل عالم بزنید.

آقای خالد جمال، نمایندهٔ حزب وفاق ملی شاخهٔ کر کوک، گفت: یک دلیل روشن اینکه روزنامهٔ کیهان قبل از کمیساریای نتایج را اعلام کرده بود و رفسنجانی نیز در نماز جمعه ادعا می‌کند که ما در انتخابات عراق پیروز شدیم و هزینهٔ زیادی برای آن کردیم.

آقای دیاب سرحان محل گفت: تقلبات انجام گرفته در انتخابات بر اساس دستور آخوندهای حاکم بر تهران انجام شد.

گردهمایی کمیساریای مجتمع مدنی در بعقوبه

در یک گردهمایی در بعقوبه، مرکز استان دیالی به‌دعوت کمیساریای جامعهٔ مدنی ده‌ها تن از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و زنان روشنفکر عراقی، ضمن محکوم‌کردن دخالت‌های گستردهٔ رژیم آخوندی در انتخابات، خواستار رسیدگی به این تقلبات از طرف سازمان‌های بین‌المللی شدند.

آقای هزیر مسیر العزاوی رئیس کمیساریای جامعهٔ مدنی طی سخنانی با اشاره به اقداماتی که توسط سازمان‌های این کمیساریا جهت جلوگیری از تقلبات صورت گرفته است گفت: تعداد ۱۲۰نفر ناظر به مراکز مختلف برای جلوگیری از تقلب فرستادیم ولی با کمال تأسف بعد از اعلام نتایج با تقلباتی بسیار بزرگی مواجه شدیم که تصورش را هم نمی‌کردیم.

آقای خالد سنجری فرماندار شهر بعقوبه گفت: عراق در شرایط سختی بسر می‌برد و ما در مرحلهٔ گذار هستیم. مسئولیت سنگینی داریم و

جلسه تشکیلات زنان جمعیت سجاد در بعقوبه

روز پنجشنبه ۸دیما ۸۴، به‌دعوت جمعیت زنان سجاد از تشکلهای وابسته به سازمان‌های مجتمع مدنی در استان دیالی، زنان روشنفکر و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی عراقی، با برگزاری یک گردهمایی در بعقوبه مرکز استان دیالی، ضمن محکوم کردن تقلب رژیم ملاهای ایران در انتخابات عراق، خواستار رسیدگی به این تقلبات از طرف مجامع و ارگانهای بین‌المللی شدند.

ابتدا خانم لیلا نصر مسئول انجمن زنان شورای گفتگوی ملی در استان دیالی، ضمن خوش آمدگویی به شرکت‌کنندگان، به نقش زنان در امر انتخابات پرداخت و سپس خانم دموع اکرم عضو جمعیت زنان سجاد گفت: هدف نهایی رژیم ایران و عواملش از این تقلبات برهم‌زدن وحدت عراق و آماده‌کردن شرایط برای بلعیده‌شدن آن است. ولی مطمئنا به این هدف نخواهند رسید.

گردهمایی کانون ضد بنیادگرایی وتروریسم استان دیالی

در یک گردهمایی که توسط کانون ضدبنیادگرایی و تروریسم استان دیالی، برگزار گردید، آقای اسماعیل خلیل الیانی از تلاش‌های همهٔ عراقیان شریف در رابطه با افشای تقلبات مزدوران رژیم حاکم بر ایران قدردانی کرد. شیخ حواس شوکت حسن العزاوی رئیس کانون ضدبنیادگرایی و تروریسم ضمن سخنانی گفت: خطر اصلی هم اکنون در کشور ما بنیادگرایی است. دشمن فکری ما رژیم حاکم بر ایران است. امروز دخالت‌های رژیم حاکم بر ایران به‌طور خاص در امر انتخابات بر همه واضح شده است. تعجب‌آور است که عده‌یی می‌گویند، ایران می‌خواهد عراق را بسازد، آیا کسانی که زندان جادریه را درست کردند، می‌توانند عراق را بسازند؟

آقای رعد زید عبود رئیس جمعیت سجاد گفت: کشور ما بر ایران به‌طور خاص در امر انتخابات بر همه واضح شده است. آنها تعجب‌آور است که عده‌یی می‌گویند، ایران می‌خواهد عراق را بسازد، آیا کسانی که زندان جادریه را درست کردند، می‌توانند عراق را بسازند؟



روز شنبه ۱۰ دیماه ۸۴ در گردهمایی بیش از دویست‌تن از مقامات، شخصیتها، شیوخ و نمایندگان اقشار مختلف استان

صلاح‌الدین، شرح کاملی از تقلباتی که در حوزه‌های رأی‌گیری استان صلاح‌الدین صورت گرفته بود، افشا گردید.

آقای عقیل حسن عبدالله از مسئولین کمیساریای انتخاباتی

تکریت گفت: این جنگ سرنوشت ماست و در آن با تمام توان در برابر آت‌هایی که می‌خواهند حاکمیت عراق را به ایران بفروشند، می‌ایستیم.

آقای علی الحرباوی رئیس سازمان کودکان صلاح‌الدین گفت:

آخوندهای حاکم بر ایران می‌خواهند با این دخالت‌هایشان برای مردم عراق یک تراژدی وحشتناک بیافرینند که در نتیجهٔ آن عراق ما را

گردد.

گردهمایی کمیساریای مجتمع مدنی در بعقوبه

اتحاد و همبستگی راهی جز افزایش اقدامات تروریستی ندیده است.

پرفسورخالد میرزا استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر بغداد، ضمن خوش آمدگویی به‌حاضران و تبریک سال جدید میلادی گفت: کشور ما در شرایط بسیار حساسی قرار دارد.

برای این‌که وطنمان را به ساحل امنیت و آرامش برسانیم نیازمند همبستگی همهٔ نیروهای ملی و دموکراتیک هستیم.

در قسمت بعدی برنامه شماری از شرکت‌کنندگان مسیحی با ایراد سخنانی فرارسیدن سال میلادی جدید را به مردم عراق و مجاهدین خلق ایران تبریک گفته و آرزوی سالی سرشار از موفقیت و امنیت و صلح نمودند.

درقسمت پایانی مراسم، برنامهٔ هنری شامل ترانه‌ها و رقصهای فولکلوریک آسوری و ارمنی اجرا گردید.

پرفسورخالد میرزا استاد دانشگاه و عضو سابق شورای شهر بغداد، ضمن خوش آمدگویی به‌حاضران و تبریک سال جدید میلادی گفت: کشور ما در شرایط بسیار حساسی قرار دارد.

برای این‌که وطنمان را به ساحل امنیت و آرامش برسانیم نیازمند همبستگی همهٔ نیروهای ملی و دموکراتیک هستیم.

درقسمت پایانی مراسم، برنامهٔ هنری شامل ترانه‌ها و رقصهای فولکلوریک آسوری و ارمنی اجرا گردید.



روز شنبه ۱۰ دیماه ۸۴ در گردهمایی بیش از دویست‌تن از مقامات، شخصیتها، شیوخ و نمایندگان اقشار مختلف استان

صلاح‌الدین، شرح کاملی از تقلباتی که در حوزه‌های رأی‌گیری استان صلاح‌الدین صورت گرفته بود، افشا گردید.

آقای عقیل حسن عبدالله از مسئولین کمیساریای انتخاباتی

تکریت گفت: این جنگ سرنوشت ماست و در آن با تمام توان در برابر آت‌هایی که می‌خواهند حاکمیت عراق را به ایران بفروشند، می‌ایستیم.

آقای علی الحرباوی رئیس سازمان کودکان صلاح‌الدین گفت:

آخوندهای حاکم بر ایران می‌خواهند با این دخالت‌هایشان برای مردم عراق یک تراژدی وحشتناک بیافرینند که در نتیجهٔ آن عراق ما را

گردد.

آقای سالم وورو نعمة رئیس جمعیت فریادرس گفت: تمام عراق از دست دخالت‌های رژیم حاکم بر ایران به فغان آمده است. آنها

تعجب‌آور است که عده‌یی می‌گویند، ایران می‌خواهد عراق را بسازد، آیا کسانی که زندان جادریه را درست کردند، می‌توانند عراق را بسازند؟

آقای رعد زید عبود رئیس جمعیت سجاد گفت: کشور ما بر ایران به‌طور خاص در امر انتخابات بر همه واضح شده است. آنها تعجب‌آور است که عده‌یی می‌گویند، ایران می‌خواهد عراق را بسازد، آیا کسانی که زندان جادریه را درست کردند، می‌توانند عراق را بسازند؟

آقای رعد زید عبود رئیس جمعیت سجاد گفت: کشور ما بر ایران به‌طور خاص در امر انتخابات بر همه واضح شده است. آنها تعجب‌آور است که عده‌یی می‌گویند، ایران می‌خواهد عراق را بسازد، آیا کسانی که زندان جادریه را درست کردند، می‌توانند عراق را بسازند؟

کارزار مقاومت در هفته‌بی که گذشت



بازتاب کنفرانس

مطبوعاتی واشینگتن

رویتر



بازتاب

تظاهرات برلین در رسانه‌ها

آسوشیتدپرس



خبرگزاری فرانسه



مجله اشترن



کنفرانس مطبوعاتی افشاگرانه واشینگتن باشرکت پروفیسور ریموند نتنر، پال لونتال و علیرضا جعفرزاده

علیرضا جعفرزاده: رژیم ایران ۵ هزار سانتریفیوژ را جهت نصب در سایت نظنر آماده کرده است



خبرگزاری فرانسه ۲۰ دی: عکس ماهواره‌یی نمای نزدیکی از تأسیساتی که در نزدیکی نظنر در ۱۶۰ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد را نشان می‌دهد. یک چهرهٔ اپوزیسیون تبعیدی، دولت ایران را متهم کرد که مخفیانه هزاران دستگاه سانتریفیوژ را برای مرکز اتمی نظنر ساخته است.

روز سه‌شنبه ۲۰ دی (۱۰ ژانویه) یک کنفرانس مطبوعاتی تحت عنوان: «برنامهٔ سلاح اتمی ایران، راه حل‌ها» در ساختمان ملی مطبوعات آمریکا، برگزار گردید. در این کنفرانس مطبوعاتی که از جانب کمیتهٔ سیاست ایران، برگزار گردیده‌بود، آقای علیرضا جعفرزاده، پروفیسور ریموند نتنر، مقام ارشد سابق شورای امنیت ملی آمریکا، و آقای پال لونتال، مدیر انستیتوی کنترل اتمی و از متخصصین برجستهٔ اتمی آمریکا شرکت داشتند. این کنفرانس مورد استقبال شدید خبرنگاران و رادیو تلویزیونهای آمریکا و خبرنگاران بین‌المللی، انستیتوها و بانکهای فکری، ارگانهای فعال در امر منع گسترش تسلیحات اتمی و سفارتخانه‌های کشورهای خارجی در واشینگتن قرار گرفت.
دراین کنفرانس ابتدا پروفیسور نتنر به حضاران خوشامد گفت و شروع جلسه را اعلام کرد. سپس علیرضا جعفرزاده گزارشهای جدید در مورد فعالیتهای اتمی رژیم را بیان کرد.

جعفرزاده: رژیم آخوندی پنج هزار سانتریفیوژ را جهت نصب در سایت نظنر آماده کرده است

برغم این که رژیم ایران متعهد شده بود که کلیهٔ فعالیتهای مرتبط با غنی‌سازی را متوقف کند، بنابر اطلاعاتی که از منابع مقاومت ایران در داخل کشور رسیده است، رژیم ایران جهت دستیابی هر چه سریعتر به سلاح هسته‌یی بدون وقفه به ساختن بخشهای مختلف سایت غنی‌سازی اورانیوم در نظنر ادامه داده است. بعد از بازدید محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور جدید رژیم ایران از سایت نظنر در مرداد اسال، رژیم فعالیتهایش را برای راه‌اندازی سایت نظنر تشدید کرده است.

به گفته جعفرزاده، رژیم آخوندی پنج هزار سانتریفیوژ را جهت نصب در سایت نظنر آماده کرده است.

همزمان با اجلاس وزرای خارجهٔ ۳ کشور اروپایی

تظاهرات ایرانیان در برلین

خواستهای ایرانیان: ارجاع بلادرتگ پروندهٔ اتمی رژیم به شورای امنیت و حذف برچسب تروریستی از مجاهدین خلق



ظهر روز پنجشنبه ۲۲ دی (۱۲ ژانویه) همزمان با اجلاس وزرای خارجهٔ سه کشور بزرگ اتحادیهٔ اروپا و خاور بسولانا، مسئول روابط خارجی این اتحادیه در شهر برلین، صدها تن از ایرانیان در یک تظاهرات فوری در مقابل ساختمان وزارت خارجهٔ آلمان شرکت کردند. جلسهٔ اضطراری مسئولان سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا تحت عنوان «جلسهٔ بحران بر سر مسألهٔ ایران» بعد از اقدامات اخیر رژیم آخوندی که نقض آشکار پیمان منع گسترش تسلیحات اتمی و کلیهٔ توافقات بین اتحادیهٔ اروپا و رژیم بود برگزار شد.

بر روی پلاکارد بزرگی که در پیشاپیش صفوف تظاهرکنندگان قرار داشت نوشته شده بود:

«برخواستهای فوری از اتحادیه اروپا:

– ارجاع بلادرتگ پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت و اعمال تحریمهای فراگیر علیه این رژیم

– حذف برچسب تروریستی از سازمان مجاهدین خلق ایران»

جمعیت تظاهرکننده هم‌چنین شعار می‌داد: «مماشات با آخوندها، نه، نه، نه، نه، شورای امنیت، همین حالا، احمدی‌نژاد یک تروریست است، آخوندها تروریست اتمی هستند، نابود باد رژیم آخوندی، زنده باد رجوی، مریم رجوی، آزادی، آزادی»

نمایندگان جوامع ایرانی هوادار شورای ملی مقاومت از شهرهای برلین، هامبورگ، کاسل، هانوفر، برمن، لایپزیک، الدنبورگ و کلن طی سخنرانیهای خود از اهداف تظاهرات حمایت کردند.

پدر شجاعی که ۱۲ تن از اعضای خانوادهٔ وی به دلیل تعلق به سازمان مجاهدین خلق ایران توسط رژیم جنایتکار آخوندی به شهادت رسیده‌اند طی سخنانی به مجاهدین خلق مستقر در شهر اشرف درود فرستاد و خواستار حذف بلادرتگ برچسب تروریستی از این سازمان پرافتخار گردید.

خانم زهره رضوانی در سخنرانی خود اظهار داشت: «خطر اتمی رژیم آخوندی باید جدی گرفته شود. اگر فعالیت دولت حامی تروریسم یعنی رژیم آخوندی، به

دست ساخت و تکمیل هستند. آماده‌سازی سکوهای نصب سانتریفیوژ توسط شرکت کالالکتریک دنبال می‌شود.

مدیر سایت نظنر در حال حاضر دکتر سیدجابر صفدری است. وی پیش از این در آزمایشگاه جابرابن حیان سازمان انرژی اتمی مشغول به کار بوده است. وی درسال ۸۳ نشان درجهٔ سوم پژوهشی را از خاتمی دریافت کرده است. صفدری در حال حاضر در دفتر شرکت کالالکتریک در تهران، خیابان یوسف آباد ، خیابان پانزدهم، پلاک ۳۳ مستقر است. دکتر سیدجابر صفدری تحت مسئولیت دکتر حسین فقیهیان قرار دارد.

دکتر حسین فقیهیان مدیر جدید معاونت تولید سوخت هسته‌یی سازمان انرژی اتمی است اما هنوز سمت وی علنی نشده است. حسین فقیهان همزمان ریاست مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته‌یی اصفهان (UCF) را نیز به‌عهده دارد.

جعفرزاده گفت: روشن است که تنهاهدف رژیم آخوندی دستیابی به اورانیوم غنی‌شده جهت ساخت سلاح اتمی است. وی تصریح کرد که مذاکرات سه کشور اروپایی انگلستان، فرانسه و آلمان با رژیم ایران مدتهاست که شکست خورده است و جامعهٔ جهانی می‌بایست بدون اتلاف وقت و فوراً پروندهٔ هسته‌یی رژیم ایران را به شورای امنیت ملل متحد ارجاع دهد.

پال لونتال: ما با یک بحران عظیم روبه‌رو هستیم

سخنران بعدی آقای لونتال گفت که گزارشات اعلام شده از جانب مقاومت ایران بسیار قابل توجه می‌باشد و نشان‌دهنده این است که رژیم ایران قصد دارد توانایی اتمی خود را از سطح محدود به سطح فراگیرتری گسترش دهد.

لونتال گفت: اکنون همه چشم‌ها به نظنر دوخته شده است. تاالان بحث سایت نظنر جنبهٔ سمبلیک داشته‌اند و نظنر پوّهٔ آزمایش پایبندی ایران به پیمانها و تعهداتش بود. قرار بر این بود که رژیم ایران مجموعهٔ کوچکی از ۱۶۴ سانتریفیوژ را به‌صورت آزمایشی به کار بیندازد. اما آن‌چه که امروز مقاومت ایران توسط علیرضا جعفرزاده دراین‌جا افشا کرد، ابعاد واقعی نظنر را نشان می‌دهد. بر این اساس رژیم ایران قصد دارد هزاران سانتریفیوژ را در سالنهای عظیم زیرزمینی نصب کند. به این ترتیب ما با یک بحران عظیم روبه‌رو هستیم.

لونتال افزود: تنها یک راه وجود دارد که بتوان صحت این افشاگری را اثبات کرد و آن این که بازرسان ملل متحد که هم اکنون در نظنر حضور دارند به این دو سالن عظیم مراجعه کرده و از نزدیک به بازدید ازاین مرکز در داخل سایت نظنر بپردازند.

لونتال گفت با توجه به دقت اطلاعات شورای ملی مقاومت ایران که اول بار در اوت ۲۰۰۲ از وجود چنین سایتی در نظنر برده برداشت، الزامی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سریعاً در رابطه با این سایت اقدام کرده و به بازدید ازاین محل مشخص بپردازد. وی افزود: اطلاعات افشا شدهٔ امروز به اندازهٔ کافی مهم هستند که آژانس در رابطه با آنها اقدام سریع انجام دهد. حال سؤال این است که آیا آژانس به تعهد خود عمل خواهد کرد؟

پروفیسور نتنر: دو سناریو برای تغییر رژیم ایران

پروفیسور نتنر، از بنیانگذاران کمیتهٔ سیاست ایران و استاد برجستهٔ دانشگاه جرج تاون در واشینگتن، به تحلیل اوضاع و سیاست ایران پرداخت و گفت:

در دوران جنگ سرد ساعتی به‌صورت سمبلیک به‌عنوان ساعت نابودی جهان تعبیه شده بود که عقربهٔ آن دراصلهٔ پنج دقیقه‌ی ساعت موعود تنظیم شده بود بسته به بالا و پایین رفتن احتمال جنگ اتمی، این عقربه بارها و بارها مقترر یا جلوتر برده شده است. آخرین باری که این عقربه نزدیک‌تر شد، در سال ۲۰۰۲ بود که در پاسخ به وقایع ۱۱ سپتامبر انجام شد. نتنر گفت اما این ساعت بعد از افشاگریهای اتمی مقاومت ایران می‌بایستی به سمت ساعت موعود نزدیکتر می شد ولی این کار صورت نگرفته است.

پروفیسور نتنر آن‌گاه به بررسی راه کارهای مختلف پرداخته و توضیح داد که چگونه سیاست استثمالت در سال ۱۹۷۹ از جانب افرادی مثل جیمربلین منجر به ظهور هیتلر و فاشیسم شد. به‌خصوص بعد از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، دیپلوماسی محدودپنهای خود را دارد و تنها می‌بایستی با در نظر داشتن محدودپنهای آن خطوط دیپلوماتیک را ادامه داد. پروفیسور نتنر آن‌گاه راه حل نظامی از سوی کشورهای خارجی را غیرعملی و نامطلوب خواند.

مقام ارشد سابق شورای امنیت ملی آمریکا سپس سیاست تغییر رژیم را پیشنهاد کرد چرا که اکنون مردم ایران خواستار تغییر رژیم می‌باشند. پروفیسور نتنر گفت برای تغییر رژیم دو سناریو متصور است. سناریویی که با مقاومت شدید ملایان مواجه می‌شود که حتی در این شق هم خونریزی کمتری از انقلاب بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت را در پیش خواهیم داشت، و سناریو دوم این که پروسهٔ انتخابات و انقلابی مانند انقلاب نارنجی که در او کران اتفاق افتاد در رابطه باایران هم اتفاق بیفتد اما در حالی که اصیلترین گروه اپوزیسیون ایران، یعنی مجاهدین خلق ایران در لیست سازمانهای تروریستی وزارت خارجهٔ آمریکا قرار دارد نمی‌توان چنین انتظاری داشت. پروفیسور نتنر گفت مجاهدین خلق ایران درعمل نشان داده‌اند که تواناترین نیروی سازمانیافته ایران هستند و بالاترین حمایت را چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور در میان گروههای اپوزیسیون ایرانی دارا می‌باشند.

در پایان کنفرانس، سخنرانان به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادند.



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۳۸۴

مزبور تنها و تنها یاری رساندن به رژیم آخوندی است.»

تظاهرات ایرانیان در برلین مورد توجه رسانه‌های آلمانی و بین‌المللی قرار گرفت. دهها کانال تلویزیونی، رادیویی، خبرگزاری و روزنامه، گزارش‌ها، اخبار و تصاویر این گردهمایی را بلافاصله به سراسر جهان مخابره کردند. نمونه‌هایی از این بازتاب‌ها را در این صفحهٔ ملاحظه می‌کنید.

«سیاست مماشات مرده است. جدترین مؤلفهٔ تصحیح سیاست غلط گذشتهٔ اروپاییان، خارج ساختن نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی است. نام مجاهدین در بی یک معاملهٔ سیاسی و نه بر پایهٔ حقوقی در این لیست قرار گرفته است. این نامگذاری به‌لحاظ قانونی نامشروع است. اکنون عدم مشروعیت آن به‌لحاظ سیاسی نیز مهر خورده است و ادامهٔ نگاه‌داشتن نام این سازمان در لیست

مداخلات رژیمم آخوندی در عراق

هر کس دستگیر می‌شود

ساعتی بعد جسد

دستبند زده‌اش پیدا می‌شود

روزنامهٔ کریستین ساینس مانیتور چاپ آمریکا طی گزارشی در روز ۸۴دی۲۲، دربارهٔ وضعیت وزارت کشور عراق نوشت: «نیروهای شبه‌نظامی بدر در داخل پلیس عراق نفوذ کرده‌اند. به همین دلیل عرب‌های سنی از نیروهای پلیس می‌ترسند زیرا جسد کسانی که دستگیر می‌شوند همان روز و در حالی که دستبند زده شده‌اند، در همان منطقه پیدا می‌شود.» صبحی ناظم توقیف، ژنرال سابقی که ۱۴ کتاب نظامی، تاریخی و سیاسی نوشته و بعد از سقوط رژیم سابق با امریکاییها برای بازسازی وزارت دفاع همکاری می‌کند، می‌گوید: «بن پلیسها که شبه‌نظامیان شیعه هستند، مشتی جنایتکار می‌باشند. اعراب سنی و مردم فلوچه و موصل از آنها تنفر دارند.» یک سرهنگ عراقی به کریستین ساینس مانیتور گفت: تا هنگامی که وزارتخانه‌ها بر اساس تقسیمات قرقه‌یی و نه صلاحیت اداره می‌شود، وضعیت بهتر نخواهد شد.

نفوذ شبه‌نظامیان در پلیس باعث بی‌ثباتی شده است

روزنامه لس آنجلس تایمز ۸۴دی۱۷، نوشت: فرماندهان ارتش و مقامهای سفارت آمریکا در عراق می‌گویند نیروهای پلیس به دلیل نفوذ شبه‌نظامیان شیعه باعث بی‌ثباتی در این کشور شده‌اند. فرماندهان نظامی متعهد شده‌اند با کنار گذاشتن وزیر کشور و تشکیل یک نیروی پلیس مشکل از سننیها، شیعه‌ها و کردها، در این نیرو رقم ایجاد کنند.

تورور زنان عراقی

خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۵دی خیر داد: روز شنبه در بغداد جسد چهار زن پیدا شد. این قربانیان در حالی که چشمبند داشته و دستانشان بسته بود با گلوله به قتل رسیده بودند. این خبرگزاری به نقل از ظواهر العانی از حزب اسلامی عراق گفت اکثر حملات مسلحانه توسط نیروهای پلیس صورت می‌گیرد. از سوی دیگر به گزارش رویتر افراد مسلح روز

دوشنبه یک قاضی را در شهر کرکوک عراق ترور کردند. مهاجمین صبح زود با یک خودرو به خانهٔ خالد البیاتی قاضی دادگاه کرکوک مراجعه کرده و با شلیک چندین گلوله وی را به قتل رساندند.

هم‌چنین انفجار بمب در مقابل وزارت کشور عراق در روز دوشنبه ۲۸ کشته به‌جای گذاشت. پلیس گفت انفجار ناشی از دو حملهٔ انتحاری بوده و مهاجمان با پوشیدن لباس پلیس اقدام به این عمل کرده‌اند. ۲۵نفر نیز در جریان انفجار زخمی شده‌اند (تلوژیون رویتر ۸۴دی۱۹).

تظاهرات دانشگاهیان

علیه ترور اساتید دانشگاه

دانشجویان و استادان دانشگاه در بغداد با برپایی تظاهراتی ترور تعدادی از استادان دانشگاه ازجمله ترور رعد محسن مولی، رئیس بخش علوم زیست‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی بغداد را محکوم کردند. روزنامهٔ الدستور چاپ عراق روز ۸۴دی۱۷، با اعلام این خبر نوشت: تظاهرکنندگان خواستار دخالت دولت و مجامع بین‌المللی و عربی شدند تا جلو این‌گونه اعمال جنایتکارانه را که هدفش از بین بردن کادرای علمی عراق است، بگیرند. این دانشگاه و متفکران و دانشمندان عراق را ازما گرفته است که تعداد آنها به بیش از ۰۰ نفر می‌رسد.

دهها تظاهر کننده به‌قتل رسیدند

روزنامه الفرات ۸۴دی۱۷، نوشت: درگیریهای خشونت بار میان تظاهرکنندگان و نیروهای پلیس در ناصریه وارد سومین روز خود شد. تظاهرکنندگان با پرتاب سنگ ساختمان استانداری را تخریب کرده و خواستار از سرگیری استخدام در ارتش و پلیس شدند. در جریان این درگیریها بر اثر تیراندازی پلیس عراق، دهها نفر کشته و مجروح شدند.

یک مزدور رژیم ایران به‌همراه مقدار زیادی سلاح و مواد منفجره دستگیر شد
پلیس عراق در بصره یکی از مزدوران رژیم ایران را به‌همراه سلاح و مواد منفجره دستگیر کرد.روزنامهٔ واشینگتن پست ۸۴دی۱۴، با اعلام این خبر نوشت:



بیانیهٔ ۲۵۰نمایندهٔ پارلمان و ۵۰حقوقدان از ۲۳کشور حمایت از آزادی در ایران نه به جاسوسان و تروریستهای ایرانی در عراق

روز ۱۴ دی ۸۴، بیانیهٔ ۲۵۰ پارلمانترو ۵۰حقوقدان برجستهٔ بین‌المللی از ۲۳ کشور اروپا و استرالیا برای محکوم‌کردن مداخلهٔ رژیم ایران در انتخابات عراق، (امریایی، توطئه علیه مجاهدین در عراق، در روزنامه‌های عراقی الزمان، الوطن، الحقائق، الفرات و السیاده به چاپ رسید

این روزنامه‌ها نوشتند: امضاکنندگان نمایندگان ای انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اطریش، هلند، سوئد، دانمارک، فنلاند، نروژ، یونان، بلژیک، لوکزامبورگ، پرتغال، لیتوانیا، کستور، جمهوری چک، استونی، اسلواکی، اسلوانی، لتونی و استرالیا هستند

در این روزنامه‌ها، در ادامهٔ این خبر آمده است: در یک کنفرانس بزرگ در روز ۱۵دسامبر۲۰۰۵ در سنترال هال وست مینستر، به ریاست آندرو مکیلنی، عضو کمیسیون امور خارجهٔ مجلس عوام انگلستان، چند پارلمانتز انگلیسی از هر دو مجلس و تعدادی از برجسته‌ترین کارشناسان حقوق بین‌الملل و مدافعان حقوق بشر به اتفاق آرا مداخلهٔ رژیم ایران در انتخابات عراق را محکوم کردند و از دولت بریتانیا، اتحادیهٔ اروپا و دولت آمریکا خواستار کنار گذاشتن سیاست فحلی در قبال رژیم بنیادگرا در ایران و خارج کردن سازمان‌های اپوزیسیون ایران، مجاهدین خلق، از لیست گروه‌های تروریستی شدند.

در این کنفرانس، آقای مکیلنی متن بیانیهٔ ۲۵۰پارلمانترو ۵۰کارشناس سرشناس حقوق بین‌الملل از ۲۳ کشور جهان را قرائت کرد. آنها در این بیانیه مداخلهٔ رژیم ایران در عراق و توطئه‌های آن علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در شهر اشرف را محکوم کردند. این بیانیه هم‌چنین خواستار برداشتن برچسب تروریستی از مجاهدین شد.

نگرانی رژیم از جایگاه مقاومت

نگرانی حکومت آخوندی از جایگاه مقاومت ایران در معادلات منطقه و اوجگیری تنفرمردم عراق از آخوندها

● آخوند امامی کاشانی با یادآوری اطلاعاتیه مهندس بازرگان در حمایت از نمایندگی مسعود رجوی از تهران در انتخابات مجلس شورای ملی، هراس سران رژیم را از موقعیت و پایگاه مردمی مجاهدین برملاکرد

من می‌دانم، من می‌شناسم، می‌دانم، این‌جا هم آنها نیرو گذاشتند. آنها دارند همه جا را به آتش می‌کشند. در هر حال. بعد اینها یک همچین حرفی می‌زدند. می‌گفتند حکومت مال ما، چی مال ما. خدا رحمت کند مهندس بازرگان را، ایشان هم یک اطلاعاتیه‌یی داد که کار به آن اطلاعاتیه هم ندرام، این مسائل همین‌طوری پیش امد، به‌هر حال منافقین دیدند که کاری به بجایی نمی‌رسد و اوضاع دارد استحکام خودش را دارد می‌برد، ملت با رهبری امام بزرگوارمان دارند می‌روند جلو، بعد کم کم آمدند ۳۰۰خرداد را به‌وجود آوردند. ۳۰۰خرداد هم که مردم آمدند میدان آن‌جور.»

منظور آخوند کاشانی از اطلاعاتیه مهندس بازرگان که آخوند مزبور عمد دارد وارد آن نشود، اطلاعاتیهٔ مهندس بازرگان در حمایت از نمایندگی مسعود رجوی از تهران در مجلس شورای ملی در دور دوم انتخابات مجلس شورای ملی است. یادآوری می‌کنیم که در دور اول انتخابات در تهران در اسفند ماه۱۳۵۸، وزارت کشور و رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومتی در زمانی که رفستجانی وزیر کشور بود، ابتدا مسعود رجوی را بر حسب آرای شمارش‌شدهٔ مردم تهران، نمایندهٔ

روز سه‌شنبه افسران ارشد پلیس عراق در بصره گفتند درحمله روز یکشنبه که مقدار زیادی مواد منفجره و سلاح کشف شد، یکی از سه مرد دستگیر شده ایرانی بوده است. به نوشتهٔ این روزنامه یکی از این مقامات گفت برخی از تسلیحات و مهمات ضبط شده ساخت ایران می‌باشد. واشینگتن پست افزود: زالمای خلیل‌زاد سفیر آمریکا در عراق اخیرا به رژیم ایران در مورد ارسال تسلیحات به عراق هشدارداد. هم‌چنین یکی از افسران ارتش آمریکا به شرط فائ‌نشدن نامش گفت مستمراً تسلیحات و شبه‌نظامی از طرف ایران وارد عراق می‌شوند ولی بندرت خبر این موضوعات افشا می‌شود.

جنایت فجیع تروریستی در کربلا

این جنایت فقط در خدمت منافع آخوندها و محصول بلافصل مداخلات رژیم است

روز ۱۵ دی در یک جنایت سبعانه و ضدانسانی که برائت یک انفجار در نزدیکی مرقف سیدالشهدا امام حسین علیه السلام به‌وقوع پیوست ۴۹نفر از مردم بیگناه کشته و ۶۹نفر زخمی شدند. به گزارش خبرگزاریها پلیس کربلا اعلام کرد این انفجار در محوطه بین دو حرم رخ داد. پلیس گفت انفجار ناشی از بمبگذاری و با عمل انتحاری بوده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران این جنایت فجیع و ضدانسانی را که جز در خدمت منافع رژیم ضد بشری آخوندی نیست محکوم کرد و آن‌را محصول بلافصل مداخلات و تروریسم افسار گسیختهٔ رژیم آخوندی در عراق به ویژه در شرایط کنونی که تقلبات گسترده و دخالتهایش در انتخابات این کشور افشا شده است، خواند. سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن تسلیت به بازماندگان قربانیان این جنایت خاطر نشان کرد: همه می‌دانند که تنها طرفی که از این فجایع ضدانسانی سود می‌برد دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران است.

درعراق جبههٔ مرام، جبههٔ توافقی، حزب وفای وطنی، حزب اسلامی و هیأت علمای مسلمین که در برگیرندهٔ علمای سنی است با صدور بیانیه‌هایی جنایت امروز کربلا را قویاً محکوم کردند و آن‌را یک طرح و برنامه علیه تمامیت عراق ونیروهای میهن

روابط اقتصادی ایران با خارج در سال ۲۰۰۶؟

یزدان حاج حمزه

در آستانه ورود به سال ۲۰۰۶ میلادی، شاهد تغییرات متعددی در مناسبات اقتصادی خارج‌جها با ایران و جبهه‌گیری متقابل پاسدارهای حاکم درایران هستیم. شرکتهای اروپایی و ژاپنی، که در زمان دولت خاتمی برای گسترش روابط خود با ایران با هم مسابقه گذاشته بودند، با ایران تحت حاکمیت یکدست شدهٔ پاسداران، به محدودسازی روابط خود روی آورده‌اند. سایر شرکای تجاری مهم ایران نیز، سیاست صبر و انتظار پیش گرفته‌اند و محتاطانه عمل می‌کنند. از سوی دیگر دولت و مجلس پاسدارها نیز هماهنگ با رویارویی سیاسی با غرب، روابط اقتصادی خارجی دولت خاتمی را مورد تجدید نظر اساسی قرار داده‌اند و در برقراری این روابط مسائل امنیتی –سیاسی رژیم را راهنمای سیاستگذاری و ملاک عمل خود کرده‌اند.

برآیند منطقی این جبهه‌بندی انزواي اقتصادی بیش از پیش ایران در عرصهٔ بین‌المللی است. این انزوا در فضای جهانی سازی اقتصاد، یعنی در فضایی انجام می‌گیرد که روند مناسبات اقتصادی بین‌المللی سیری رو به‌رشد و رو به گسترش پیدا کرده‌است. در این نوشته از خلال مرور برخی از انواع محدودیت‌های پیش آمده، سمت و سوی تحول روابط اقتصادی ایران در عرصه بین‌المللی را طی سال جدید میلادی از نظر می‌گذرانیم:

الف-جبهه‌گیری اقتصادی طرف‌های خارجی:

۱ – برخورد اقتصادی جدید اروپا:

۱-۱-مشاوران معاملات خارجی شرکتهای اروپایی نظیر مؤسسه انگلیسی «فیچ»؛ ارزیابی اعتبار مالی شرکتهای ایرانی را متوقف کرده‌اند:

معامله شرکتهای بزرگ و پر رونق ایرانی، نظیر ایران خودرو، با خارج به دریافت اعتبار مالی و یا وام از مؤسسات و بانکهای خارجی مشروط شده‌است. این شرکتهای ایرانی در فاصلهٔ زمانهای مشخص باید رده‌بندی شوند و میزان ریسک معامله با آنها، تعیین شود تا مؤسساتی که کارشان واگذاری اعتبار و وام به مشتریان خارجی است، بتوانند درمورد شرایط واگذاری وام به شرکتهای وام‌خواه تصمیم بگیرند.

رده‌بندی شرکتهای ایرانی به دلیل تجربیهای آمریکا از سوی مؤسسات معتبر بین‌المللی آمریکایی از سالها پیش متوقف شده بود و مراجع اروپایی، نظیر مؤسسه انگلیسی «فیچ» تنها مؤسسات بودند که با دریافت حق‌الزحمه از شرکتهای وام‌خواه ایرانی، اقدام به رتبه‌بندی و تعیین ریسک شرکتهای ایرانی می‌کردند. خبرگزاری فارس روز ۶ دی ماه ۱۳۸۴ به نقل از قائم مقام شرکت ایران خودرو گزارش می‌دهد که ارزیابی‌های اروپایی، تمام فعالیت‌های خود در مورد کلیه شرکتهای ایران را متوقف کرده‌اند.

وی اضافه می‌کند که رتبه‌بندی شرکتهای ایرانی و به ویژه ایران خودرو از حدود ۵۰ روز پیش از سوی مؤسسه فیچ متوقف شده و دلیل این امر مسائل سیاسی ایران عنوان شده است. این خبرگزاری اضافه می‌کند که «چندی قبل مسگریان حقیقی معاون اقتصادی سازمان گسترش نیز اعلام کرده بود به دلایل سیاسی رتبه بندی سازمان گسترش و نوآوری صنایع ایران و سایر شرکتهای ایرانی توسط شرکتهای ارزیاب اروپایی متوقف شده است».

این اقدام اروپایی‌ها به اعتبار مالی شرکتهای ایرانی در بازار پولی اروپا به شدت ضربه زده و از جمله مانع آن شده که ۲۰۰میلیون دلار اوراق قرضه خارجی شرکت ایران خودرو در بازار اروپا به فروش برسد و برنامه‌ریزی برای فروش ۵۰۰میلیون دلار اوراق قرضه متعلق

روابط اقتصادی ایران با خارج در سال ۲۰۰۶؟

به شرکتهای صنعتی زیر پوشش «سازمان صنایع ملی» ایران را عجلانآ خشتی کند.

۱-۲-هشدار امنیتی به شرکتهای اروپایی:

نشریه انگلیسی گاردین روز ۴ ژانویه ۲۰۰۶ از ارسال گزارش مشترک سرویسهای اطلاعاتی انگلیس، فرانسه، آلمان و بلژیک به کمیسیون وزرای اتحادیه اروپا درباره فعالیت شبکه تدارکات تسلیحاتی رژیم ایران در اروپا خبر می‌دهد. سرویسهای اطلاعاتی اروپایی در گزارش ۵۵ صفحه‌یی خود آورده‌اند که رژیم ایران «شبکه گسترده‌یی از شرکتهای صوری، مقامات رسمی، مؤسسات دانشگاهی و واسطه‌ها را در اروپا و اتحاد جماهیر شوروی سابق به کار گرفته و از طریق این شبکه به فعالیت‌های کارشناسی، آموزشی و یافتن لوازم مورد نیاز برای برنامه اتمی و تولید موشک و سلاح‌های بیروژنیک و شیمیایی می‌پردازد». سرویسهای اطلاعاتی اروپا در این گزارش تأکید کرده‌اند که فعالیت سازمان‌یافته رژیم ایران «شرکتهای اروپایی را هدف تجارت غیرقانونی قطعات تسلیحات نظامی قرار داده» و نتیجه می‌گیرند که «رنک خطر در مراکز تصمیم‌گیری شرکتهای مهندسی برجسته، دانشگاه‌ها و پیشرفته ترین آزمایشگاه‌های علمی» اروپایی غربی به صدا در آمده است.

۲ – برخورد اقتصادی آمریکا:

تشدید مجازات شرکتهای خارجی که به ایران کالاهای ممنوعه می‌فروشند:

خبرگزاری فارس روز ۸دی ۸۴ به نقل از یک مقام دولتی آمریکا گزارش داد که ۹شرکت خارجی که به ایران تجهیزات تولید موشک و تولید سلاح‌های شیمیایی می‌فروختند توسط دولت آمریکا تحریم شدند. این شرکتها شامل ۶شرکت دولتی چینی، ۲شرکت هندی و یک شرکت اتریشی می‌شود. این شرکتها به موجب قانون منع توسعه سلاح‌های کشتار جمعی توسط ایران، که سال ۲۰۰۰ به تصویب سکنه آمریکا رسیده، از تاریخ ۲۳دسامبر ۲۰۰۵ تا سال۲۰۰۶، به اجرا گذاشته می‌شود. به موجب این تصمیم دولت آمریکا انجام هر نوع معامله این شرکتها در دولت آمریکا را ممنوع کرده و شرکتهای آمریکایی را از فروش کالاهای حساس ساخت آمریکا به این شرکتها برحذر داشته است. به این ترتیب از سال۲۰۰۱ تا کنون ۴۰شرکت و تبعه خارجی به اتهام فروش تجهیزات نظامی به ایران توسط دولت آمریکا مورد مجازات قرار گرفته‌اند.

انسداد دارایی برخی از شرکتهای ایرانی که در آمریکا برای سازمان انرژی اتمی ایران فعالیت می‌کنند:

پس از آن که رژیم ایران اعلام کرد که از روز ۱۹ژانویه۲۰۰۶، بخش «تحقیقات» غنی‌سازی اورانیوم را در سر می‌گیرد، خبرانه‌داری آمریکا دستور داد دارایی‌های دو شرکت ایرانی به نامهای «انرژی نوین» و «انرژی مصباح» که آمریکا مسدود شود. وزارت دارایی آمریکا درباره علت صدور این دستور توضیح داده که سازمان انرژی اتمی ایران از شرکت مصباح «برای خریداری تجهیزات لازم برای پروژه آب سنگین ایران» استفاده می‌کند و شرکت نوین «میلیونها دلار» را از جانب سازمان انرژی اتمی ایران «به نهادهای مرتبط با برنامه اتمی ایران» منتقل کرده است (خبرگزاری رویتر ۱۹ژانویه۲۰۰۶). وزارت دارایی آمریکا در ماه ژوئن گذشته سازمان انرژی اتمی ایران را یک سازمان تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی طبقه‌بندی کرده بود.

مانع توانایی فنی برسر راه فروش گاز مایع ایران به هند و چین:

رژیم ایران برای فروش ۲۲میلیارد دلار گاز مایع به هند طبق قراردادی متعهد شده از سال ۲۰۱۰ میلادی سالانه ۵ میلیون تن

گاز مایع (LNG) از ذخایر پارس جنوبی به این کشور صادر کند.
موفقنامه بزرگ دیگری نیز با چین امضا کرده تا از سال۲۰۰۸ نیز به این کشور گاز مایع صادر کند. رژیم برای پاسخگویی به این دو قرارداد، با دو شرکت اروپایی شل و توتال قراردادهای جداگانه‌یی امضا کرده تا با تشکیل کنسرسیومی به احداث دو کارخانه بزرگ تبدیل گاز پارس جنوبی به گاز مایع بپردازند. تکنولوژی که این دو شرکت برای احداث کارخانه گاز مایع در ایران پیش‌بینی کرده‌اند، هر دو منشأ آمریکایی دارند. به گزارش یک منبع هندی (آتلوک ایندیا) شرکت جنرال الکتریک آمریکا که بخشی از تجهیزات کارخانه‌های گاز مایع ایران را باید به شرکتهای اروپایی بفروشد، به پیروی از تحریم آمریکا علیه ایران قصد دارد در این مورد از همکاری با اروپاییها خود داری کند. به هر حال اجرای دو قرارداد فروش گاز مایع به هند و چین و دو قرارداد تولید گاز مایع توسط اروپاییها در ایران، مشروط به این شده است که با تکنولوژی تولید گاز مایع را تغییر دهند و یا جنرال الکتریک آمریکا را وادار به همکاری کنند. در هر حال پیش‌بینی می‌شود در این فضا صادرات گاز مایع ایران به هند و یا چین، انرژی متوقف نشود، تا سال۲۰۱۲ میلادی به تعویق بیفتد.

برداشت از حسابهای ایران در خارج:

یک بانک ایتالیایی برای اولین بار در ماه دسامبر ۲۰۰۵ موجودی یکی از حسابهای سفارت ایران در ایتالیا را به حکم دادگاه این کشور موقتاً مسدود کرد تا خسارت وارده به یک تبعه آمریکا از جانب عوامل رژیم که دادگاه آمریکا بر آن مهر تأیید زده است، از این حساب برداشت شود. این فضا می‌تواند تصمیم‌گیری در مورد دعاوی شرکتهای آمریکایی علیه ایران در دیوان لاهه را سرعت بخشد. خبرگزاری فارس روز ۳ دی ۸۴ گزارش می‌کند که « دو یورنده میلیاردی و استراتژیک ایران تحت عنوان «B-۱» «اف.ام.اس» (B-۱) در این دادگاه مطرح می‌یاشد. یورنده اول به مبلغ ۷میلیارد دلار مربوط به تجهیزاتی است که همه جوجه آنها توسط دیوان دادرسی لاهه به کمپانیهای آمریکایی از حساب تضمینی ایران پرداخت شده است و دومی که پرونده معروف قضایی ایران «اف.ام.اس» می‌باشد مربوط به تجهیزاتی نظامی توسط رژیم شاه از آمریکاست که برای اجرای آن ۱۲میلیارد دلار از داراییهای ایران در بانکهای آمریکا سپرده‌گذاری شده بود و تاکنون رسیدگی مقدماتی به بخشهایی از این پرونده مهم انجام گرفته‌است.»

یادآور می‌شود که چپه‌گیری اقتصادی آمریکا در مقابل ایران از ماههای آغازین سال۲۰۰۵ تشدید شد. روز ۴ مه ۲۰۰۵ تعداد کارکنان آن ۱۵۰۰۰ نفر گزارش شده است. ۵۰ درصد مالکیت این شرکت متعلق به کمپانی انگلیسی ـ هملدی شل و ۵۰ درصد دیگر متعلق به کمپانی «اسف» آلمان است. خبرگزاری اقتصادی «اوجوز» به نقل از یک منبع نزدیک به شرکت «شل» اعلام کرده که این شرکت قصد فروش «بازل» را به یک کنسرسیوم هندی دارد، چون ایران با آمریکا مشکل سیاسی دارد و به همین دلیل «شل» با ایران این قرارداد را امضایی کند.
برای اطلاع از این قرارداد در خصوص همکاری میان وزیر نفت و مدیرعامل شرکت پتروشیمی ایران، دریک کنفرانس مطبوعاتی، نسبت به

یادآور می‌شود که چپه‌گیری اقتصادی آمریکا در مقابل ایران از ماههای آغازین سال۲۰۰۵ تشدید شد. روز ۴ مه ۲۰۰۵ تعداد کارکنان آن ۱۵۰۰۰ نفر گزارش شده است. ۵۰ درصد مالکیت این شرکت متعلق به کمپانی انگلیسی ـ هملدی شل و ۵۰ درصد دیگر متعلق به کمپانی «اسف» آلمان است. خبرگزاری اقتصادی «اوجوز» به نقل از یک منبع نزدیک به شرکت «شل» اعلام کرده که این شرکت قصد فروش «بازل» را به یک کنسرسیوم هندی دارد، چون ایران با آمریکا مشکل سیاسی دارد و به همین دلیل «شل» با ایران این قرارداد را امضایی کند.

برای اطلاع از این قرارداد در خصوص همکاری میان وزیر نفت و مدیرعامل شرکت پتروشیمی ایران، دریک کنفرانس مطبوعاتی، نسبت به افتاده است، هزاران میلیارد ریال از منابع مالی خود را از دست بدهد، بدون آن که از این معامله سودی نصیب کشور شده باشد.
دنیای اقتصاد نوشت: در سال ۵۷ تولید پسته پسته ایران معادل ۶۹هزار تن بود که سهمی معادل ۸۰ درصد از بازار جهانی را به ایران اختصاص می‌داد، اما در سال ۸۱ این سهم به ۵۶درصد رسید و در مقابل سهم آمریکا، رقیب اصلی پسته ایران، کشوری که در سال ۶۰ واردکننده پسته بود، به ۲۵درصد رسید. گرچه در همان سال برای اولین بار بیش از ۵۰درصد ارزش صادرات آن کشور به پسته اختصاص یافت اما به هر حال صادرات پسته به دلیل موانع غیرتعرفه‌یی و حساسیت اتحادیه اروپا در خصوص میزان آفالاتوکسین آن در این دوره کاهش یافت. مطالعات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی در خصوص پسته نشان می‌دهد که این محصول در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۷۰ با دو نوع نوسان

صادرات پسته ایران هم چنان رو به کاهش است

فروش پسته با قیمتهای بسیار پایین است.

این گزارش به نقل از تعاونی پسته وفسنجان می‌گوید اشاع در بازار داخلی باعث شده است که قیمت پسته در داخل و به میزان قابل‌یویی ۱۰ تا ۱۲هزار ریال و در بازارهای بین‌المللی، هزار دلار در تن کاهش یابد. این بدان معناست که تا همین جا، بااعداران پسته حداقل۲۵درصد از درآمد مورد انتظار خود را از دست داده‌اند.

وی افزود: اگر ارائه تسهیلات مالی دولت بیش از این طول بکشد ایران بخش بزرگی از درآمد صادرات جهانی پسته خود را نیز از دست خواهد داد.

وی هشدار داد:این زاینها روزی گریبان خود دولت را خواهد گرفت و دولت ناچار خواهد شد مانند سایر محصولات، برای رفع مشکل نافرودش ماندن محصول پسته وارد عمل شود و همان‌گونه که در مورد محصول چای و گندم و برنج اتفاق



نیز برخی از سازندگان خودرو را به خرید برخی قطعات نامرغوب در مقیاس کلان از کشورهای خارجی متهم کرد و افزود: این گونه قطعات تقلبی و نامرغوب هم اکنون نیز به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود.

وی عدم قدرت خرید مردم برای لوازم یک‌دیکی خودرو را اصلی‌ترین دلیل فراوانی ورود و مصرف قطعات لوازم یک‌دیکی قطعی و نامرغوب دانست و گفت: دهها نمونه از این قطعات با قیمتهای بالا و پایین در بازار وجود دارد. (خبرگزاری فارس، ۱۸دی۸۴)

ایران از نظر رشد صنعتی در ۱۱ کشور خاورمیانه نهم شد

در جایگاه دوم جهانی قرار گرفته است.

در میان کشورهای خاورمیانه بحرین با شاخص ۰/۴۸۳ در رتبه اول خاورمیانه از نظر رشد و پیشرفت صنعتی قرار گرفته است و پس از این کشور به ترتیب کشورهای اردن با ۰/۴۶۱، لبنان با صفر تا یک را می‌گیرد که هر چه این رقم بالاتر باشد دلالت بر رشد صنعتی بیشتر دارد. این شاخص بر پایه سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی و در صادرات تعیین می‌شود.

به این ترتیب ایران از نظر رشد صنعتی در میان ۱۱ کشور خاورمیانه در رتبه یکی مانده به آخر قرار گرفته است. (خبرگزاری فارس، ۱۹دی۸۴)

این تصمیم واکنش نشان داد و اعلام کرد که «یکی از برنامه‌های استراتژیک شرکت ملی نفت ایران برای توسعه فعالیت‌هایش خرید شرکتهای خارجی با مشارکت با آنان بود. هر همین اساس به فکر خرید شرکت بازل افتادیم. از جمیع جهات مزایده، در بین ۱۰شرکت حاضر ما برنده هستیم. حتی حاضر شدیم ۱۲درصد سهم این شرکت را که متعلق به یک شرکت آمریکایی است با قیمت بالاتر بخریم. اما این اواخر متوجه شدیم که دولت آمریکا نخواهد گذاشت این معامله به نفع ایران تمام شود. ایالات متحده با ادعای این که شرکت بازل از فن آوری بسیار پیشرفته‌یی در زمینه شیمیایی برخوردار بوده و تجهیزات پیشرفته‌یی در اختیار دارد، که ممکن است برای اهداف دیگری به کار گرفته شود، دو روز پیش رسماً با فروش آن به ایران مخالفت کرد» (روزنامه شرق ۵ مه وتلویزیون الجزیره ۴ مه ۲۰۰۵). پیش از این نیز دولت آمریکا، در راستای مقابله اقتصادی با رژیم ایران، اقدامات مشابهی را به عمل آورده بود. از آن جمله می‌توان به وادار کردن شرکت آلمانی «تیسن –کروب» به خرید سهام و اخراج رژیم ایران از این شرکت اشاره کرد.

۳ – هماهنگی نسبی ژاپن با آمریکا و اروپا:

کاهش واردات نفت از ایران:

خبرگزاری فارس به نقل از وزارت انرژی ژاپن گزارش می‌دهد که این کشور از ماه سپتامبر تا پایان نوامبر ۲۰۰۵، به موازات افزایش واردات نفتی خود از عربستان سعودی، هر ماهه میزان واردات نفتی خود از ایران را کاهش داده است.یادآور می‌شود که ژاپن در میان سایر کشورهای جهان تا به حال بزرگترین خریدار نفت ایران بوده است.

خودداری از اجرای پروژه بزرگ نفتی دشت آزادگان:

روزنامه آساهی در شماره روز ۲۹دسامبر ۲۰۰۵ خود به نقل از مقامات نفتی این کشور نوشت: شرکت نفت «اینپکس» ژاپن در فوریه سال ۲۰۰۴ قراردادی با تهران در زمینه توسعه میدان نفتی عظیم آزادگان واقع در جنوب غربی ایران به ارزش دو میلیارد دلار امضا کرد.

واشنگتن بارها مخالفت خود را با این پروژه اعلام کرده است و همین مسأله موجب شده است دولت ژاپن که بزرگترین سهامدار اینپکس به‌شمار می‌رود، در خصوص زمان شروع این پروژه در ایران با احتیاط عمل کند. یادآور می‌شود که مطابق قرارداد فی‌مابین، ژاپن متعهد بوده کار اجرایی پروژه بزرگ دشت آزادگان را از ماه مارس۲۰۰۵ یعنی آغاز سال ۱۳۸۴شمسی شروع کند، اما به‌رغم نیاز شدیدی که این کشور به بهره‌برداری از میدان نفتی آزادگان دارد تا به حال به بهانه ضرورت مین‌زدایی از زمین این میدان تا عمق ۱۰ متری، از شروع عملیات اجرایی پروژه خود داری کرده است.

ب – جبهه‌گیری اقتصادی پاسداران

۱- برخورد امنیتی محض در انتخاب شرکتهای خارجی:

این نوع برخورد از طریق وضع قانون، مربوطه توسط عوامل سپاه پاسداران در مجلس هفتم آغاز گردید. به موجب این قانون، در روزهای پایانی عمر دولت خاتمی با ورود تانکهای سپاه پاسداران به باند فرودگاه جدیدالتأسیس جاده ساوه جلوی کار یک شرکت ترکیه‌یی که به لحاظ امنیتی مورد اعتماد سپاه نبود گرفته شد و قرارداد مدیریت این شرکت بر فرودگاه جدید لغو گردید. با آنکه به همین بابت سپاه قرارداد شرکت ترکیه‌یی دیگری را که دولت خاتمی قبکبه دوم خدمات تلفنی همراه ایران را به او واگذار کرده بود لغو کرد و قرار است به جای این شرکت یک شرکت آفریقایی



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۲۷دی ۱۳۸۴



جنوبی را بنشانند. این برخورد امنیتی با شرکتهای خارجی، پس از روی کار آمدن دولت پاسدار احمدی‌نژاد تشدید شده است.

۲- بازنگری و کنترل جمعی قراردادهای نفت و گاز:

به گزارش خبرگزاری فارس در روز ۶ دی ۸۴ دولت پاسداران با تشکیل «شورای نفت» تصمیم‌گیری در مورد عقد قرارداد های جدید و لغو یا تغییر قراردادهای امضا شده را از عهده وزارت نفت و هیأت مدیره شرکت نفت خارج کرده و آن را به عهده شورای گذاشته است که از ترکیب رئیس‌جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رئیس دفتر ریاست‌جمهوری، وزیر نفت و رئیس بانک مرکزی تشکیل شده است. این شور، پس از رد وزرای نفت انتخاب یکم، دوم و سوم احمدی‌نژاد توسط مجلس تشکیل شده و کنترل شدید و امنیتی اداره صنعت نفت ایران را در مد نظر دارد.

با به گزارش این خبرگزاری حکومتی وظیفه این شورا «بررسی قراردادهای نفتی، طرح‌های مهم توسعه در بخش نفت، تدوین چشم انداز و استفاده از منابع انرژی نفتی برای کمک به حل مشکلات ملی است». کمال دانشیار نیز در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس ضمن تأیید تشکیل این شورا در مورد اختیارات آن به خبرگزاری فارس گفته است بررسی قراردادهای جدید نفتی، بازنگری قراردادهای پیشین و نظارت بر قرار دادهای

۳- تنظیم سیاسی بودجه ۸۵:

خبرگزاری فارس در گزارش دیگری از نحوه تنظیم بودجه ۸۵ توسط دولت احمدی‌نژاد گزارش می‌دهد، هیأت دولت با پیشنهاد وزارت صنایع مبنی بر انتشار ۵۰۰میلیون دلار اوراق قرضه خارجی توسط شرکتهای تحت پوشش «سازمان صنایع ملی» طی سال۱۳۸۵ مخالفت و آن را از پیش‌نویس بودجه حذف کرده است. این اقدام نمایین نشان می‌دهد که دولت احمدی‌نژاد تنگنای بود وجود آمده در بازار پولی اروپا را لمس کرده و سودای آن دارد که با محدودیت‌های بیشتر و حتی تحریم شورای امنیت سازمان ملل مقابله کند!

۴- تحریم‌های محدود و مقطعی برخی از کشورها:

حدود دو ماه پیش دولت احمدی‌نژاد به تلافی موضع‌گیری کره جنوبی و انگلیس علیه فعالیت‌های اتمی رژیم در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معامله ایران با شرکتهای این کشورها را محدود کرد خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، روز ۸ ژانویه ۲۰۰۶ به نقل از سخنگوی وزارت بازرگانی، گزارش داد که از هفتم ژانویه «هیچ محدودیتی در واردات از کره جنوبی و انگلیس وجود ندارد و بازرگانان می‌توانند کالاهای خود را ثبت سفارش کنند».

ج – سمت و سوی تحول روابط اقتصادی ایران با خارج:

به‌طوری که از نظر گذشت، جبهه‌گیری اقتصادی جدید کشورهای صنعتی در مقابل ایران در اساس از سیاست جنگ گونه‌یی نشأت گرفته که پاسداران حاکم بر ایران اتخاذ کرده‌اند. جبهه‌گیری اقتصادی متقابل دولت احمدی‌نژاد، بیش از هر چیز حکایت از آن دارد که این دولت به بهای انزواي اقتصادی ایران در عرصه بین‌المللی و پذیرش عوارض داخلی آن، مصمم است به مشی سیاسی جنگ‌گونه خود با آمریکا و اروپا ادامه دهد. بهبود روابط اقتصادی طرفین به این امر مشروط شده که یکی از دو طرف از خواسته‌ای سیاسی خود کوتاه بیاید و تسلیم طرف مقابل شود، در غیر این صورت باید انتظار داشت که این روابط طی سال۲۰۰۶ میلادی وخامت بیشتری پیدا کند.



روبه‌رو بود. بخشی از این نوسانات ناشی از کمبود

تولید بوده و بخش دیگر ناشی از رشد سریع رقبای در بازار که هم‌چنان ادامه دارد.

در این دوره کمترین و بیشترین ارزش صادرات پسته متعلق به سالهای ۷۶ و ۸۱ است. سال ۷۶ ارزش صادرات پسته ایران ۱۹۷/۳میلیون دلار بود و سال ۸۱ این رقم به ۹۷/۹میلیون دلار رسید. یعنی متوسط ارزش صادرات پسته طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۰، ۸۳/۴میلیون دلار برآورد شده و متوسط سهم ارزش صادرات پسته در کل صادرات کشاورزی حدود ۴۳درصد بوده است. اما ارزش صادرات آن در سال قبل با توجه به تولیدی معادل ۱۲۹/۳هزار تن، ۳۲/۸میلیون دلار بود که نسبت به سال ۸۲ از نظر وزن ۳۷/۵درصد و از نظر ارزش ۳۳/۷درصد کاهش داشته است که عمدتاً به دلیل موانع تعرفه‌یی و کیفیت نامطلوب تولید و صادرات پسته بوده است.

اخبار کوتاه اقتصادی

بودجه

بودجه سال۸۵ حدود۸۶ درصد تولید ناخالص داخلی را در برمی‌گیرد

رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران اعلام کرد: بودجه سال۸۵ از لحاظ ریالی ۸۶درصد محصول ناخالص داخلی را در بر می‌گیرد که از این میان یک سوم مربوط به وظایف حاکمیتی و دو سوم مربوط به تصدیگری است. به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس، وی گفت دقت در مفاد بودجه سال۸۵ حاکی از آن است که بخش عمدهٔ بودجه صرف فعالیت‌های اقتصادی تصدیگرانه دولت می‌شود که این امر منجر به کسری بودجه، تورم و رشد نقدینگی خواهد شد و از این جهت کاستن از دامنه تصدیگری دولت ضروری است. (خبرگزاری فارس، ۱۳دی۸۴)

۱۶۳هزار میلیارد ریال مالیات در بودجه سال۸۵پیش‌بینی شده است

رئیس سازمان امور مالیاتی اعلام کرد: ۱۶۳ هزار میلیارد ریال مالیات در لایحهٔ بودجه سال۸۵ پیش‌بینی شد به گزارش خبرگزاری فارس، رئیس سازمان امور مالیاتی گفت: کل مالیات‌هایی که از سهم نفت شرکتهای دولتی، مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و گمرک‌ها در بودجه سال آینده پیش‌بینی شده است ۱۶۳ هزار میلیارد ریال است.

تورم- گرانی

ایران از بالاترین نرخ تورم در میان کشورهای خاورمیانه برخوردار است

رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران طی سخنانی که توسط خبرگزاری حکومتی فارس منعکس گردید گفت :ایران در حال حاضر بالاترین نرخ تورم در میان کشورهای

خاورمیانه را داراست و در عین حال رشد نقدینگی آن ۳۰ درصد است.

وی برداشت دولت از حساب ذخیرهٔ ارزی بابت هزینه‌های جاری در ۶ماه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه قبل را ۷۴درصد ذکر کرد و افزود: این امر افزایش یکبارگی رکود سرمایه‌گذاری و اقتصادی را ایجاد خواهد کرد. (خبرگزاری فارس، ۱۳دی۸۴)

افزایش قیمت مواد غذایی

در هفته منتهی به شانزدهم بهمن ماه قیمت برخی مواد غذایی افزایش یافت. قیمت گوشت قرمز در هفته منتهی به شانزدهم دی ماه نسبت به هفته مشابه ماه قبل ۳/۶درصد افزایش یافت. بانک مرکزی اعلام کرد هم‌چنین بهای گوشت قرمز طی هفته گذشته ۱/۵ درصد افزایش یافت. این گزارش حاکی است: بهای تخم مرغ در هفته گذشته نسبت به هفته مشابه ماه قبل ۷/۳ درصد، بهای حبوب ۱/۶درصد و قند و شکر ۱/۱ درصد افزایش یافت. (خبرگزاری فارس، ۱۸دی۸۴)

فساد مالی

یک فقره دزدی باند مافیای نفتی در جریان درگیریهای درونی رژیم بر ملا شد

بنا به گزارش سایت حکومتی بازتاب این دزدی در تبانی با شرکت هواپیمایی امارات صورت گرفته است. براساس زدوبندهای به عمل آمده، بیش از ۱۶ میلیون و ۳۴۵ هزار لیتر سوخت هواپیما به نرخ سوخت هواپیمایی داخلی از شرکت ملی فروش سرمایه‌گذاری نفتی ایران دریافت شده و به شرکت هواپیمایی امارات داده شده است. کسانی که در این معامله دست داشتند از جمله عبارتند از: جلیل مکینه‌چی، مدیر عامل شرکت هواپیمایی طایر

۲۴دی‌ماه سالروز پرپرشدن دانش‌آموزان سفیلان در سال ۱۳۸۳

پروانه‌ها در آتش

شهرستان لردگان استان چهار محال بختیاری آبیست فاجعه‌یی بود که شنبدن آن حتی دل سنگ را آب می کرد و چشمان را اشکبار و دل را دردمند. اما وقتی از رادیو و تلویزیون رژیم صفاک آخوندی خبر پیشش شد خیلی کوتاه و سرد بود. صبح‌زود یکی از روزهای سرد زمستانی بچه‌های روستای سفیلان از خواب بیدار شدند. بچه‌ها زودتر از همیشه از خواب برخاستند چون روز امتحان جغرافیا است. راستی روستایشان در کدام نقطه جغرافیایی زمین قرار دارد. رژیم ملاها حتی نام روستا را نشنیده بود. بچه‌ها تا پاسی از شب بیدار بودند تا شهرها و کوه‌های سرزمین کهن خود را به‌خاطر بسپارند. در ذهن کوچک و مهربان خود همهٔ شهرها را هم‌چون روستای محروم خود سیر می کردند. راستی زینب از خود سؤال کرده کاخ شاه که تصویرش در کتابش بود الان دست کیست؟ خوش به حالش. اونجا نه سرما و سوز است و نه دود اجاق آشپزخانه.

لاله، زینب، رشید، محمد، فاطمه، جمال و میثم زودتر به مدرسه می آیند. هوای بیرون بسیار سرد بود. دستان کوچک آنان تا رسیدن به مدرسه از سرما کبود و یخ زده شد. کسی نمی‌دانست که آخرین بار است که جگر گوشه‌های خود را به آغوش می کشند. در هوای سرد بیرون مدرسه بچه‌ها کتاب را باز کرده و سعی می کردند در این میان خود را برای امتحان آماده کنند.

مدیر مدرسه آقای موسوی که معلم کلاس اولی‌ها هم هست باید زودتر بخاریهای پلار دو کلاس را پر از نفت کرده و روشن کند. چون باید به ادارهٔ آموزش و پرورش بخش برود. مدتی است که هیچ‌گونه توجهی به مدرسه آنان نمی‌شود حتی پول آن مدرسه را از بچه‌ها گرفتند. هوا هر روز سردتر می‌شود اما از سوخت خبری نیست. بچه‌ها هر روز بعد از ورود به کلاس باید یک ربع جلوی پلار اجتماع کنند تا دستان کوچکشان را گرم کنند. از طرفی هاشم طلایی معلم دومی‌ها سومی‌ها هم امروز به مدرسه نیاامده است و نگران بچه‌ایی که معلم ندارند اما چاروی نیست چون از فردا بچه‌ها باید در سرما به مدرسه بیایند و سوخت کمی دارند تا کالساها را گرم کنند. اولی‌ها و دومی‌ها و سومی‌ها که در یک کلاس کنار هم هستند بی معلم می‌مانند.

بچه‌ها وارد کلاس می‌شوند در یک کلاس چهارمی‌ها و پنجمی‌ها کنار یکدیگر می‌نشینند. آقای موسوی به آقای یزدان خسروی معلم چهارمی‌ها و پنجمی‌ها سفارش می کند که مواظب بچه‌های اولی و دومی و سومی باشند.

یزدان بچه‌ها را به اتاق کلاس راهنمایی می کند. امتحان شروع می‌شود. مهمترین روده‌ای اروپا کدامند؟ پایتخت کشورهای زیر را بنویسید..... انواع ابرها را نام ببرید و... ساعت ۱۰/۳۰صبح بخاری کلاس بچه‌های اول و دوم و سوم نشت می کند. نفت به کف اتاق سرایت کرده و شعله‌های آتش از بخاری به میانه اتاق راه کشید. بچه‌ها می‌ترسند. دخترهاجیج می‌کشند و وحشت و هراس فضای کلاس بی‌معلم را می‌گیرد. یزدان کلاس درس خود را رها می‌کند و به کلاس دیگر می‌آید. او نگران جان بچه‌هاست. بچه‌ها را به بیرون از کلاس هدایت می‌کند و به سرعت به سمت بخاری می‌رود. معلم جوان برای دفع آتش بخاری را با دو دست بر می‌دارد تا آن را با عبور از راهرو کوچک مدرسه ۷۰ متری به بیرون برتاب کند. بخاری آن‌قدر داغ بود که دستان معلم به بدنه آن چسبید و مجال نداد تا دستان معلم آن‌را به حیاط برساند. بخاری داغ پلار در میانه راهرو بر زمین می‌افتد و آتش و نفت سالن عبوری را می‌گیرد. گالن نفت راهرو بر اثر حرارت و آتش بخاری شعله‌ور می‌شود و آتش به سوی کلاس چهارم و پنجم روان می‌شود.

بچه‌های اول و دوم و سوم نجات می‌یابند و چهارمی‌ها و پنجمی‌ها گرفتار آتش می‌شوند.

شعله‌های سوزناک کلاس را فرامی‌گیرد. میز و صندلی‌های چوبی اتاق را به جهنمی تبدیل می‌کند. پروانه‌های کوچک درون آتش پری می‌زنند. جیغ و داد بچه‌ها قطع شدنی نیست. معلم با چشمان اشکبار هر کار می‌کند نمی‌تواند فشان را نجات دهد آتش اجازه نمی‌دهد که بچه‌ها از راهرو به بیرون فرار کنند و پنجره‌های کلاس به‌خاطر حفاظت‌ای آهنی اتاق را زندان کرده است.

دست کود کان معصوم به هیچ جا بند نیست. دود آتش و صدای شیون بچه‌ها اهالی را به مدرسه کوچک روستا می‌کشاند.



هیچ کس نمی‌تواند وارد شود. شعله‌ها اجازه نمی‌دهد حتی از گوشه‌یی وارد شد. اهالی پتک و تیشه می‌آورند تا حفاظ اتاق را بشکنند و بچه‌های گرفتار را نجات دهند اما حفاظ آن‌قدر محکم در سیمان فرو رفته که کارگشائی نمی‌شود.

ساعت یازده صبح یعنی کمتر از نیم ساعت همه چیز تمام شد. ۱۳ دانش آموز پسر و دختر اکنون جان باخته‌اند. جان سپردنی ناگوار. صورت و دست و پای بچه‌ها کاملاً سوخته است.

چکمه‌ها به پاها چسبیده‌اند و فضای تلخی را پدید آورده‌ند. اهالی پاره‌تشتان را از دست دادند. داغی که هرگز مرهی بر آن نیست و نخواهد بود.

بچه‌ها طوری در آتش سوخته بودند که شناسایی برخی ممکن نبود.

هنوز بچه‌های روستا در گورستان دفن نشده بودند که معلم مدرسه را مقصر دانستند. معلم مصدوم دچار ۹۰ درصد سوختگی شد و ۱۰روز بعد فوت کرد. مثل همیشه رژیم برای فرار از پاسخگویی تمام تقصیرها را به عهدهٔ قربانیان می‌گذارد.

گرامیداشت یاد جهان‌پهلوان تختی توسط هواداران مجاهدین در تهران

هواداران مجاهدین در تهران ، بر سر مزار جهان‌پهلوان تختی در ابن‌بابویه حضور یافتند و یاد قهرمانی و جوانمردی او را گرامی داشتند.

هواداران مجاهدین به‌مناسبت سالگرد شهادت جهان‌پهلوان تختی، دسته گل‌هایی را از جانب مجاهدین شهر اشرف بر مزار وی در ابن‌بابویه تار کردند و یاد او را گرامی داشتند.

بر روی کارتی که روی یکی از دسته گل‌ها قرار داده شده بود، این نوشته به چشم می‌خورد:
سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی گرامی باد، از طرف ورزشکاران ارتش آزادیبخش ملی ایران و شهر پایدار و سرفراز اشرف.

هم‌چنین در تراکبی که از طرف مجاهدین شهر اشرف بر دیوار کنار آرامگاه جهان پهلوان تختی نصب شده، عکس زیبایی از وی به چشم می‌خورد که در آن قسمتی از یک مصاحبهٔ تخیی نوشته شده است.

حکومت آخوندی که برای قیر دجال جماران میلیارد‌ها تومان هزینه می‌کند واز مظاهر ارتجاع و خیانت مانند کاشانی و فضل‌الله نوری تجلیل می‌کند، برای تحقیف نام و یاد چهره‌هایی چون جهان‌پهلوان تختی تلاش می‌کندو به همین خاطر مزار تختی محقر و ساده مانده است، هرچند که نامش و یادش در قلب مردم همچنان باقی است.

کمیسسیون زنان شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌یی، صدور حکم اعدام یک دختر ۱۸ساله توسط قضاییه آخوندی را محکوم کرد و به مجامع بین المللی برای نجات جان وی فراخوان داد.

به گزارش روزنامه حکومتی اعتماد، قضایه جنایتکار رژیم آخوندی یک دختر ۱۸ساله را به اتهام قتل مردی که قصد تجاوز به وی را داشت، به اعدام محکوم کرد.

قربانی که نازنین نام دارد در سن ۱۷سالگی مورد حمله سه مرد قرار گرفته بود که قصد تجاوز به او و برادرزاده‌اش را داشتند. در جریان درگیری و در حالی که نازنین قصد دفاع از خود را داشت، یکی از متجاوزین به قتل می‌رسد. او در جلسه داد‌گاه در دفاع از خود گفته بود: «من فقط برای دفاع از خود و برادرزاده‌ام مرتکب قتل شدم‌ام. ولی قصد کشتن آن پسر را نداشتم. در آن لحظه نمی‌دانستم چه کار باید بکنم. چون هیچ‌کس به داد ما نرسید.» با این حال قضات جنایتکار، بدون توجه به اظهارات نازنین و مستندات پرونده و گفته‌های شاهدان که اظهارات نازنین را تأیید می‌کرد، وی را به اعدام محکوم کردند. گفته می‌شود مهاجمان از نفرات سیخ کرج بوده‌اند.

خاتم سرواز چیت‌ساز، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ضمن محکوم کردن حکم اعدام این دختر جوان که به دفاع مشروع از خود و برادرزاده‌اش مبادرت کرده بود، گفت، «حتی در قوانین جزای خود رژیم، فردی که برای دفاع از جان یا ناموس خود یا دیگری «عملی انجام دهد که جرم باشد... قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود».

خاتم چیت‌ساز گفت: «سرنوشت دردناک نازنین تنها یک نمونه از هزاران مورد تجاوز به حقوق زنان ایرانی در پاکستان، زنتییز آخوندها می‌باشد.» وی هم‌چنین فعالان و سازمان‌های مدافع حقوق زنان و حقوق‌بشر را به محکوم کردن این حکم جنایتکارانه و تلاش برای جلوگیری از اعدام این دختر جوان فراخواند.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران (۱۸ دی‌ماه ۱۳۸۴)

ادامهٔ اعتراضات رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران
بیش از دو هفته است که اعتراض رانندگان شرکت واحد ادامه دارد و تاکنون چندین بار اقدام به حرکات اعتراضی و تجمعات گوناگون کرده‌اند.

لازم به یادآوری است که روز چهارم دی ماه رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به دستگیری تعدادی از رانندگان توسط مأموران اطلاعات رژیم آخوندی دست به اعتصاب سراسری زده و در مناطق مختلف تهران تجمعهایی اعتراضی بر پا کردند.

رانندگان شرکت واحد در اعتراض به ادامه بازداشت دبیر سندیکای شرکت واحد، چراغ اتوبوس‌های خود را روشن کرده، و خواهان آزادی هر چه سریع‌تر وی شدند.رانندگان هم‌چنین در بیشتر مناطق تهران، به همین منظور تراکنهایی به‌شیشه‌های اتوبوس خود نصب کردند.

لازم به یادآوری است سازمان‌غیر بین‌الملل طی یک فراخوان

گرامیداشت یاد جهان‌پهلوان تختی توسط هواداران مجاهدین در تهران



۱۵ هزار کشته، طی شش ماه در جاده‌های کشور وزیر پیشین راه و ترابری رژیم: دربخش اسفالت جاده‌یی ۴۰ سال عقبر از دنیا هستیم

وی به اعتراف به فساد و چپاول گستردهٔ کارگزاران رژیم در این بخش گفت: «با وجود دارا بودن سهمیهٔ یک میلیارد دلاری فائیتاس حتی یک فرزند هوایما نیز خریداری نشد که علت این امر نیز فقدان شجاعت در مدیریت‌ها بود.»

خرم تصریح کرد: «بشت خرید هوایما‌ها حرف و حدیث‌های بسیاری وجود دارد چون بسیاری افراد برای پورسانت یک درصدی خریدهایش دندان تیز می‌کنند.»

وزیر پیشین راه و ترابری را با اشاره به آموزش خلبان‌ها برای پرواز بر روی مدل‌های مختلف هوایما افزود: «این گونه آموزش‌ها درایران خیلی جدی گرفته نمی‌شود و صدور گواهینامهٔ پرواز برای خلبان مطابق با استانداردهای بین‌المللی صورت نگرفته و این گواهینامه‌ها همراه با اقباض به خلبان ارائه می‌شود، در حالی که نباید در این موارد به اندازهٔ سرسوزنی اغماض شود.»

مرگ‌های خیابانی نتیجهٔ ۲۷ سال سیاست سرکوب و چپاول آخوندها

گزارشی از مرگ یک جوان بی‌پناه در کنار خیابانهای تهران (برگرفته از خبرگزاری حکومتی فارس)

ناپسامان در پارک نیاز به کمک دارد را گزارش دهند. اما با این اظهارات مواجه شدند که این مسئله مربوط به بهزیستی است و هنگامی به پلیس مربوط می‌شود که حالت اضطراری پیدا کند. شماره تلفن ۱۲۷ هم که به منظور جمع‌آوری کارتن‌خواه‌ها سال گذشته در اختیار مردم قرار گرفته بود، پاسخگوی این تماس نبود.

در همین حال دانشجویان با دیدن اتومبیل پلیسی که در حال گذر بود با تکان دادن دست توجه افسر را به خود جلب کردند و برای او در حالی که هنوز سوار اتومبیل بود مسئله را توضیح دادند. حرکت آهسته اتومبیل و روشن خاموش شدن پشت سر هم چراغ‌های ترمز عقب که نشان از تردید افسر و سرباز داخل اتومبیل داشت سرانجام با توقف کامل خودرو به پایان رسید.

سروان نیروی انتظامی با دیدن مرد خوابیده از دانشجویان پرسید که آیا می‌دانند او زنده است یا نه؟ سرباز با دیدن او از دور خطاب به افسر مافوق خود گفت: «چهار سال جوان، مرده است» و خطاب به خبرنگار فارس گفت که شبی ۸ تا ۷مورد فوت توسط کلانتری ۱۶ گزارش می‌شود که حدود ۸۰درصد آن را معاندان و ۲۰درصد را کارتن‌خواب‌ها تشکیل می‌دهند. از لحاظ گزارش تلفات معاندین کلانتری این منطقه درجهٔ الف را دارد.

مأمورین که قصد داشتند با یا جسد را تکان دهند، رنگ خالی شده وی را که در پلاستیک کوچکی گذاشته شده بود، پیدا کردند.از این لحظه به بعد طرز برخورد شاهدان ماجرا با مسئله عوض شد. علی‌رغم این که همه از بروز این واقعه ناهنجار در جامعه و اتفاق تلخی که برای فرد معناد افتاده بود، اظهار تاسف

الف پن روزها و در واپسین لحظات حیات رژیم آخوندی پس‌اندگان رژیم خمینی برای نجات خود از بحرانهای لاعلاج، دست به هروطنه و ترغندی ولو چند صد بار مصرف‌شده و سوخته باشد، می‌زنند تا شاید دمی به حیات و عمر ننگین خود اضافه کنند. در این راستا مطالبی در هفته‌نامهٔ الشاهد که از گان وابسته به ملاهای حاکم بر ایران است از مأموران وزارت اطلاعات (که حتی باپردن نام و یا دیدن چهرهٔ هر کدامشان کفاره را بر خودم واجب می‌دانم) خواندم. از آن‌جایی که یکی از آن مأموران به نام «حورا شالچی» طبق سنت آخوندها با قلب واقعیت و نعل وارونه‌زدن از نحوهٔ آشنایش با سازمان در سال ۱۳۵۸ تا پیوستنش به سازمان در سال ۱۳۶۸ گفته و اسم مرزا نیز به‌عنوان نفر همراهش برده بود می‌خواستم جهت اطلاع هموطن عزیزم نکات و حقایقی را در این رابطه مطرح کنم:

– ما در یک خانوادهٔ سیاسی ودر عین حال مذهبی بزرگ شدیم. جای انکار ندارد که درست مانند خواهر و برادرهای تنی در تمامی فراز و نشیبهای زندگی نیز با هم بودیم. روزهای سال ۱۳۶۰ را به خوبی به یاد دارم که چطور یک‌دروز پاسداران خمینی به منزل خاله مادر شالچی) و شوهر خاله‌ام که سالها در زندانهای شاه نیز بوده پورش برده، آنها را دستگیر و زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند. و یا مادربزرگ ۷۰ساله‌ام را که به‌عنوان یک فعال سیاسی و هوادار سازمان از سالیان قبل شناخته شده بود، لا‌جودی جلد شخصاً در اوین تحت بازجویی قرار داده و می گفت: «خاتم کبری توانائیان‌فرد فرزند احمد شاه را بگو؟» و پاسخی جز «تادرم» دریافت نمی‌کرد تا این‌که نهایتاً در اوراق زندان و در محل اسم و فامیلش ثبت شد «کبری –تادره». هر گز از ذهنم پاک نمی‌شود.

با آن روزهایی که بعضاً چندین بار در طی یک‌دروز پاسداران خمینی از در و دیوار به خانه‌ام هجوم می‌آوردند، یادم هست یکبار که چیزی پیدا نکرده‌بودند، چون نمی‌توانستند به‌دلیل شناخته‌شدگیمان در آن محله حتی به دروغ ادعای سوخته‌یی را که به خود آورده بودند، در مقابل جمعیتی که جلوی خانهٔ ما جمع شده بودند به نشانهٔ این که گویا از منزل ما پیدا کرده‌اند با دجالگری نشان داده و می گفتند: «ببینید منافقین در خانه‌هایشان قرآن آتش می‌زنند»...

بعد از موج دستگیری‌ها دیگر زندگی خانه به‌خانه از منزل دوستان و آشنایان گرفته تا خرابه‌های اطراف تهران شروع شد و این در حالی بود که ما هم همراه بزرگتره‌هایمان باید تحمل این بی‌شدن و سوز سرما و... را نیز به جان می‌خریدیم.

در همین ایام دایی قهرمان و مجاهدم محمد توانائیان‌فرد در بر گیری ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ سرفرازانه به شهادت رسید چند روز قبل از شهادتش صحنه‌یی را به یاد می‌آورم که در جواب مادرم گفت: «این خون پاک ماست که باید ریخته شود تا نسل آینده (شاره به ما) آگاهتر قدم بر دارد»... و بعد هم شهادت خاله‌ام مریم آن‌هم فقط به‌خاطر فروش نشریهٔ مجاهد واین‌که حاضر نشد نام مجاهد را از روی خود لحظه‌یی بردارد...

اینها مواردی است که بر ایرانی حتماً به‌گونه‌یی عین و یا مشابه آن را در نظام منحوس آخوندی چشیده است که جا دارد در فرصتهای دیگر جزئیات آن را به‌عنوان برگ‌ی از تاریخ پرشکوه مقاومت خلقلمان به ثبت برسانیم. به هر حال آن ایام به دلیل سن کم، ما فقط قصه می‌خوردیم که چرا بزرگ نیستیم تا بتوانیم انتقام خون شهدا ورنج اسیران را بگیریم...

تاریخ به مظلومیت و حقانیت مجاهدین گواهی

می‌دشد و خائنن سرافکنده خواهند شد

سوسن قبادی

م مجاهد خلق سوسن قبادی ۲۲ساله درشهر اشراف هستم . من اهل کرمانشاه هستم . وقتی چهار سالم بود برادر ۱۶ساله به‌نام مجاهد شهید جمشید قبادی در سال ۶۵ توسط این رژیم یلید به‌شهادت رسید. او فقط آزادی و رهایی خلقتش را می‌خواست و در دفاع ازحق مردم شهادت‌دش جان بر سر پیمان خود با خدا و خلق نهاد و این چنین مسیر رهایی را به من و خواهراتم نشان داد. از نزدیک ستم مضاعف را با گوشت و پوستم در مردم، و به‌ویژه زنان دردمند کرد حبس کرده‌ام، و بارها در مقابل این حد ستم و سرکوب ناامید شده و از زن بودن و کرد بودن و حتی ایرانی بودنم متنفر می‌شدم.

واقعتهایی که درجامعه می‌دیدم حتی گفتن و یا تصورش برابم بسیار سخت است. وضعیت دختران و زنان همسایه و همکلاسیهایما را هرگز فراموش نمی‌کنم. من برای مبارزه علیه این دجالان و رهایی از دنیای سیاه و نکبت‌بار ستم مضاعفی که بر آنان تحمیل شده بود، به شهر اشرف و آغوش مجاهدین پناه آوردم. وقتی وارد مناسبات مجاهدین شدم احساس رهایی و نفس کشیدن داشتم. اتفاقاً ماه رمضان بود و من مسلمان نبودم مترصد بودم که کسی در مورد نماز و روزه چیزی به من می‌گوید یا نه؟ به آن موضع فشار، حتی فقط تشویق به نماز خواندن. اما عجیب بود که کسی به من در این باره چیزی نگفت و اتفاقاً تمام امکانات صنفی و ... را در اختیار من و دوستانم گذاشتند. من از آن همه رسیدگی و ارزشهای والای انسانی احساس شرم کردم که خواهران روزه‌دار به ما چقدر رسیدگی می‌کردند.

درشب قدر هم فقط به ما گفته شد که برنامه است و اگر خواستیم می‌توانیم شرکت کنیم. من لازم دیدم برای قدردانی از زحمات آنها در آن مراسم شرکت کنم. با دیدن این پرخوردها خودم تصمیم گرفتم که ده روز آخر ماه رمضان را روزه بگیرم، بدون این‌که نماز بلد باشم.

من از قرآن و دین اسلام به خاطر آخوندهای رذل بسیار دافعه داشتم. فجایی که تحت نام اسلام در جامعهٔ تحت حاکمیت آخوندها دیده بودم. اما در مناسبات مجاهدین بعد از مدتی به‌خوبی تفاوت زمین تا آسمان دو اسلام کاملاً متضاد را فهمیدم و در آگاهی کامل با درخواستهای مکرر و اصراری که به خواهران مجاهدیم کردم نماز را یاد گرفتم. و اکنون افتخار می‌کنم که اسلام و قرآن و حتی ایرانی بودنم را از مجاهدین و نام رجویی گرفته‌ام خوشحالم و خدا را شکر می‌کنم که از نحوست آخوندهای دینفروش به‌دور مانده‌ام.

اما در مورد کرد بودن من در دوران مناسبات مجاهدین و بیرون از آن، یک تفاوت وجود داشت. آن‌هم این بود که به‌طور ویژه برای من و دوستانم که در زیر یوغ این رژیم جنایتکاری بی‌سوادمانده بودیم با بی‌سودمان کم بود، انرژی می‌گذاشتند که مبادا در کنار دیگر همزمانان احساس کمبود کنیم. در این‌جا هم وضعیت ما را

کم‌خور از این پاجه گاو فلک

شیر چو خوردی خر شیطان شدی

مجتبی شادباش

تا این‌که در سال ۱۳۷۱ با دیدن فیلم رژهٔ باشکوه ارتش آزادیبخش به‌عنوان تنها نقطهٔ امید همهٔ جوانان و مردم ایران و بعد هم با دیدن و شنیدن سخنرانیهای خواهر مریم در دورتمند و سالن اولژ کورت لندن ازطرفی و از طرف دیگر با دیدن فضای خفقان و سرکوب جامعه بعد از قیامیهای قهرمانانهٔ مردم اراک و شیراز و مشهد و اسلام‌شهر و... در حالی که آن‌میوقع اندیشجوی رشتهٔ مهندسی برق – الکترونیک بودم و شخصاً هم هیچ مشکلی اعم از اقتصادی، شغلی و اجتماعی و... نداشتم تصمیم خودم را برای قدم گذاشتن در راه مبارزه گرفتم انتخابی که می‌دانستم بهای آن مانند هرآن‌چه‌که دیده بودم، از همه چیز خواهد بود...ابتدا با تمساحی‌ای که با سازمان داشتم به‌عنوان یک نیروی مقاومت در تهران مشغول به انجام فعالیتهای تبلیغی شدم. در همین ایام «حورا شالچی» که بر حسب اتفاق از ارتباط من با سازمان مطلع شده بود، با اصرار خودش متقاضی فعالیت و انجام برخی کارها شد، ولی چون مدتی بود که ازدواج کرده و تشکیل خانواده داده بود اساساً من با هر گونه کار یا فعالیتش مخالفت می‌کردم. چون طبیعی بود که اولین قدم در این راه یعنی مبارزهٔ رودرو با مهیب‌ترین دیکتاتوری تاریخ نیاز به فدای حداکثر دارد که به نظر من کمترین آن جان، مال، همسر و فرزند است.... تا این‌که از طریق خاله‌ام (مادرش) مطلع شدم قصد طلاق از همسرش را دارد و...

این پرسو ادامه داشت تا این‌که برادر بزرگرم که از نیز با ما به‌عنوان یک هستهٔ مقاومت فعالیت می‌کرد در پائیز ۱۳۷۴ به ارتش آزادیبخش پیوست.

مدتی بعد در خرداد ۱۳۷۵ من در اثر لو رفتن یک محل قرار دستگیر شدم ولی خوشبختانه به دلیل کودنی و حماقت بازجو و شکنجه‌گران که خودشان را با القاب دکتر و مهندس صدا می‌کردند توانستم از همان لحظهٔ اول متوجه شوم آنها هیچ مدرکی از اقدامات و رد و ارتباطات من ندارند. لذا بعد از دو هفته به قید التزام و یک میلیون تومان پول نقد و وثیقه به‌طور موقت آزاد شدم تا در مورد وضعیت برادرم که به‌جز من و مادرم کسی از خروج و پیوستنش به ارتش آزادیبخش اطلاعی نداشت تحقیق کنند. من که بلافاصله بعد از آزادیم ارتباطم را با سازمان بر قرار کرده بودم ابتدا می‌خواستم به‌صورت غیر قانونی و با قاچاقچی به منطقهٔ مرزی و نزد ارتش آزادیبخش بروم ولی چون در همین ایام «حورا شالچی» که تمام مراحل طلاق قانونیش را به پایان رسانده بود، درخواست کرد همراه من برای پیوستن به ارتش آزادیبخش بیاید و من نیز که خودم را با اصرار و اقدامات خودش در یک عمل انجام شده می‌دیدم، با محملی اقدام برای چک گرفتن پاسپورت و ریل خروج قانونی کردم که موفق شدم پاسپورت بگیرم و نهایتاً در مهر سال ۱۳۷۵ از ایران خارج شدم، ابتدا به سوریه و بعد از طریق اردن وارد عراق، بغداد

هادی جاهدنیا

رژیم آخوندی که امروز در گرداب توانایی را ندیده بودم و واقعاً با محبت گرم خودشان؛ ما را با دیگران همرنگ و یکدل می‌کردند. مسئولتهایی که به من داده شد برایم عجیب است. چون اکنون امور فنی و برق قرارگاهی درشهر اشراف به من سپرده شده است. چیزی که در گذشته حتی تصوری از آن نداشتم. اکنون در سطح یک تکنسین خوب برق درحال انجام مسئولیت هستم. درحالی‌که در جامعهٔ عادی، کارهایی مانند برق و کارهای مهندسی مربوط به مردان با تحصیلات بالا است اما در مجاهدین زن بودن، کرد بودن، و کم‌سواد۱ مانع من اندکی می‌فروشد و در ادامهٔ آن به رنگ زدن نشد.

من افتخار می‌کنم که به‌عنوان رزمندهٔ آقعهتایی که درجامعه می‌دیدم حتی ارتش آزادیبخش، در هر مسئولیتی که لازم باشد کارم را انجام بدهم. زیرا می‌دانم تاریخ خلقی اسیر و دردمند، لحظه به لحظه در شهر اشراف ساخته می‌شود، حقانیت این حرف را درسوز و گداز آخوندهای دجال می‌شود خوب فهمید. باشدکه روز رهایی برای خلق اسیرم و خودمختاری برای مردم دردمند کردستان، طبق اساستامهٔ شورای ملی مقاومت تحت رهبری این مقاومت فرا

رسد. (خودفرهنگتان زبونی که در سندج برای عوامفریبی گرد آمده‌بودند این حقیقت را نمی‌توانند پنهان کنند که جوانان کرد در سازمان مجاهدین به آمال و آرزوهای دیرینهٔ یک خلق دست یافته‌اند و هر مجاهد کردی، احیای شرف ملی و ایرانی خود را در سازمان بازیافته و دردهای تحقیر ناشی از جامعهٔ التیام یافته است).

به‌راستی که رژیم رو به سقوط آخوندها چقدر مفقود است که به این خس و خاشاکها چنگ می‌زند. و این خائنان را گواه می‌گیرد برای تهمت ناروا زدن به مجاهدین. البته به عنوان یک کرد می‌دانم که مردم کردستان از این رژیم متنفر هستند. حتی کسانی که با مجاهدین رابطه و آشنایی ندارند، هر چیز را باور کنند این رژیم و خائنان پیوسته به وزارت را باور نمی‌کنند. تکلیف مردم کردستان بعد از ۲۷سال ظلم و جور ستم از طرف آخوندهای رذل روشن است.

برگزاری این خیمه‌شب‌بازیهای مضحک در خطهٔ کردستان، ننگ شما در این سرزمین را پاک نمی‌کند و برانبوه جنایتهای گذشتهٔ شما می‌افزاید. هر مرد و پیر و جوان کرد، از این خشمهای فرو خورده به‌زودی بر سرتان فرود خواهد آمد.

به‌عنوان یک مجاهد می‌گویم: کسی که سوگند جلاله را می‌شکند هرگز پای عهد دیگری هم نمی‌ماند. و خوشا به حال مردم ایران که پایداران و سرفرازانی در شهر اشرف و در تاریخ مبارزات خود علیه رژیم دجال و ضدیشر دارند. تاریخ به مظلومیت و حقانیت مجاهدین گواهی می‌دهد و آن‌وقت خائنان در نزد مردم و خلق کرد روسیاه و سرافکنده خواهند شد.

علی قاسمی

هزار سال پیش در یک زد و بند نفرت‌انگیز بین رژیم ایران و تعدادی از کشورهای اتحادیهٔ اروپا به‌ویژه رئیس دوره‌یی وقت این اتحادیه، نام پاک و پرافتخار سازمان مجاهدین را که در تمام هزاران عملیات خود علیه مراکز و مقامات و مهره‌های جنایت و سرکوب رژیم هیچ انسان بیگنای را هدف قرار نداده بود، در یک کپی‌برداری از لیست مشابه در وزارت خارجهٔ آمریکا در لیست خود قرار داد.

این در حالی بود که یک ماه قبل از این نامگذاری توسط اتحادیهٔ اروپا در یک جلسهٔ بررسی سازمانهای تروریستی در دانمارک که

کم‌خور از این پاجه گاو فلک

شیر چو خوردی خر شیطان شدی

مجتبی شادباش

و قرارگاهای مجاهدین شدم. در تمام دورهٔ پذیرش و هم‌چنین در قرارگاههای مختلف و طی مراسم و نشستهای جمعی که از آن سال تا پائیز سال ۱۳۷۹ داشتم ما مهدیگر را می‌دیدیم و او در هر دیدار با چه برافروختگی از وضعیت فلاکت‌بار زنان جامعه و این‌که خودش شاهد کتک‌خوردن زنی به دست شوهرش بوده و یا مسائل و گرفتاریهای اجتماعی دیگر می‌گفت، نهایتاً هم با تلاش و اصرارهای خودش برای آوردن و وصل کردن خواهر کوچکترم زینب و خواهران دیگر خودش امینه و ربیعه و سیده‌اقدام کرد... تا این‌که در یکی از همین ماه‌هایما در منطقهٔ ارومیه در کمین مأموران وزارت اطلاعات افتاده و دستگیر شد.

برای اولین بار زیر موشکباران اقتدار ولی‌امر مسلمین در فروردین ۱۳۸۰ بود که شنیدم تعدادی اسیر درهم شکسته ازجمله «حورا شالچی» در تلویزیون رژیم ظاهر شده و بهای نفس کشیدن و حیات خفیف و خائنانهٔ خود را با آشامیدن خون مجاهد خلق و پاک‌کردن دستهای جنایتکاران و آخوندهای ضدیشر می‌پردازند، در یک لحظه تمام آن همه صحنه‌ها و خاطرات که داشتم از جلج چشمم گذشت...

آه از تفاوت راه

دو پاره آهن زیک تکیه‌گاه

یکی نعل ستور و دگر آینهٔ شب
یکی انتخاب بین دو راه و هفت دریا خون بین آن، دیگر تمام شد این شروع یک پایانی بود...

بار دیگر در خدمت ملایها صورت می‌گرفت صدای منحوس و سراپا ندامت خارجیش که در وزارت اطلاعات را از رادیو نجات رژیم شنیدم... و بعد هم با ورود آن دسته از خانوادهایی که با کاروان راهی شده توسط همین مأموران وزارت اطلاعات به شهر اشراف ابعاد جدیدتر و جنایتکارانه‌تری از این ارگان شکنجه و فشار روحی و روانی خانواده‌های مجاهدین را می‌دیدم و می‌شنیدم... و حالا در ادامه، این مأمور وزارت اطلاعات که به‌قول برادران وزارتیش زندگیش را وقت تأسیس گروه نجات «رژیم» کرده بدون این‌که ذره‌یی از واقعتهای گذشته‌اش را به‌یاد بیاورد و یا جایی اشاره کند که آخر راستی کی بود؟ و چی شد... این روزها سرش را از ارگانهای عراق در آورده‌اند به‌طوری‌که در هفته‌نامهٔ الشاهد وابسته به رژیم او را به‌عنوان گواه و شاهدی از نقض حقوق‌بشر در درون سازمان مجاهدین و یا نقش ویرانگرانهٔ سازمان در

پادشاهای ایران

مهندس، محقق، و فیلسوف و این یکی هم دبیرکل و معقق و... چونان گرگ در لباس میش می‌خواهند که از این طریق برای ادامهٔ حاکمیت ذلت‌بار و ننگین خود چند صباچی به رفوی لباس پاره پارهٔ خود پرداخته و ظاهر آمد

روز و عوامپسند نمایند. غافل از این‌که امروز بعد از ۲۷سال حاکمت ننگین آنان دیگر کوس رسوایشان عالمگیر شده‌است و باز احقانهٔ و ارائهٔ می‌دهند، زود خود را لو داده و بقول معروف خود را شکر که دشمنان ما را احقآوردند و خیلی سریع روی پرورندهٔ قتل و جنایت خود کلیک می‌کنند و خواننده را به نیاز به مراجعه به منابع متعدد می‌کنند، چون بقول معروف خودشان!

البته ابتدا مقداری از این حماقت متعجب شدم که چه کسی را می‌خواهند گول بزنند؟ داخل کشور؟ همشوران شریف و خصلهٔ خراسان؟ یا با جای دیگر؟ از این باب که وزارت اطلاعات آخوندی از داخل و گول زدن مردم ناامید گشته و کمتر کسی هست که بزرگ و بزرگوار است و همان وزیر و... و هر قشر دیگر که این ترغندهای رژیم را نشناسد و یا به سوابق این مزدوران آشنا نباشد، ولی زود فهمیدم که نان برای چه کسی پخته شده است! شاید فکر می‌کنند که این نشان و القاب برای طرف حسبلهای سیاست مماشان آنان در خارجه خیربار داشته باشد. آن‌چه می‌ماند در این روزگار پررنگ‌رژیم، به بازی گرفتن شعور مردم عراق است، ولی این یکی هم دیگر میدان موان این بازی ابلهانه نیست.

میراث‌دار قتل وجایت!

یک فرض دیگر نیز توجیه‌کنندهٔ این حماقت می‌تواند باشد، شاید از این باب‌که سن و سال آقای سیدجواد هاشمی‌ژاد فرصت شهادت بر جنایت‌ا پدر جنایت‌کارشان نباشد والا تا آن‌جا که به همشهریان قهرمان شهیدی عهد و پیمان می‌دادند که پندر جنایتکار ایشان به‌خشم انتقام مردم زحمتکش همان دیار از قضا توسط کسانی که از نزدیک شاهد جنایت او بودند به‌سای جنایتپاشش رسید. راستی حال که این جوچه عنوان پدر را بدک می‌کنند، حداقل شاید بهتر باشد که به

متأسفانه آن‌چه‌که در این سو یعنی در سوی اتحادیهٔ اروپا یافت نمی‌شده شرم و حیا بوده که باپول مخالفت می‌کنند...

این کشورها تا آن‌جا در ذرالت خود در همکاری و مماشات با رژیم پیش رفتند که در یک‌قرار داد در سال گذشته باهم پیمان پاریس علناً به رژیم دادند و همان وزیر لیست تروریستی را در ازای همکاری هسته‌یی رژیم دادند. اما از آنجایی که این رژیم به هیچ عهد و پیمانی وفادار نبوده و نیست، آن پیمان عملاً از دور خارج شده‌است. در سال پیش اکثریت پارلمان ترؤز بر این بی‌عالتی صحه گذاشت و از دولت خود خواست تا در بارهٔ این لیست تجدیدنظر کند.

در ماه گذشته تمامی سنای بلژیک در یک دادرسی علیه این برجسب ناجوانمردانه مردم ما بهای سنگینی داشت و چه خونها

شمارهٔ ۷۸۲ – دوشنبه ۲۴دی ۱۳۸۴

عراق معرفی می‌کنند!

عراق معرفی می‌کنند! و او نیز هدفش را این گونه می‌گوید: «من اعلام می‌کنم که جوانان ایرانی نباید وارد این سازمان بشوند و... دولت عراق باسنی چیزی که در قانون اساسی آمده است را به اجرا در بیاورد... بایستی حکمی برای اخراج این سازمان تروریستی از خاک عراق صادر بکنده. آیا بهتر نبود به‌جای این حرفهای کلیشه‌یی و خیمه‌شب‌بازیهای آخوندی به صراحت بگویی: آقاچان من بریده‌ام، خانن و مأمور وزارت اطلاعات شده‌ام. آخر مگر خودت این‌همه اصرار برای آوردن و وصل کردن جوانان، همین خواهران مجاهد به سازمان نداشت و همیشه نمی‌گفتی که تنها دوی درد این مصیبتها و بدبختیهای مردم سازمان مجاهدین است». حالا چه آموزشی در «دانشگاه اوین» به تو داده شده و یا چه بلایی بر سر تو آورده‌اند که این چنین مسخ و دگر گون شده مہملات می‌یافی و پاوه‌سرای می‌کنی؟ اگر هم چیزخورت کرده‌اند که باید به قول مولوی گفت:

کم‌خور از این پاجه گاو فلک
شیر چو خوردی خر شیطان شدی
در جای دیگر این کاردستی و تولیدی استراتژی حاج آقا بوسی و آخوند ازای در پاسخ به سؤال دیگری که پرسیده شد چرا سازمان را ترک کردی؟ می‌گوید: «فهمیدم که رجوی و جماعت وی تلاش می‌کنند جوانان را شششتی و مغزی بدهند و نظرات غیرملی به آنها تلقین بکنند برای همین تصمیم گرفتم که به بلژیک بروم!!

شاید این حرف مضحک شما هموطنان عزیزم را نیز به خنده وادارد که چه ربطی دارد؟ اگر آن‌جا تلقین نظرات غیرملی بوده و یا هست پس چرا آن هزاران مجاهد و رزم‌آور آزادی تا این حد پایدار و استوار بر سر آرمان و اصول خود ایستاده‌اند و شهر اشرف را در مجاورت خاک وطن به امیرخیز ایران و دژ تسخیرناپذیر تبدیل کرده و از آن چون جانشان حفظ و حراست می‌کنند درحالی‌که برای تو پرتابی به سوی اروپا و آن‌هم به‌طور خاص بلژیک را داشته؟ البته در ادامه ابعاد جدیدتری باز می‌شود وقتی می‌گوید: «زندگیانم آن‌جا بوده‌ند، سازمان مرا تهدید کرده‌بود که اگر برنگردم (گویا که یک سفر هم بلژیک رفتم!!) مرا دزدیده و به بغداد خواهند برد، به پلیس بلژیک هم شکایت کردم که به سازمان گفت با من کاری نداشته باشند، راستش تا آن‌جا که من می‌دانم (با توجه به آن پرسوسه‌یی که در ابتدا برایتان شرح دادم) و به‌عنوان یکی از اقوام نزدیکش که واقعاً کراهت دارم نسبت داشتم را باز گو کنم، می‌گویم که:

اولاً: ما هیچ قوم و خویشی و یا آشنایی در بلژیک نداشته و نداریم. ثانیاً: باید از این مأمور وزارت اطلاعات سؤال کرد که آیا این موضوع بلژیک سناوری بعدی برادران وزارتانی همان نزدیکانی که به قول خودت در بدو ورودت به خاک وطن تو را مورد استقبال هم قرار دادند نیست؟ و اگر هست یا خواهد بود به این مأمور و بقیهٔ همبل‌گپاشش می‌گویم: هر آن‌چه در چنته داشته‌اید علیه این مقاومت در طی این سالیان به کار گرفته‌اید، باز هم بکنید، و زمین و آسمان، از چه و راست و باور و پادشاهایان از انجمن نجات رژیمتان در داخل تا شعبهٔ خارج کشوری‌اش و همهٔ مأموران ریز و درشتان و... بیشتر را هم بکنید ولی بدانید که باید به‌جای همهٔ این توطئه‌ها سر تان را به سنگ بکوبید یا خودتان بکوبید یا این‌که مایکوبیم.

البته زیاد نگران نباشید، دور نیست روزی که به همراه رژیم ضدبشری خمینی مرگ و سرنگونی خود را نیز به دست همین شیرزنان و کوهمردان ارتش آزادیبخش ببینید.

میراث دار قتل وجنایت در لباس محقق و دبیرکل قابیلیان!

با چشمان بیدار هزاران هموطن خراسانی و زبان گویا و شاهدان دهها و صدها و هزاران زندانی که از دهلیزهای مخوف اماکن امن حزب چماقداران مشهد که پدرش

امن حزب چماقداران مشهد که پدرش دبیرکل آن بود، عبور کرده و بر قضایا گواه هستند، چه می‌کنید و چگونه قسم خواهید خورد؟

نمونه‌های فوق را بنده به عنوان مشی از خوراک که شادش بودم، از این باب گفتم که شاید سن و سال پسر این جنایات پدر را نتواند که گواهی دهد و یا به عهد گریز می‌زند، ولی اگر میراث‌دار پدرش هست که در عنوان و کلام و متون باشد خود و پادویی وزارت اطلاعات همین را گفته است، بهتر است که سلطنت مؤرونی پدر را پاس می‌داشت و به دزوری وزارت اطلاعات و پادیر کلی حزب چماقداران افتخار می‌کرد و بدین ترتیب تنگی جوادانگی را برای خودش رقم می‌د.

ولی حرف به این‌جوشه آخوند این است که هوای سرتو تعریف نمی‌کرد و... این دبیر کل هم کلاه را محکم چسبیده و حداقل مثل آنروز که پدرش در زندان از نماز گزاردن در پشت سرمجاهدین افتخار می‌کرد و یا در ایام قیام ۵۷ که باز نابار سیاست‌ناز به رخ روزخوردن هیچ حرفی علیه مجاهدین نمی‌زد هیچ، بلکه برای کسب وجهه خود می‌ما جوان آن موقع از مجاهدین تعریف می‌کرد و... این دبیر کل هم که دور و بر خود نگا کند. تا جایی که اطلاع مشخص دارم، بیش از هزار مجاهد در سالهای ۶۰ و ۶۱ در مشهد به شهادت رسیده و قریب ۱۵۰ شهید نیز در قتل عام سال ۶۷ در این شهر که به شهادت رسیده‌اند. صدها و هزاران خانواده که هر روز و هر شب در در طاق فرسای جنایات شمش شب و روز ندارند و در گوشت و کنار شهر و روستاهای خراسان از جنایات شما عاصی هستند و در نماز و نیاز خود سرنگونی و دادخواهی و یاری از مجادین شهر اشراف را آرزو می‌کنند و...

پس بهتر است که در فکر عاقبت خود باشید. آن‌چه که خداوند در سرنوشت رژیم ولایت سفیانی خاتمه‌ای قرار داده است که ان‌شاءالله دور نیست، این عبارت قرآنی است که «و یسعلم الذین ظلموا ای مققلب ثقلین» و زود است که بداند آنان که ظلم کردند که به چه باز گشنگاهی بازمی‌گردند (چه سرنوشتی در انتظار آنان است) – سورهٔ شرا- ۲۷۷

پس می‌توانی توبه کرده و از سرنوشت پیشینیان خود عبرت بگیر، که شاید برای فرادیت مفید فایده‌باشد.

و چه رنجه‌ا به پای آن ریخته شد، از بیش از یک‌صد و بیست بار بمباران قرارگاههای ارتش آزادیبخش در یک شب در زمان جنگ عراق تا کردتای ننگین هژدهٔ نژدۀ مقاومت ما را در هم نوردید و تا بسیاری مقاومت‌ها را برپای خودخدا هم سربۀ نیست کردن آلتزناتوو دموکراتیک خود با پنهانۀ همین برجسب تروریستی به مقاومت ایران و تا هزاران توطئه ریز و درشت دیگر که با همین بهانه انجام گرفت و هم چنان ادامه دارد.

اما راه حل سوم به پیش می‌رود و رویای کهن ایرانیان را برای استقرار یک دولت ملی و مردمی پس از یک‌صد سال به منصفه ظهور خواهند داد.

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست

جلال گنجهای

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست

بحث «مرزهای اسلام و بنیاد گرایی…» در قسمت پیشین این نوشته، قسمت ۱۲، به‌ویژه گپهای مبارزه مسلحانهٔ مشروع و مرزهای جداساز آن با جنایات تروریسم رسید. موضوعی که به‌رغم اختلاف قدرت‌ها در تعریف آنها، در عمل و به‌طور عام مقبول جامعهٔ بشری بوده و به‌رخی اسناد و سوابق جهانی متکی است. از جمله قانون اساسی ایالات متحدهٔ آمریکا مقاومت فرانسه و دیگران در برابر فاشیسم هتاری و غیره که جلگلی از افتخارات تاریخ معاصر شمرده می‌شوند. در آن قسمت به‌اختصار یادآوری کردیم که، مرزهای جداساز مورد بحث عبارت‌اند از: یکم، مشروعیت هدف در مبارزهٔ مسلحانه. دوم، شرایط عملیات مشروع. سوم، امنیت و حقوق مردم بی‌طرف و منع هر گونه تعدی به آنان. و چهارم، پایبندی به مبارزهٔ اصولی با دشمن حقیقی. در گنجایش قسمت ۱۲ به دوتا از این مرزها، یعنی «مشروعیت هدف» و «شرایط مشروعیت عمل مسلحانه» پرداختیم. و اینکه به‌شرح موارد سوم و چهارم می‌پردازیم:

امنیت بی‌گناهان

یک مرز جدی با جنایات «تروریسم»، همانا اجتناب از هرگونه گزند و آسیب به‌بی‌گناهان و عناصری است که حتی اگر پایشان به‌صحنه کشیده شده باشد، نیروی دشمن نیستند و لذا باید با تمام توان حفاظت شده و به‌یرون از میدان درگیری هدایت شوند. زیرا در یک مبارزهٔ مشروع، روشهای نامشروع هرگز مجاز شمرده نخواهند شد. به‌این‌ترتیب، روشهای گروگان‌گیری افراد عادی و بازی با جان و امنیت مسافران هواپیماها و… به هر بهانه و توجیهی مشروعیت نخواهد داشت. از جمله این توجیه که برخی برای حملات انتحاری به مردم و اماکن عادی علم می‌کنند و می‌گویند: «اینان جز تار جان، به سلاح دیگری دسترسی ندارند.» چرا که نداشتن سلاح، تاکتیک و سلاح نامشروع را توجیه نمی‌کند. در این زمینه، هنگامی که به افشای سوءاستفاده از متون و عناوین دینی برسم، مطالب مشرووحی از متون اسلامی را مطالعه خواهیم کرد.

پایبندی به‌مبارزهٔ اصولی

در نوشتهٔ سابق، قسمت ۱۲، آورديم که: «آغاز مشروعیت روش مسلحانه درست در هنگامی‌است که همهٔ روشهای سیاسی و مسالمت‌آمیز، به بن‌بست رسیده» باشند. بدین معنی که پیش از رسیدن به‌چنان نقطهٔ اضطراری و ناگزیر، نقطهٔ «بن‌بست» روشهای مسالمت‌آمیز، مواجهه با سلاح حتی با دشمن حقیقی مجاز نیست. از این روی، مخالفان و موافعی که به‌احتمال در برابر «مبارزهٔ مشروع» قرار بگیرند، با دشمن حقیقی یکی نبوده و نباید آماج سلاح مبارزان مشروع قرار بگیرند. و نه تنها این، بلکه در گیرشدن نیروها با این موانع و مخالفان، به بهای دادن فرصت و کمک‌رسانی به دشمن حقیقی تمام می‌شود.

رژیم خمینی و بنیاد گرایی اسلامی تروریست، از آنجا که تنها به‌دنبال دستیابی به «قدرت مطلقه» هستند، هرگز به جداسازی دشمن از مخالف و حتی از مردم عادی نمی‌انديشند. چنین است که خمینی، پاکترین جوانان و به‌طور عمده مسلمان را بدون آن که جرمی مرتکب شده باشند، با زدن مارک «منافی» هزارهزار به قتل می‌رسانید و جریانهای مشابه وی در نقاط دیگر نیز به «تکفیر» هر مسلمانی که با شهرت قدرت‌پرستی ایشان ناسازگار باشد، حکم قتل داده و می‌دهند. لیکن، در یک مبارزهٔ اصولی و مسئولانه در برابر تجاوز بیگانه و با حاکمیت نامشروع، دایرهٔ دشمن به‌طور جدی محدود به دشمن حقیقی و اصلی است. و هرگز شامل مخالف‌ترین مخالفانی نمی‌شود که خود تحت ستم و تجاوز دشمن اصلی هستند.

جدلا از بحث این موضوع به لحاظ متون و منابع دینی که در آینده به آن خواهیم رسید، درسی که از تجربهٔ مجاهدین خلق ایران در مقابل اپورتونیستهای خان برای تاریخ تاریخ پنهان مانده، یک نمونهٔ عالی از این پایبندی به اصول مبارزهٔ مشروع است. در این تجربه، «اپورتونیستها» که گویا از اسلام سازمان مجاهدین به

اشغال پنهان، رویارویی آشکار

کربلاست(۱).

شدت و حدت تلاش رژیم آخوندها در عراق، گویای اهمیت و نقش بی‌جاننشین ژئوپلیتیکی است که عراق در معادلهٔ بقای رژیم آخوندنها ایفا می‌کند. مسألهٔ عاجل رژیم آخوندنها که مالا به‌قول آخوند جنتی‌کم کم مسألهٔ ریاست‌جمهوری و مسألهٔ نخست‌وزیری، بالاخره داره یک حکومت ثابت اسلامی در اونجا برقرار میشه و پایه‌ریزی میشه(۲)، این نیست که الزاما همین امشب یک رژیم «اسلامی» دیگر در عراق بر سر کار بیاید، بلکه می‌خواهند با استقرار یک دولت به ظاهر انتلافی که عوامالشان در آن دسدت بالا را داشته باشد، با هر پوستینی که بر تنش می‌کنند، با قبضه کردن حاکمیت در عراق بر زخم بی‌درمان «بی‌آیندگی»شان مرم هم بگذرانند و یک کشور همسایه را برای خودشان «خانهٔ آخرت» می‌دانند.

هر جا هم که مقامهای رسمی‌رژیم و همگانشان در عراق نتوانند، به طورسری‌چیزی اعلام کنند، به‌رغم آن که تمام دنیا می‌دانند، هیأت ناظران بین‌المللی برای بررسی انتخابات به‌عراق آمده و تا پایان بررسیا و اعلام نظرش، هیچ نتیجه‌ی رسمیت ندارد، اگر شده به یادوهای دست‌چندم خود می‌سپارند که حتی به‌عنوان خبرنگار! هم که شده ازجمله بگویند: «نتایج نهایی انتخابات قرار است چهار روز دیگر از طرف کمیساریای‌عالی انتخابات عراق اعلام بشود. البته این نتایج نشان‌دهندهٔ تعداد کرسیهای پارلمانی برای هر فهرست نخواهد بود»(خبرنگار تلویزیون رژیم در بغداد به نام خامنه-۱۶ دیماه ۸۴).

اول تعداد آرایبی که قرار است اعلام بشود را آخوندها در جیشان می‌گذارند. و بعد نتایجی که «نشان‌دهندهٔ تعداد کرسیهای پارلمانی برای هر فهرست نخواهد بود» را می‌خوانند اعلام کنند! آیا جز باجخواهی و گروگوشی و درودست‌زدن دیگرى دارند؟

چرا آخوندنها خود را به آب و آتش می‌زنند و دالما از جانب چیزی که آن را «کمیساریای مستقل» انتخابات می‌نامند، موضع می‌گیرند و اعداد و ارقام منتشر می‌کنند؟ چرا برای اولین‌بار در تاریخ حیات این

مارکسیسم لنینیسم تغییر ایدئولوژی داده بودند، برای تحمیل ایدئولوژی خود به عموم اعضای سازمان مجاهدین، شیوه‌های غیراخلاقی و مجرمانه‌یی را در پیش گرفتند تا آنجا که دست به قتلهای پرشقاوتی زده و چندین مجاهد سرشناس را کشته و جسد برخی از آنان برای زدودن آثار جنایت سوزاندند. در برابر این تروریسم وحشیانه تحت عنوان مارکسیسم، برای هر کسی پذیرفته بود که «دست‌کم» مجازات آمران و عاملان این قتلها حق عادلانهٔ مجاهدین است. اما رهبری مجاهدین خلق که زندانی شاه بودند، اعلام داشته و آموزش دادند که باید تمامی توان مبارزاتی و رزم خویش را هم‌چنان متوجه دیکتاتوری نموده و در برابر تروریسم اپورتونیستها به محکوم کردن جنایات یادشده و افشای این جریان انحرافی اکتفا کنند. و با این پایبندی خیره‌کننده به اصول یک مبارزهٔ مشروع، قاتلان خویش را از مجازات معاف کردند.

از جنایات تروریسم تا رهبری جنایتکاران

تشریح «تروریسم» و مرزهایش با مبارزهٔ مشروع را که به‌اختصار در قسمت ۱۲شروع کرده و در این قسمت به‌انتمام رسانیدیم، از این بابت در این‌جای بحث ضرورت داشت که جایگاه تروریسم کنونی در منطق بنیادگرایی اسلامی تروریست که یک سند مدون آن وصیتمنامهٔ معروف خمینی است، روشن باشد. آری، پروژهٔ اصلی و رؤیایی بنیادگرایی، سرنگونی ۷۷نظام حکومتی در کشورهای اسلامی به‌هدف ایجاد «دولت اسلامی واحد» است، که خود به معنی برافروختن یک جنگ هولناک جهانی است. این یعنی که روی‌آوری بنیادگرایان به «تروریسم» کنونی که بسیار وحشیانه در سراسر جهان در جریان است، گامی در راستای آن پروژهٔ اصلی است. بدین معنی که جایگاه این تروریسم که خمینی آن را «جنگ با چنگ و دندان» می‌نامید، در حد «خرج اولیه» برای آن جنگ جهانی هولناک است که لا‌جرم، عمدهٔ قربانیانش بی‌گناهان و مسلمانان خواهند بود.

در این میان، تحولی که باید صورت بگیرد، بروز و ظهور «رهبری» یا «اسلی از رهبران» تروریسم است که «تروریسم بنیاد گرایی» را تا مرحلهٔ آن جنگ جهانی مورد بحث، باید اداره کنند. پیداست که در چارچوب تشکیلات و جریانی که مهمترین کار و مأموریش تروریسم باشد، چگونه کسانی در رأس قرار خواهند گرفت. در این چارچوب، یعنی اقدام به عملیات دشت‌گستری که به‌ضرب خونریزی و ارباب، زمامداری را به چنگ آورند. این تنها خونریزترین فرماندهان خواهند بود که به بالاتر صعود می‌کنند و حتی رقابتهای درونی با یکدیگر را هم باید با خونریزی و ارباب تعیین تکلیف کنند. چرا که ایشان برای جامعهٔ مسلمانان و اجرای «احکام اسلامی»، کمترین ارزشی برای راه‌حل دموکراتیک قابل نیستند و راه‌حل را در تصاحب «قدرت مطلقه» می‌دانند. پس اگر در درون تشکیلات و جریان خود جز همین، یعنی قتل و ارباب، را به‌فرض کنار بگذارند، سرنوشتی جز اشتعاب و ریزش شدن در پیش‌پای خود باقی نگذاشته‌اند. به‌عبارت دیگر، تروریسم بنیاد گرای جنایتکار، در تحولات خویش هرچه بیشتر از دیانت و اخلاق دورتر خواهد شد و سرانجام، تنها پل‌نویزین رهبریهای ممکن را تولید خواهد و مسلط خواهد ساخت. این در درون خودشان اجتناب ناپذیر است تا چه رسد به زمامداری جامعه.

عقب‌نشینیهای بنیادگرایی خمینی

می‌دانم که خمینی می‌خواست و «دست‌کم» مدعی بود که رهبری باید به‌دست «فقیه جامع الشرایط» باشد. یعنی «چنانکه در رساله‌های عملیه هم می‌نویسند- یک «مجتهد» کامل که مبرریتی از تقوی رسیده باشد که مرتکب جرم و گناه شرعی نشود. کسی که لا‌جرم پیشوا و «مرجع تقلید» مردم متدین خواهد بود. بر همین پندار یا تزویر خمینی بود که در رژیم وی، با وجود یک «فقیه جامع الشرایط» در رأس، یعنی شخص خمینی، برای دستگهای که باید از محوهای اصلی گسترش تروریسم در جهان باشد، یعنی وزارت اطلاعات، قانون وضع کردند که این دستگاه باید به‌دست وزیر عیبره شده باشد. «مجتهد» باشد. اما در عمل، خود خمینی به‌خاطر اجرای «قتل عام زندانیان سیاسی» در سال۶۸، ناگزیر شد تا «فقیه جانشین» خود را که رسماً قانونی و اعلام شده بود، از دست بدهد و برای آیندهٔ رژیم از شرط «مرجع تقلید» و بواقع از شرط «مجتهد» عقب‌نشینی کند. چرا که جانشین رسمی نبوزد، که لقب «امید امام و

رژیم افرادی پیدا شده‌اند که «مستقل» و «غیروابسته به جمهوری اسلامی» و «دولت فعلی عراق» وانمود می‌شوند، اما به طرز شگفت‌آوری رهنمود سرمقاله‌های کیهان و جمهوری و رسالت چاپ تهران را در کمتر از چندساعت در بغداد رله می‌کنند یا به اجراءدرمی‌آورند؟

اینها همه باژتاب واقعیتهای تازه‌یی است که در صحنهٔ سیاسی عراق، قدم به عرصهٔ وجود گذاشته و کارربرای آخوندشاخت‌کرده‌تا به هر وسیله‌یی یابویزند. این بار بر خلاف سایر سرفصلهای آسال‌آخر که صحنهٔ سیاسی عراق از همواردی واقعی نیروهای سیاسی این کشور در مقابل ابادی رژیم خالی بوده، تقریباً همه احزاب و نیروها و گرایشهای سیاسی این کشور به میدان آمدند و ایجاد شرکت مردمی، هم به‌نسبت به بگذرانند و پیشین این کشور و هم در مقایسه با هر انتخابات‌دیگری در سایر کشورها کم سابقه و در شمار رکوردهای میزان مشارکت مردمی‌بود. همان مقابله‌یی که آخوندها را بر آن داشت تا چننهٔ خالی خود در رویارویی دموکراتیک رااز سلاحهای متناظر خاص خودشان، یعنی همهٔ انواع دغلکاری و جنایت، از ترور و ارباب گرفته تا قتل و تزویر پر کنند.

حقیقت باز یافته!

جبههٔ سیاسی که در مقابل جدیت‌رین تضاد و مسألهٔ سرنوشت عراق یعنی دخالتهای رژیم آخوندنها در انتخابات این کشور از نیروهای بسیار متفاوتی شکل گرفته به‌تهنایی گویای مستأورد و تحول مهمی در صحنهٔ سیاسی عراق است. تجمع نیروهای سیاسی ناهمگونی که پیش از آن وحدتی برایشان منصور نبود و بعضی از آنها قبلا در اردوی متحدان رژیم جای داشتند، اکنون است که ماهیت خصمانهٔ علگروه رژیم آخوندنها و عوامالشان در عراق برای بخش عمدهٔ نیروهای سیاسی این کشور آشکار شده است.

امری که از این پس دیگر می‌تواند برخی نارساییها و کمبودهای صحنهٔ سیاسی عراق، از فقدان تجربهٔ نیروهای سیاسی را به‌ویژه در همواردی با رژیم آخوندنها و ترغندهاشان، رفته رفته پر کند و قوام

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست (۱۳)

امت» هوی داده بودند، تنها درخواست داشت که این «قتل‌عام» آرامتر صورت بگیرد و زنان از آن مستثنی شوند، و این درخواستی بود که به‌عنوان مصلحت خود رژیم ناصحانه مطرح کرده بود و نه به‌عنوان نکوهش و ممانعت از جنایت و قتلهایی که حتی با موازین «داد گاه بلخ» داد گاههای شرع خمینی، غیرقانونی بود. آری، بنیاد گرایی جنایتکار، حتی در اوج قدرت، چنان‌که خمینی از آن برخوردار بود، درخواست و التماسی ساده برای سبک‌کردن محدودی در قتل و جنایت، بی‌آن‌که با اصل «قتل عام» به مخالفت برخاسته باشد، قابل تحمل و اغماض نیست. و خمینی به‌درستی دریافت که اگر این تخفیف درخواستی در قتل و جنایت علیه‌مظلومترین قربانیان را بپذیرد و نسبت به کسانی که در داد گاههای خودش به مدتی زندان محکوم شده و هیچ بهانه‌ای برای تجویز قتلشان وجود نداشت، اندکی ملایمت سوراخ کرده راه ملایمتهای بیشتر را گشوده و سد «قدرت مطلقه» را به‌دست خویش سوراخ کرده است. که یعنی این سد قدرت، دیر یا زود، بالاخره شکستنی خواهد بود و این روند به‌دست خودبهای درونی تسریع خواهد شد.

نتیجهٔ عقب‌نشینی از شرط «مجتهد جامع الشرایط» و «مرجع تقلید» و «پیشوای دینی» رژیم خمینی را بسیار سریع و شتابان به‌دست کسانی تحویل داد که هیچ شابهتی با «فقیه جامع الشرایط» نداشته و نشان داد که حقیقت «ولایت فقیه» چیزی فراتر از حاکمیت یک پاند به‌غایت جنایتکار و فاسد نیست که سردمدار تمامی فسادهای مالی، اخلاقی، قاچاق و خلاصه قتل و جنایتهای زنجیرهای، تنها تنها سران خود رژیم به‌اصطلاح اسلامی و فقهائی هستند. بدان حد که خودشان، سران قوای حکومتی و سخنگویان رسمی‌خودشان به‌گسترش سرطان‌وار انواع جنایت و فساد اعتراف کرده و در رقابتهای درونی خویش، یکدیگر را افشا می‌کنند. آری، این یک قانون است و جویندگان قدرت مطلقه و جاعلان عنوان اسلامی‌برای چنین قدرتی فاسد، در هر کجا و نه فقط در ایران، آینده‌یی بهتر نداشته و نمی‌توانند نوید دهندند.

تکفیر ناگزیر مسلمانان

قدرت توتالیتری که بنیادگرایان تروریست به‌دنبال تحقق آن هستند، خواه در بیان سنی که خلافت واحد برای تمامی مسلمین را می‌طلبد، و خواه در نظریهٔ «ولایت فقیه» خمینی، هر گر فداق این طرفیت هستند که واقعت تنوع فکری و اجتهادهای متفاوت و گاه متضاد مسلمانان را به‌رسمیت بنشاند. حال آنکه فرقه‌های مسلمان مختلف از دیرباز به اختلاف اجتهادها پردرانه نگرسته و آن را یک ارزش رسمی‌می‌باشند(۱). زیرا به مجرد اعتراف به چنین رسمیتی، برپایی یک حاکمیت به‌نام اسلام، هر گز نتیجه‌کنندهٔ «قدرت مطلقه» نخواهد بود. و ناگزیر باید ارزش اسلامی‌گران را انکار کند، که گاه مانند خمینی، کارشان به‌تضییع حق پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می‌رسد: خوانندگان باید به‌یاد داشته باشند که در قسمت ۱۱ از همین سلسله نوشته‌ها از قول خمینی این بیان وقیع و بی‌شرمانه را از متن وصیت‌نامهٔ معروفش آورديم که شخصاً نوشته بود: «من با جرأت مدعی هستم که ملت اری از تولد اولیهٔ آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله. و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما، می‌باشند(۲)». روشن است که منظور از «تودهٔ میلیونی ملت ایران» در این متن، تنها پیروان عقب‌ماندهٔ خودش هستند چرا که رویگردانی مردم ایران از خمینی به‌گونه‌ی آشکار بوده که در متن همین وصیت، چندین بار به آن اشاره کرده است.

بحث نفی ارزش و تکفیر مسلمین دیگر، موضوعی است که در قسمت آینده دنبال می‌کنیم:

پانویس

۱ - عبارت معروف در این باب که اغلب کتب اصول فقه به آن اشارت دارند، می‌گویند: «المسبب اجران و للمطاع اجر واحد». به این معنی که اجتهاد در هر صورت، شایان پاداش خداوندی است و در صورتی که به نتیجه‌یی مطابق با حقیقت خواست خداوند برسد، دو اجر دارد، هم برای اجتهاد و هم ثبیل به حقیقت. اما مجتهدی که از نظریهٔ خطا برسد، از اجتهادش بجزای خواهد بود.

۲ - مراجعه کنید به نشریهٔ مجاهد، شمارهٔ ۷۷۹، به تاریخ ۲۲آذر ۸۴.



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۲۷دی ۱۳۸۴



تاریخ ایران زمین

دوران کهن

(از پیشدادیان تا پایان دوران ساسانی)

(۱۲)

عبدالعلی معصومی

داریوش بزرگ

داریوش از نوادگان هخامنش، در سفر به مصر نیزه‌دار کمبوجیه بود. پس از بازگشت به پارس، با آتن از یارانش، پس از دلاوریهای بسیار، سرانجام بر «شن دژ» چیره شد و «بردریای دروغین» را به قتل رساند و برای فرونشاندن شورهای سراسر ایران، که پس از ششیدن خبر مرگ او پراشیده بود، کمر بست. گنومات حدود ۷ ماه حکومت داشت.

داریوش با یاری هم‌زمانش پس از یک سال رویارویی با شورشیان، سرانجام توانست شورشهای شوش، خوزستان، بابل، گرگان، مرو، پارس، خراسان (پارت)، ارمنستان و… را بخواباند و فرمانروایی امپراتوری هخامنشیان را به دست گیرد. شورش پارت (خراسان) را پدرش ویشاسب، که حاکم آن سامان بود، خواباند. داریوش برای خواباندن شورش‌ی که در مصر علیه حاکم ایرانی آن به راه افتاده بود، در حدود سال ۵۱۷ ق.م به آن سامان لشکر کشی کرد. او به آسانی بر مصر چیره شد و حاکمی جدید بر آن گماشت. داریوش در این سفر، روش آبیاری با کاریز را به مصریان آموخت. او هم چنین فرمان داد برای متصل کردن دریای سرخ به رود نیل، کانالی حفر کنند. این کانال باعث شد که راه‌بازرگانی دریایی میان هند و کشورهای غربی گشوده شود و از اهمیت راه زمینی که از بابل می‌گذشت، کاسته شود.

داریوش در سالهای پایان عمر به یونان لشکر کشی کرد. در جنگی که بین لشکریان ایران و یونان در سال ۴۹۰ ق.م، در دشتی در نزدیکی روستای ماراتن، ۴۰ کیلومتری آتن، رخ داد، سپاهیان یونان به فرماندهی «میلیسده» سردار آتنی، پیروز شدند. پیگی که خبر پیروزی سپاه یونان را از روستای ماراتن به آتن رساند، این فاصله را چنان به سرعت دودید که پس از رسیدن به آتن و رساندن خبر این پیروزی، ازپای افتاد و جان سپرد.

داریوش ۴ سال پس از این ششست، در سال ۴۸۶ ق.م، در گذشت. او ۳۵ سال سلطنت کرد و آرامگاهش در «نقش رستم» در نزدیکی شهر داریابگرد قرار دارد.

خشیارشا شاه

پس از مرگ داریوش اول پسرش خشایارشا (که مادرش آتوسا، دختر کورش بود) در سال ۴۸۶ ق.م به سن ۳۴ سالگی به تخت شاهی نشست. او پس از خواباندن شورشهای مصر و بابل، بر آن شد با یورش کرد دریای به یونان شکست پدرش را جبران کند. از این رو، چندین سال به تلاش کشنی و لشکر پرداخت و سرانجام به یونان یورش برد اما، او نیز کاری از پیش نبرد و کام‌ناافته‌بازگشت.

خشیارشا در سگ‌نبشته‌یی که در تخت جمشید یافت شده، دربارهٔ حدود قلمرو فرمانروایی هخامنشی در زمان او و تلاشش برای گسترش آیین زردشت و از میان بردن پیروان آیینهای دیگر، می‌پوسد: «من خشایارشا شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهایی که دارای دیوارهای گوناگون است؛ شاه این سرزمین بزرگ پهناور، پسر داریوش شاه هخامنشی، پارس‌یی سپه پارس، آریایی از نژاد آریایی… کشورهایی که به جز پارس، به خواست اهورمزدا، من پادشاه آنها هستم: … ماد، ایلام (خوزستان)، رَخم (پوچستان کنونی)، ارمنستان، رزنگ (سیستان)، پارت، هرات، باکتریان (بلخ)، مغد، خوارزم، بابل، آشور، سپردا (سارد لیلندی)، مصر، یونانیهایی که در دریا زندگی می‌کنند؛ آله‌ای که آن‌سوی دریاها هستند، عربستان، قندهار، هند… لیبی، حبشه…»

هنگامی که من شاه شدم، در میان این کشورها… نافرمانی بود، پس اهورمزدا مرا یاری کرد، به خواست او، من آن کشورها را … به جای خود شناسدم. در بین این کشورها پیش از من جاهایی بود که دیوان (تسخایان اقوام آریایی کهن) را می‌پرستیدند. پس به فرمان اهورمزدا پرستندگان دیوان را ویران کردم و فرمان دادم دیگر کسی دیوان را پرستش نکند. هر چه پیش از من دیوان را پرستش می‌کرد، مردم در آنجا، من اهورمزدا را با فروتی ستایش نمودم و آن چه نادرست بود، درست کردم. این کارها همه به خواست اهورمزدا بود. اهورمزدا مرا یاری داد تا این کارها را انجام دهم.»

در تابستان ۴۶۵ ق.م، خشایارشا و پسر ارشدش، داریوش، به توطئهٔ «خواجه سرا» و رئیس محافظان قصر شاهی، کشته شدند.

پس از خشایارشا اردشیر اول (اردشیر درازدست)، خشایارشا دوم (که پس از ۴۵ روز پادشاهی به دست برادرش سزدرمان، در سال ۴۲۴ ق.م، به قتل رسید)، داریوش دوم، اردشیر دوم، اردشیر سوم و آرشک به پادشاهی رسیدند. آخرین پادشاه هخامنشی، داریوش سوم بود که در سال ۳۳۱ ق.م، به دست سپاهیان اسکندر مقدونی کشته شد و فرمانروایی هخامنشی به پایان آمد.

اسکندر مقدونی

ق.م به سن ۲۰ سالگی، به پادشاهی رسید. او در بهار سال ۳۳۴ ق.م با ۴۰ هزار تن به عزم فتح ایران از تنگهٔ هلبیون (دارالمال کنونی) گذشت. نخستین رویارویی لشکر اسکندر با سپاه داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، در اکتبر سال ۳۳۳ ق.م، در ایسوس، در کنارهٔ خلیج اسکندرون (شرق مدیترانه)، رخ داد. اسکندر در این جنگ پیروز شد. داریوش پیشنهاد صلح کرد، اسکندر نپذیرفت.

اسکندر پس از فتح سوریه و مصر، به سوریه بازگشت و از آنجا روانهٔ فتح ایران شد، در جنگی که در سال ۳۳۱ ق.م، میان دو سپاه اسکندر و داریوش در جلگهٔ گو گامل، در ۹۰ کیلومتری شمال غربی شهر اربل (اربیل) رخ داد، باردیگر اسکندر به پیروزی رسید.

اسکندر در سال ۳۳۰ ق.م، بر سراسر ایران دورهٔ هخامنشی چیره شد. او پس از این چیرگی، هر ولایتی را به یک حکمران محلی سپرد. هنگامی که اسکندر بر تختگاه هخامنشیان چیره شد فرمان داد کاخ پارسه (تخت جمشید)، از یاد کارهای بی‌مانند تمدن هخامنشی، به آتش کشیدند و از میان برد.

پس از شکست داریوش در پیروزی بر داریوش سوم، خود را شاهنشاه ایران خواند، سپس، روانهٔ فتح هندوستان شد و تادرهٔ پنجاب پیش رفت. اما، از آنجا بیشتر نفرت و در سال ۳۲۴ ق.م، به ایران بازگشت و اندکی بعد، بر اثر خستگی و زنجهای لشکر کشهای طولانی و تبی که با ناتوانهای مسیر لشکر کشی به هند دچارش شده بود، در سال ۳۲۳ ق.م، به سن ۳۳ سالگی در بابل در گذشت. جسدش را به شهر اسکندره، که خود او بناکرده بود، بردند و در آن شهر به خاک سپردند.

مهم‌ترین آثار دورهٔ هخامنشی

تخت جمشید (پارسه):

«پارس» میهن نخستین هخامنشیان بود و «پارسه» (تخت جمشید) در دل این میهن ساخته شد. داریوش بزرگ در حدود سال ۵۱۸ ق.م، صخرهٔ بزرگی را در شمال غربی کوه مهر (کوه رحمت) برگزید تا کاخ‌شاهی را بر روی آن بناهند. او پسرش خشایارشا و شاه اردشیر اول تخت جمشید را بناهند.

تا تخت جمشید در سگ‌نبشته‌ها و لوح‌های گلی آن زمان، که در حفاریهای باستان‌شناسان به‌دست آمد، «پارسه» بود که به‌نام «قوم پارس» (هخامنشی) نامگذاری شده بود. یونانیان هم آن را «پرس پلئس» (شهر پارس) می‌نامیدند. در بالای درگاه سنگی ورودی تخت جمشید، سگ‌نبشته‌یی است از خشایارشا، که نام «پارسه» در آن آمده است: «به خواست اهورامزدا، این درگاه را، که مردم همهٔ سرزمینها از آن می‌گذرند، من ساختم و بسیاری چیزهای زیبای دیگر این «پارسه» را من ساختم و پدرم ساخت. هر چه‌ی که به دیدهٔ زیباست، همه را به خواست اهورامزدا ساختم». نام کمترین تختگاه هخامنشیان نیز که کورش بزرگ آن را ساخته بود، پاسارگاد (پارسه گد یا پارسکده) نام داشت که آن هم به نام پارسها نامگذاری شده بود

پایه‌ها نامگذاری شده بود

پایه‌ها نامگذاری شده بود

بقیه در صفحهٔ ۱۳

به مناسبت ۳۰ دی، سالگرد آزادی آخرین دسته از زندانیان سیاسی دیکتاتوری سلطنتی

درستاکیش مردی از بذل ماه

حمید نصیری

ساقی به‌نور یاده برافروز جام ما

مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

گمانم در شامگاه ۳۰ دی‌ماه سال ۱۳۵۷، زمزمه‌های عارفانهٔ دل‌های همه مجاهداتی که چه در مقابل زندان قصر جمع شده بودند و قلب‌هایشان برای دیدار «یار» می‌تپید و چه مجاهدان مه‌بند و همراه «مسعود» که گرداگرد او حلقه زده بودند، این مطلع زیبای غزلی از حافظ که مطلع این نوشته هم شده، بود. اما وقتی «مسعود» چهار روز پس از رهاییش از زندان، در میان حلقه‌یی از یاران و هوادارانش در دانشگاه تهران ضمن ستودن جنبش عظیم مردمی ضدسلطنتی گفت که «نباید به‌همین قناعت کرد. ما در آغاز راهیم. راهی پس طولانی و دراز، راهی که تا قلهٔ توحید ادامه دارد»، شاید کمتر کسی به عمق بیشش و اندیشهٔ او و چشم‌اندازی که در این جملات کوتاه ترسیم می‌کرد، پی برده بود. «راهی پس طولانی و دراز» که هنوز ادامه دارد. راهی پر فراز و نشیب، توفان‌زا، مرگ‌آور و هستی‌کش. اما با چشم‌اندازی سراسر امیدبخش، گل‌ریزان و هستی‌پرور آزادی و بهار آفرین. البته که با دیدن بعضی‌های خفته در گلو مجال شکفتن پیدا کردند و چشم‌ها نیم‌نم باران می‌باریدند. همه آینده را در چشم او می‌دیدند. گویی با دیدنش خلاصهٔ چیزهایشان پر شد.

اما به باورم، مسعود به چیز دیگری می‌اندیشید. به توفانهایی که در پیش رو می‌دید. از همان لحظه که از هدلیزهای تنگ شکنجه و زخم، پایش به بالای تاق زندان رسید، در مقابل موج جمعیتی که مشتاق دیدارش لحظه شماری می‌کردند، همان لحظه که تمامی عواطفش را تاثرشان می‌کرد، اما، نگرانی از فروغ چشمانش برق می‌زد و از طراوت کلامش منتشر می‌شد. نگران و دلتنگ آزادی. همه‌چنان که قبل، نه آزادی خود، نهال آزادی خلقی که هنوز شکوفه نداده، خزان وحشی که در حال وزیدن بود، قصد شکستنش را کرده بود. شناخت عمیق در برخورد با شماری از دُخیمانی که از بدخاتنه گذرشان برای مدت کوتاهی به زندان افتاده بود و از همان‌جا نابودی مجاهدین را در ذهن و ضمیر خود می‌پروراندند و با شامهٔ قوی سیاسی‌بش پر کشیده بود که دیوی که در حال خروج از شیشهٔ جادویی است، چه توره‌ها خواهد کشید. به همه چیز می‌اندیشید. به زندانی بزرگ‌تر، به بزرگی تمام ایران. گویی در جملاتی که حرارت کلماتش از قلب تپنده و پر حرارتی شکفته می‌شود، طرح نوش را از همان بالای تاق زندان به‌میان مردم می‌پراکند و سrdی دیما را دوب می‌کرد. طرحی که قرار بود در «فلک سیاسی اجتماعی ایران» درآندازد. و بعدش این بود:

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من ساقی به‌هم سازیم و بنیادش برآندازیم

ساقیش، همانایی بودند که در اطرافش حلقه زده بودند. همانهایی که به‌پایش گل می‌ریختند، در آغوشش می‌کشیدند و بوسه بارانش می‌کردند. و بعد اخون عاشقانهٔ‌شان را با نامش عجین کردند. ریخت، چشمه، رود و دریا شد. و روزی توفان می‌شود و «بنیان» هر چه دجال و دینفروش را بر خواهد کند.

او فقط یک چهره یادگار نبود که از زندان آزاد شود تا بازماند. تعبیر خودش این بود که فعلا از «اسمادت جاویدان» همراهی با یاران شهیدش محرم شده است، اما روایت و تعبیر تاریخ شکل دیگر و برتری از حقیقت را رقم زد و حکایت کرد. او باید می‌ماند و خدا را شکر که ماند. تا ناخدا(ی کشتی شکستگی» باشد که در تندر و توفانهای سهمگین هدایت آن‌را به‌عهده بگیرد. او ماندگار تاریخ و فشردهٔ چندین نسل بود و هست. از بابک و سیاوش، تا ستار و مصدق. و برترین یادگار و ماندگار نسل خودش. نسلی که اگرچه عمر طولانی نداشتند، اما بار ارزشهای قرت‌ها را در خود متکاثف کرده بودند. و بعد همهٔ آنها در وجود این مرد تکثیر و جمع شد. هیچ کدام اینها تصادفی یا خلق‌الساعه نبود. به همین دلیل به قول «بدرالطالقانی»، دُخیمان همیشه از نامش «وحشت داشتند». هنوز هم دارند

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر



مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

مجاهدین در زندان، سال ۱۳۵۷، در مقابل زندان قصر

بعد از خاتمی، چرا احمدی‌نژاد؟

دنگرش و ارزیابیهای اجتماعی و طبقاتی اصل بر قاعده است و نه استثنا یا استثناها. زمانی که آخوندها به سرکردگی خمینی به قدرت رسیدند، بخش قابل ملاحظه‌یی از چپ ایران برمنای پیشش تاریخی و طبقاتی خود، روحانیت را میان طبقات اجتماعی تقسیم کردند و براساس این تقسیم؛ موضعگیری سیاسی کردند. در دید و تحلیل آنان، آخوند بورژوازی، آخوند خرده‌بورژوازی، آخوند روستایی و آخوند فقیر شهری هر کدام پایگاه سیاسی – طبقاتی خود را پیدا کرد. کار این بخش از چپ، از ابتدای حاکمیت آخوندی به ورطهٔ انحراف و لاجرم سازش کشیده شد. آنها روی تضاد طبقاتی کاست روحانیت آن‌قدر سرمایه‌گذاری کردند که سرانجام برسر این سودای باطل، آبروی خود را باختند. آخوندها در عمل نشان دادند که برای بهره‌بری از قدرت به‌دست‌آمده و حفظ آن آماده‌اند که تمامی اصول و مبانی عقیدتی خود را قربانی کنند. از دید نگارنده آخوندهای حاکم از ابتدا یک پایه بودند و نه این‌که این یک پایگی را امروز با آمدن احمدی‌نژاد بنیان کنیم. عمود و محور کاست روحانیت، اصل ولایت‌فقیه است. هر ملایی که بخواهد در حوزهٔ قدرت سهمی و نقشی داشته باشد ناگزیر است که این اصل را پذیرفته و تا کنون خلاف این امر هم مشاهده نشده است. یعنی هر آخوندی که نه برسر سهم و حیف و میل بیشتر، بل برسر اصل ولایت‌فقیه حرف و اختلافی داشته است با ناچار به ترک صحنه شده و یا او را از دایرهٔ قدرت به بیرون پرتاب کرده‌اند. در درون قلعهٔ قدرت اگر اختلاف و دعوایی بوده و یا هست دو علت عمده دارد: سهم بیشتر طلبی و اختلاف دید برسر مردم و بین‌الملل فریفتن و مشغول داشتن. رژیم آخوندی پیوسته دریک شرایط نامتعارف و بحرانی به‌سربرده است. سرکوب مداوم و تاراج منابع و منافع ملی ایران، خود بهترین نمودار بحران حاکمیت است. سرکوب برای خاموش کردن اعتراضات مردمی و به تاراج دادن منابع ملی برای کسب حمایت خارجی. یک رژیم متعارف و تثبیت شده دیکتاتوری هم نیازی تا نابدین حد به این دو عامل نگاهدارنده ندارد. آمد و رفت چهره‌ها برای چنین رژیمی پس دیر آمده و شکننده، حکم وقت خریدن و پیشبرد اهداف موضعی نظام را داشته و دارد.

اشغال پنهان، رویارویی آشکار

بقیه از صفحهٔ ۱۰

از آن‌جا که آخوندهای حاکم بر تهران، جنگ پنهان و اشغال اعلام‌نشده‌یی را که در دوسال گذشته در عراق پیش برده بودند، پیش از هر زمان دیگری در این انتخابات آشکار نمودند، عرصهٔ سیاسی عراق را به‌صحنهٔ جنگ مردم این کشور با خودشان تبدیل نمودند. مردم عراق در تظاهرات میلیونی خود بارها اخراج رژیم از عراق را طلب کردند. پدیدهٔ جدیدی که به‌عنوان بروز اجتماعی ضدیت علنی باارتجاع و بنیادگرایی، دستاورد دموکراتیک و ترقیفخواهانه‌یی برای جامعهٔ عراق است. امری که صحنهٔ سیاسی داخلی عراق را به میدانی برای هم‌اوردی دو آلترناتیو مشخص تبدیل کرده است. یکی احتمال استقرار حاکمیتی وابسته به رژیم آخوندها که جدای از هر محدودیتی و رژیم و عواملش در اعلام رسمی و بیان ماهیت حقیقی آن داشته باشند، راه‌نفسی برای بقای سیاسی رژیم پای‌گور آخوندی خواهد بود و بپایده داخلی عراق را بیش از پیش دامن خواهد زد. دیگری یک آلترناتیو ملی– دموکراتیک عراقی است که بر هدم، اعم از اقدامها و سمتگیری سیاسی خارجی و منطقی به اصلاحات و اقدامات اقتصادی و اجتماعی در ساختار داخل کشور، ورود روی مداخلات رژیم آخوندها و نقش آفرینیهای مخرب عوامل آن در عراق قرار خواهد گرفت. تبلیغ هر نوع تقسیم‌بندی یا «قرائت» دیگر از رویاروییهای سیاسی در عراق و نامگذاریهای از قبیل تقابل «شیعه و سنی» یا «کرد و عرب» و «اشغال و ضد اشغال» برای پنهان‌کردن همین دشمن و همین رویارویی صورت می‌گیرد.

ماهیت توسعه‌طلب ولایت فقیه و دیوتوره‌کش صدور ارتجاع و بنیادگرایی به‌دلیل واقعات ژئوپلیتیک ایران و عراق و مرحلهٔ پایانی حیات رژیم آخوندهاست که چنین عرصه بروز برجسته و روشنی در عرصهٔ سیاسی عراق پیدا کرده است. اکنون اگر به‌اهمیت این سخن بازگردیم که رژیم آخوندها با روی کار آوردن احمدی‌نژاد «به مردم عراق اعلام جنگ» کرده بود، دیگر تردیدی نیست که جههٔ اصلی جنگ با رژیم آخوندی در عراق است و نه هیچ جای دیگر یا موضوع و پروندهٔ سیاسی و بین‌المللی دیگر!

در همین بایلد باید درایت مقاومت ایران را در

نگاهی شتابزده به دستگاه سرکوبی رژیم

رضا شمس

ه نظارتی که کوچکترین آگاهی نسبت به شرایط جامعه ایران داشته باشد متوجه می‌شود که رژیم ایران به‌دلیل ماهیت ضد تاریخی‌اش برای تدایم حکومت به‌یک دستگاه عریض و طویل سرکوبی متکی است که به‌طور روزانه و در تمامی زمینه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی و روانی و … سرگرم سرکوبی و در هم شکستن اشکال مختلف مقاومت در جامعهٔ ایران می‌باشد. دستگاه سرکوبی رژیم عمدتاً دو شکل دارد:

۱– شکل آشکار و عریان‌مینی بر سرکوبی مستقیم و حذف فیزیکی.
۲– شکل پنهان و سرکوبی غیرمستقیم مینی بر جنگهای روانی– تبلیغاتی و کنترل افکار عمومی.

بنا به‌دلیل متعدد دستگاه سرکوبی رژیم تا به‌حال نتوانسته مقاومت را در جامعهٔ ایران کنترل کند چون:

الف: در جامعهٔ ایران علاوه بر حضور مقاومت سازمان‌یافته به‌دلیل جوانی ترکیب جمعیتی و پویایی تاریخی جامعه در زمینه‌های مختلف مقاومت سرسختی علیه رژیم وجود دارد.

ب: شیوه‌های سرکوبی بر اثر تکرار بی اثری می‌شوند و کارایی لازم

اززیبایش از اوضاع و چشم‌اندازهای سیاسی عراق ستود، به‌طورخاص آن‌جا که درپایانهٔ سالانهٔ شورای ملی مقاومت ایران در تابستان گذشته تصریح شده بود:«در شرایط کنونی و در پروسهٔ تدوین و تصویب ورفراند قانون اساسی و انتخابات بعدی و تشکیل دولت جدید، تهدیدمیرم تمامیت و آزادی عراق و به‌خصوص رژیم از مانع اصلی استقلال آن و خروج هر چه سریعتر نیروهای چندملتی است، همان «جنگ پنهان و اشغال اعلام نشده‌یی» است که ۲میلیون و ۸۰۰هزار تن از مردم عراق بر آن انگشت گذاشته‌اند.

از سوی دیگر ایالات متحده اعلام کرده است به دموکراسی در عراق متعهد می‌باشد. این تعهد را در کارزار تاریخی کنونی برای برپایی یک دولت دموکراتیک و مستقل و معتدل، به‌بازمایش یکپنجد ج – با تمام قوا در انتخابات، به شرط آزادی و عدم تقلب، شرکت کنید و میدان را به‌سود جریانهای ضدهدموکراتیک و دخالتهای خارجی خالی نکنید. تا آخرین قطره و تا آخرین ذره از آزادی و امکان فعالیت آزاد سیاسی استفاده کنید. انتخابات آزاد، تحت نظارت ملل متحد و حداکثر آزادیهای دموکراتیک را طلب کنید.

د. امنیت و صلح و ثبات با اعاده و تضمین حقوق و احترامات همهٔ مردم عراق به‌ویژه زنان آزادهٔ عراقی و با پلورالیسم سیاسی و مذهبی و قومی محقق می‌شود.»«قسمتی از متن مادهٔ ۵۴بنیانهٔ بیست و چهارمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران–مرداد۸۴).

پاونیس:-----

۱– روزنامهٔ همبستگی اول دی ۸۴
۲– رادیو رژیم ۹دی ۸۴مشروح نماز جمعه تهران
۳– خبرگزاری رژیم(ایسنا) ۳۰آذر۸۴
۴– ازجمله پرونده‌های مربوط به قتلهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات، مورد زنی به‌نام برمنی در قم، از بستگان نزدیک آخوند پورمحمدی است که اطلاعاتی از جنایات وی داشته و به طرز فجیعی کشته شد. طرح سوزاندن جسدش بعداز قتل و صحنه‌سازی انفجار خانهٔ محل جنایت، به دستور شخص پورمحمدی بوده است.
۵– «مرام» یعنی «خواسته یا هدف»، که مخفف «مؤتمر رافضی الانتخابات المزوره» یا «کنگرهٔ مخالفان انتخابات تقلبی» است.

را از دست می‌دهند.

این چنین است که کارشناسان رژیم برای بقای خوشان مجبورند مرتب شیوه‌های جدیدی را از دستگاههای سرکوبی دیگر کپی کنند و بیشترین امکانات و استعداده‌ا را چه در عرصهٔ عمل و چه در عرصهٔ نظر صرف سرکوبی کنند.

کارکرد دستگاه سرکوبی بر روی مجاهدین

سازمان مجاهدین خلق به‌عنوان نیرویی که رژیم همواره موجودیت خودش را از سوی آن در خطر دیده، پیوسته مورد بیشترین سرکوبی سیستماتیک و همه جانبه و فراگیر رژیم بوده است. نگاهی به‌شیوه‌های سرکوبی مجاهدین می‌تواند نمایی کلی از کل دستگاه سرکوبی رژیم را داشته باشد که به‌جای خود برای نیروهای مخالف می‌تواند بسیار آموزنده باشد. البته در این‌جا تکیه فقط بر بخش پنهان و غیرمستقیم سرکوبی داریم:

۱– سرکوبی در حوزهٔ فردی:

در این عرصه، رژیم با تلاشهای دیوانه‌وار و صرف هزینه‌های بسیار تا آن‌جا که ممکن است سعی دارد تک تک اعضا و هواداران و حامیان مجاهدین را شناسایی کرده و آنان را سرکوبی و حذف نماید. دراین زمینه رژیم بیشترین نیرو را روی افراد در عراق حضور دارند می‌گذارد

علی اصغر بهروزیان

نگاه به نشریات قدیمی‌گاه زخمی که در ژرفای جانت پنهان داری و چون کوله‌باری سنگین با خود به این جا و آن جایش می‌کشتی را گویی می‌فشرد چنان سخت که دیگر بار سر باز می‌کنند و از گرمای آتشپیش جانت شراره می‌کنند و می‌سوزانندت به درد.
روق که می‌زنی می‌بینی هر ورق، تاریخی کلامهای هر



پیکر سرافراز مجاهد شهید حبیب الله اسلامی که در سال سیاه ۶۰ در زندان اوین وی را به‌خطر مقاومت دلیرانه و ایمان خللی ناپذیرش به مجاهدین خلق به دار آویختند

شده‌اند که پشت سر گذاشته‌یی، خویشا و پر افتخار می‌بینی سراسر فلات ایران را فرش از شقایقهای سرخ گسترانده‌اند. سرفراز بر دارها سر افراشته‌اند. یارانی که از ریروز در راکشایان بودی و امروز نیستند. که جانهای جوان و سرورشان را دست جلادی سردتر از مرگ درو کرد.

می‌فهمی که هر چند جنایتکارترین جانوران بر آن فلات به سلاخی عشق و آزادی نشسته‌اند اما آن بهترینها با مقاومتی شکنجه‌مندتر از درخشش ستاره‌ها به شب، تا به این جایشان کشانده‌اند.

تکته‌یی که به تأکید بیشتر نیاز دارد و از بسیاری جوانب آگاهی دهنده است روشهای به غایت ضدخلقی و پلیدانه همان «خمینی جلا و کذاب» است که اکنون به وزارت اطلاعات تبدیل شده است. در صفحه ۴۴نشریهٔ اتحادیهٔ دانشجویان مسلمان اطلاعاتی از فلات به سلاخی عشق و آزادی شده است که بازدید آن به درک سفلگی وواماندگی وزارت‌مربوطه و تمامی مزدوران افسارگسیخته‌اش که راه و روششان ادامهٔ همان

روشهای کذابانه امام جنایتکارشان پیش نیست کمک می‌کند. در اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران به تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۸۰ آمده است:

«... رژیم‌یی که هزاران نفر از مردم و خانواده‌ها را تحت تعقیب قرارداده و آواره کرده است (هواداران سازمان مجاهدین خلق (مجاهدان) ایران که سالهای به‌دست‌عمل چماقدار و جنایتکار خود مورد تجاوز قرار داده و خانواده‌هایشان را ویران کرده است اخیراً برای لوٲ کردن مقاومت‌های مردمی و عملیات نظامی نیروهای انقلابی و ایجاد تفرر نسبت به آنها در میان مردم به یک سری حرکات جنایتکارانه که غالباً توسط ایادی مزدور و چماقدار یا چند صباکی‌ها صورت می‌گیرد ازجمله بمب‌گذاری در برخی میادین و معابر عمومی یا پرتاب بمب و نارنجک به‌سوی محلهای تجمع مردم از قبیل مساجدرا شامل می‌شود... از جمله مطابق یک گزارش موثق اخیراً پلیس یک نفر را با یک نارنجک دستگیر کرده که بعداً معلوم شده فرد مذکور عضو و عامل یکی از کمیته‌ها بوده و قصد داشته نارنجک فوق را در یکی از مساجد منفجر کند تا به دنبال آن وانمود و تبلیغ کند که نارنجک توسط مجاهدین به مسجد پرتاب شده‌است...»

روندو یا به‌قولی کارزار کثیف جنگ‌روانی رژیم ضدبشری با هدف مشخص شیطان‌سازی از فداکارترین فرزندان مردم ایران چیزی نیست که امروز با ابتکار مثنی وامانده و مزدور ابداع و ایجاد شده باشد. این همان روش

است که در ادامهٔ خود در حرم امام رضا سمبگذاری می‌کند، به اتوبوس کودکان دبستانی در شیراز نارنجک پرتاب می‌کند، علیه انقلابیون افرشته‌اند کشتیهای شرافتندین مانند هوسپان و... را کشتار می‌نماید و هزاران نماد و نمونه این‌چنین را امروز در عراق به وجود می‌آورد. مردم قهرمان ایران که سالهای سیاه دههٔ ضصت را در خاطرهٔ تاریخی خود حفظ کرده‌اند در روز موعود پاسخ درخو به این جنایتان بدهند البته دیگر خریدار این ژاژخوایان نیستند. کارزار کثیف وزارت اطلاعات آخوندی به خیال خام خودمشتی مزدور را با بوق و کرنا روانهٔ بازارهای فرنگ کرده تا برای رژیم درمانده‌اش چند صباکی‌ها صورت عمر بخرد. در همان نشریه (نشریهٔ اتحادیه...) در اطلاعیهٔ دیگری از مجاهدین در بارهٔ دار زدن شهید سرفراز حبیب‌الله اسلامی آمده است: «خلق آویز کردن انقلابیون جزء جدیدترین تشیئات مذئوبانه‌یی است که جلادان خمینی در برابر مقاومت دلیرانهٔ فرزندان مجاهد و مبارز خلق بدان متوسل گشته‌اند. به‌راستی چه ضرورتی خمینی این ریکتفاشار خون آشام را به‌رقم آن‌همه ادعای اسلام پناهی و مردم‌گرایی به چنین جنایتانی واداشته‌است؟ کدام رژیم‌یی‌است که از حمایت توده ها و اقشار روزه افزون آنها مطمئن و خوشود باشد و در عین حال به چنین جنایتانی دست بزند؟ آری رژیم خمینی خواهان بقای خود با کمک چنین صحنه‌های وحشتناک و راستی



شمارهٔ ۷۸۲ – سه‌شنبه ۲۷دی ۱۳۸۴

قطعات یک موزاییک

رحمان کریمی

تراید مردمی می‌دیدند. جنبش دانشجویی برای کل نظام یک زنگ خطر واقعی به حساب آمد. آنها دیدند با آن‌که کاتالهای متعدد تلویزیونی لس‌آنجلسی مرتب دانشجویان و مردم را دعوت به حرکتهای سالمات‌آمیز و عاری از خشونت می‌کند، دانشجویان به خشم و خروش خود بیشتر و بیشتر می‌افزایند. و این درست جای پای مقاومت ایران بود و آخوندها آن را دریافته‌د و به وحشت افتادند. دستگاه اطلاعاتی ملایان شاهد توجه روزافزون مردم به مجاهدین خلق و تلویزیون «سیمای آزادی» بودند. از دیگر سوی، انتخابات عراق در پیش بود و می‌بایست از حد اکثر امکانات استفاده می‌کردند. کل امکانات در اختیار سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات رژیم قرار داشت، هم‌چنان که کل اهرم حفظ قدرت در حوزه ملی به‌دست همین نهادها می‌باشد. پس چه بهتر ریاست اجرایی کشور مستقیماً به فرماندهان سپاه سپرده شود. چنین بود که پاسدار احمدی‌نژاد به رئیس‌جمهوری رسید. بنیست نظام در کجاست؟ در مهار نشدن مردم، در حتی ضعیف نشدن مقاومت ایران، در پایداری و ماندگاری سلحشوران تاربخساز شهر اشرف، در ملاحور نشدن عراق، در گیر افتادن دو پای نظام در سیمان پروژهٔ اتمی، و سرانجام در رونق و اعتلای ملی و بین‌المللی مقاومت ایران و اثبات حقانیت او و نظر گاههایش.

پاسخی دندان شکن اما بی‌خروج به رژیم ملایان

از زمان رئیس جمهوری رفسنجانی تا پایان حکومت خاتمی به مدت شانزده سال با اتخاذ سیاست سازش و ممانشات به رژیم فاشیستی –مذهبی ملایان در تمامی عرصه‌های ملی و جهانی فرصت داده شد تا اهداف شوم و ضد بشری خود را دنبال کند. اکنون که این رژیم نقاب از چهره برداشته و خوف و کراهت خود را به تمامی در معرض تماشای عموم گذارده است، دیگر جای هیچ عذر و بهانه‌یی برای دولتردان جهان نمانده است. اکنون همگان بر خطر واقعی این نظام سرکوبگر توسعه‌طلب واقف و آگاه شده‌اند. مقاومت ایران سالهای بسیار در معرفی و افشای

آن رفیقی که سر دار از او گشت بلند(۱)

آن رفیقی که سر دار از او گشت بلند(۱)

این که اسطورهٔ مقاومتی است که حتی بر جوجه‌های تیرباران خمینی نیز غلبه یافته و در کمال استیصال او را به انجام روشهای قرون وسطایی علیه انقلابیون افرشته‌اند، آری این داستان تمام مرتجعین و دیکتاتورهای جلا د تاریخ است«وحشیگری در اوج استیصال» و چه گویا و زنده است پاسخ انقلابیون از زبان قرآن:
«آنجا که در مقابل نعره انتقام‌جویانهٔ فرعون که آنها را تهدید به سخت‌ترین کشتن نمود: پس دست‌ها و پاهایان را در خلاف یکدیگر (بی‌محابا) قطع می‌کنم و آن‌گاه هرکسی که در دار می‌آویزم... (آیه ۴۹ سوره الشعرا) که فرمانه فریاد بر آوردند «ما را از این بهدار آویخته شدن و زجرکش شدن) ما را هیچ باکی نیست همانا که به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم...» و اینکه این ادامه منطقی همان انقلابیون قهرمانی است که در اشرف قهرمان در برابر تمامی عرصه‌دیکتهای خمینی‌صفتان و قداره‌بندان تیر خلاص‌زنش صف شرف و پایداری کشیده‌اند و در روز موعود پنهان را از وجود و نحس و پلید پدیدهٔ بنیادگرایی و ارتجاع پاک کنند.
و باز هم به گفته قرآن: «و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون...»

پاونیس-----

۱– برگرفته از شعر حافظ:
گفت آن یار کز و گشت سرداربلند
جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد
تلاشهای رژیم در این حوزه حول سه محور نظری و کارشناسی، دیپلوماتیک و افکار عمومی تمرکز دارد. در عرصهٔ نظری تمام تلاش بر این است که مبارزهٔ مسلحانهٔ منکوب‌شود و برای این‌کار به‌خصوص نظریه‌پردازان و کارشناسان وزارت اطلاعات نقش مؤثری دارند. در عرصهٔ دیپلوماتیک با سسایو بداشتن جنگ مسلحانه با ترورریم رژیم تلاش دارد دولتهای دیگر را وارد دستگاه سرکوبی خودش کند که در این زمینه موفقتهایی نیز به‌دست آورده است. در عرصهٔ افکار عمومی هزینه‌های بسیاری صرف می‌شود تا روایتی که رژیم از حوادث می‌خواهد ارائه دهد به‌شکل غیرمستقیم از طریق رسانه‌های غیر خودی وارد جامعه شود. در خارج کشور آن روایتها که به‌شکل خبر و تفسیر سیاسی وارد افکار عمومی می‌شود از یک طرف به‌رویزم کمک می‌کند که آن تصویری که می‌خواهد را از گروههای مخالف وارد افکار عمومی کند و از طرفی از آن به‌عنوان ابزاری رای بیشتر امر لایگیری یا تأثیرگذاری بر مراکز تصمیم‌گیری استفاده کند که برای خلاصی از انزوای سیاسی رژیم خیلی اهمیت دارد.

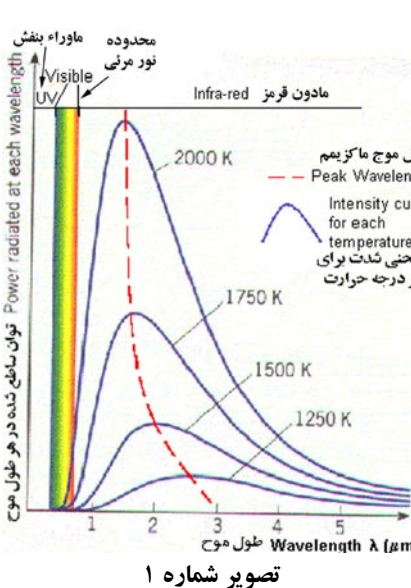
۳–در حوزهٔ ملی و جهانی:

در این حوزه رژیم با یک مشکل عمده مواجه است و آن مغفوریت فوق‌العاده آن است.

در مسیـر

یگانگی(۱۲)

شاهین توتونچی دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماسوجوست



می‌شد. پلانک، دانشمند آلمانی، متوجه شد بود که طیف نور ساطع شده از اجسام در فرکانسهای بالا (امواج کوتاه) شباهت زیادی به توزیع انرژی در تئوری گازها دارد. بدین معنی که اگر تصور شود که این ارتعاشات الکتر ومغناطیسی مثل گازی باشد که انرژی اجزای تشکیل دهندهٔ آن متناسب با فرکانس این امواج باشد، آن گاه می توان این طیف را توسط مکانیک آماری توضیح داد.این فرض که امواج الکترومغناطیسی حاوی ذراتی باشد که انرژی هر کدام متناسب با فرکانس موج آن باشد، جالب و عجیب بود. بر اساس این تصویر، ارتفاع این امواج متناسب با تعداد این ذرات خیالی بود. یعنی درخشانتر بودن یک نور به واسطهٔ تعداد بیشتر این ذرات است. پلانک نیز خود از این فرض متعجب بود و با احتیاط خاصی نسبت به آن برخورد می کرد. اما چاره‌یی نبود و محاسبات او به‌شکل باورنکردنی با مشاهدات گوناگون در این مورد همخوان بود.

اجازه دهید که دوباره با استفاده از مکانیک آماری و فرض جدید به توضیح این پدیده بپردازیم. اوله همچون گذشته تعداد اشکال سناریویی با فرکانس بالا (آبی و رنگ و طول موج کوتاه) بسیار بیشتر از فرکانس پایین (طول موج بلند) است. چرا که امکان «جا» دادن ارتعاشات با طول موج کوتاه بیشتر است. دوم، با بر فرض جدید، این اثر انرژی سناریویی با فرکانسهای بالا (رنگ آبی) بسیار بیشتر از سناریویی با فرکانس پایین است. از این رو بر طبق مکانیک آماری احتمال وقوع سناریو فرکانس بالا بسیار کمتر از فرکانس پایین است. اگر مجموع این دو اثر را در نظر بگیریم می‌توانیم این پدیده را توضیح دهیم. بالا رفتن درجهٔ حرارت، فرکانسهای بالا(نور آبی) محتملتر می‌شوند و به این دلیل طیف نور به سمت رنگ آبی می‌رود.

در بطن این توضیح، فرض ذره‌یی بودن نور است که مفهومی متضاد با موج است. برای اولین بار یک پدیدهٔ(نور) می‌یاست توسط دو مفهوم متضاد (موج و ذره) توضیح داده می‌شد. برای توضیح آبی بودن آسمان و باقرمز بودن فلز قفق، نور موجی بود، ولی برای توضیح رنگ قرمز یک زغال در آتش، نور از ذرات تشکیل شده بود.

اما به‌رم تمامی شکها، پلانک با این فرض گره کار را در توضیح دیگر پدیده‌ها که با فیزیک کلاسیک همخوانی نداشت، باز کرده بود.

در اواخر قرن نوزدهم، فیزیکدانان با دانستن این که نور یک موج الکترومغناطیسی است، سعی بر آن داشتند که رابطهٔ بین نور و الکتریسته را بررسی کنند. در یکی از این آزمایشها آنان بر فزات گوناگون نور تاباندند و متوجه شدند که الکترونهایی از آن فلز خارج می‌شوند که می‌توان آنها را جمع کرده و به شکل جریان برقی اندازه گیری کرد. این جریان برق یا درخشانتر شدن نور بیشتر می‌شد که نشان از بیرون آمدن الکترونهایی بیشتر از آن فلز داشت. این آزمایشها هر بار با دقتی بیشتر صورت می‌گرفت مثلاً متوجه شدند که فقط نوری که فرکانس آن از میزان مشخصی بیشتر باشد می‌تواند باعث بیرون آمدن الکترون و در نتیجه جریان برق شود. مثلاً با فلز نیکل، فقط نور آبی رنگ می‌تواند الکترونی را از آن خارج کند. در حالی که نور قرمز به‌رم درخشان بودن آن نمی‌تواند الکترونی را از سطح نیکل خارج سازد. این پدیده را اثر فتوالکتریک (Photoelectric effect) می‌نامند.

اینشتین با تکیه بر فرض پلانک که نور و امواج الکترومغناطیسی از ذراتی تشکیل شده‌اند که انرژی هر کدام از این ذرات متناسب با فرکانس آن موج است، توانست این پدیده را توضیح دهد. ذرات نور قرمز انرژی کافی برای آزاد سازی الکترونها از فلز نیکل را دارا نیستند. مهم نیست که چه تعداد از این ذرات به سطح نیکل برخورد کنند، هیچ کدام نمی‌تواند الکترونی را آزاد کند. به همین دلیل است که به‌رم درخشان بودن نور قرمز، جریان برق دیده نمی‌شود. اما نور آبی انرژی کافی برای آزاد سازی الکترون دارد. حتی یک ذره که انرژی آن از فرکانس الکترونی را آزاد کند. به هر میزان که تعداد ذرات نور آبی بیشتر (درخشانتر) باشد، تعداد الکترونهاي آزاد شده بیشتر و در نتیجه جریان برق حاصله قویتر خواهد بود. اینشتین این ذرات را فوتون نامید. با آن که در توضیح ایند پلانک، صحبت از ذرات نور کردیم، ولی او بدین روشنی موضوع ذرات نور را مطرح نکرده بود و فقط اشاره‌هایی به این موضوع داشت. اما اینشتین با دید زرفی که نسبت به فیزیک کلاسیک داشت، این ایدهٔ ذرات نور را به قویترین شکل بیان کرد و نشان داد که این تصویر می‌تواند اثر فتوالکتریک را توضیح دهد

بار دیگر نیاز بود که تصور کنیم نور از ذراتی تشکیل شده، چرا که بدون آن نمی‌توانستیم این اثر را توضیح دهیم (اینشتین برای این کار جایزه نوبل برد).

در همین دوره کامپتون (Compton) فیزیکدان آمریکایی، اشعه ایکس را، که نوری با فرکانس بالاست، به طر فی حاوی گازی که به آسانی یونیزه می‌شد و الکترون خود را از دست می‌داد، تاباند. نتیجه این تابش الکترون و نور دیگری بود. توضیح فرکانس نور ایجاد شده الکترونی بیرون چیده در دستور کار تئوریستینهارا گرفت. برای توضیح این پدیده، فیزیکدانان نیاز داشتند که آن برخورد اشعه ایکس و الکترون را همچون برخورد دو گوی بیلیارد تصور کنند. الکترون و نور حاصل از این برخورد، با زاویه و انرژی بخصوصی ظهور می کرد که تنها با تصویر نور از مجموعه ذرات فوتون قابل توضیح بود.

بدین ترتیب در اوایل قرن بیستم فیزیکدانان به این نتیجه رسیده بودند که نور بعضی اوقات چون ذرات و دمواردی دیگر چون امواج است. ذره‌یی با موجی بودن نور یک بحث قدیمی در فیزیک است. نیوتن معتقد به ذره‌یی بودن نور بود، در حالی که بوگنزر اعتقاد داشت که نور موجی است.

ادامه دارد

بررسی سال ۲۰۰۵ در حوزهٔ علوم

زیست‌شناسی و پزشکی

در بحبوحهٔ جنگل‌های پیرامون مسألهٔ جهانی آفتل‌آزای مرغی، سال ۲۰۰۵ با جنگال شروع و با جنگال خاتمه می‌یابد. این سال با مشکلات مستمر حول و حوش عوارض جانبی استفاده از یک داروی خاص مانع ارتزور با نام «کوکس-دو» و ازجمله «ویکس» شروع شد. این جنگالها با اتهامات مربوط به لاپوشانی وسیع و هزینه‌های چند میلیون دلاری بر علیه یک کمپانی داروسازی به وقوع پیوست. در انتهای سال ۲۰۰۵ توانایی از مقالات بیشمار در مورد جایگاه و خاستگاه «سلولهای بنیادین – stem cell» به یا خاست.

مهمترین دستاوردهای سال ۲۰۰۵ در زمینه پزشکی شامل انتشار ژنوم کامل یک سگ با نام «تاشا» شامایزه، سه نوع انگل انسانی، یک خرس قدیمی غار نشین، و همچنین یک نقشهٔ ژنتیکی از تغییرات و دگر گونیهایی در ژنوم انسانی با نام اس-ان بی-بی می‌باشد.

در این سال دنیا شاهد اولین عمل جراحی روی صورت انسان توسط یک تیم فرانسوی بود که بخشی از یک تلاش بین المللی جهت دستیابی به این هدف بسیار مهم محسوب می‌شود.

فرورفتن در جنجال

اما با پایان یافتن سال ۲۰۰۵ یکی از بزرگ‌ترین پیشرفتهای این سال در شک و تردید فرو رفته است. در ابتدا تحقیقی که توسط «وو ساک هوانگ» دانشمند کره‌یی و همکارانش در دانشگاه ملی سنول در کرهٔ جنوبی در مجلهٔ معتبر ساینس چاپ شد، ایده‌های زیادی را در بیماران زنده کرد. این گروه ادعا کرده‌بود که یازده نمونه از سلولهای بنیادین مربوط به یازده مریض مختلف را شبیه‌سازی کرده‌است.

اما با فرو رفتن این تحقیق در جنجال، در واقع تمام نقشه‌های کانون جهانی در حیطهٔ سلولهای بنیادین به خطر افتاد. ابتدا اتهاماتی مطرح شد و به دنبال آن اعترافات هوانگ مبنی بر استفاده از تخمکهای یکی از همکاران گروه در این تحقیق، این مسئله را غرق در جنجالهای مربوط به تخطی از قوانین اخلاقی نمود. سپس، مسألهٔ داده‌سازی توسط هوانگ مطرح شد. دانشمند

شیخ جابر الصباح، امیر کویت در گذشت

شیخ جابر الاحمد الصباح امیر کویت، روز یکشنبه ۲۵ دی (۱۵ ژانویه) درگذشت. وی که در طول حکومت عراق از یک سوء قصد در سال ۱۹۸۰ و نیز از حملهٔ نیروهای عراق در سال ۱۹۹۰ جان سالم به‌در برده بود، هنگام مرگ ۷۹ ساله بود.

به گزارش آسوشیتدپرس کابینهٔ کویت شیخ سعد عبدالله الصباح، ولیعهد این کشور را به‌عنوان حکمران جدید معرفی کرد. شیخ سعد سرعوی دور شیخ جابر الاحمد بود که توسط وی در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان ولیعهد برگزیده شده بود. امیر جدید ۷۶ سال عمر دارد. وضعیت سلامتی وی اخیراً نگرانیهایی در مورد تداوم حکومت در کویت به‌وجود آورده است. وزیر اطلاعات اناس الرشید که بیانهٔ کابینه را می‌خواند، گفت: کابینه از ولیعهد می‌خواهد که امیر کشور شود.

دولت کویت ۴۰ روز عزاداری و تعطیل سه روزهٔ ادارات دولتی را اعلام کرد. کویت برای دفاع کشور به نیروهای آمریکایی متکی است و انتظار می‌رود که هم‌پیمای نزدیک آن با آمریکا در حاکمیت شیخ سعد نیز ادامه یابد.

خاندان الصباح به مدت ۲۵۰ سال در کویت که دارای دهمین ذخایر نفتی بزرگ دنیاست، حاکم بوده است.

پس از این که یک افراطی شیعه در ماه مه سال ۱۹۸۵ با عمل

یک زن رئیس‌جمهور شیلی شد

میشل باشله که به عنوان **نخستین زن رئیس‌جمهور شیلی** انتخاب شده، بسیاری از **سنتهای سیاسی را در هم شکسته‌است**

گزارش و گفتگو از سرویس جهانی بی-بی-سی

او نه تنها زن است، بلکه خود را سوسیالیست می‌نامد. او به تنهایی دختر ۱۲ سالهٔ خود را سرپرستی می‌کند و دو فرزند بزرگ دیگر دارد. جامعهٔ شیلی عموماً به عنوان فوق محافظه‌کار که تحت نفوذ مردان و کلیسای کاتولیک است، شناخته می‌شود. تنها ۴ درصد از سناتورها زن هستند و طلاق تنها سال گذشته قانونی شناخته شد.

اما خاتم باشله معتقد است که این تنها بخشی از تصویر واقعی است و همان گونه که در تلاش وی برای کسب رهبری منعکس شده، شیلی در حال تغییر است.

او گفت: «این افتخار بزرگی است که نخستین رئیس‌جمهور زن شیلی باشم. اما فکر می‌کنم مهم‌تر این است که معلوم می‌شود شیلی در حال تغییر است. ما یک جامعهٔ پخته و دموکراتیک داریم که معتقد است مرد و زن می‌توانند مسئولیت‌پذیرند.»

او نه تنها زن است، بلکه خود را سوسیالیست می‌نامد. او به تنهایی دختر ۱۲ سالهٔ خود را سرپرستی می‌کند و دو فرزند بزرگ دیگر دارد.

جامعهٔ شیلی عموماً به عنوان فوق محافظه‌کار که تحت نفوذ مردان و کلیسای کاتولیک است، شناخته می‌شود. تنها ۴ درصد از سناتورها زن هستند و طلاق تنها سال گذشته قانونی شناخته شد.

اما خاتم باشله معتقد است که این تنها بخشی از تصویر واقعی است و همان گونه که در تلاش وی برای کسب رهبری منعکس شده، شیلی در حال تغییر است.

او گفت: «این افتخار بزرگی است که نخستین رئیس‌جمهور زن شیلی باشم. اما فکر می‌کنم مهم‌تر این است که معلوم می‌شود شیلی در حال تغییر است. ما یک جامعهٔ پخته و دموکراتیک داریم که معتقد است مرد و زن می‌توانند مسئولیت‌پذیرند.»

او نه تنها زن است، بلکه خود را سوسیالیست می‌نامد. او به تنهایی دختر ۱۲ سالهٔ خود را سرپرستی می‌کند و دو فرزند بزرگ دیگر دارد.

جامعهٔ شیلی عموماً به عنوان فوق محافظه‌کار که تحت نفوذ مردان و کلیسای کاتولیک است، شناخته می‌شود. تنها ۴ درصد از سناتورها زن هستند و طلاق تنها سال گذشته قانونی شناخته شد.

اما خاتم باشله معتقد است که این تنها بخشی از تصویر واقعی است و همان گونه که در تلاش وی برای کسب رهبری منعکس شده، شیلی در حال تغییر است.

او گفت: «این افتخار بزرگی است که نخستین رئیس‌جمهور زن شیلی باشم. اما فکر می‌کنم مهم‌تر این است که معلوم می‌شود شیلی در حال تغییر است. ما یک جامعهٔ پخته و دموکراتیک داریم که معتقد است مرد و زن می‌توانند مسئولیت‌پذیرند.»

